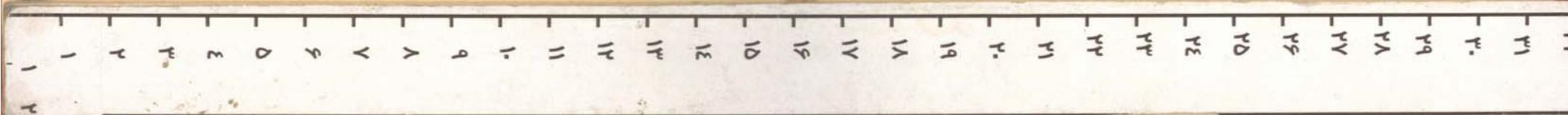


کتاب مصباح الفلاح



کتاب فصاح الفلاح



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸

کتاب نفع‌آج العلاح



۲۱
۲۵

۱۵۱۳



مؤلفه عالی شایسته
 در صفت
 منیر سعادت
 مخبر و خاتم صفا از اباشید
 و بصیرت صیقلی که کما مفضاه القاد
 کما زنا البقاع علامه در امر و جید هر و فید
 عصر ناصر المله و الذین شیخ هائک رحمة الله علیه
 میناشد و بوی مطهر این که این کتاب منظور نظر طایفه عالم
 امکان و ولی حضرت سبحان و امام العصر و الزمان علیهم السلام
 شده است لهذا بسیار او را است که کاف خلق در
 انجید و از کار یک در او در حین حال طبع
 در ساعا لیل و نهار و اشید با شنید
 با مبد و رجاء انکه از شنید کامیاب
 حضرت و احیای روح
 در حقیقت و وفود



در بیان احوال

بسم الله الرحمن الرحيم
 مفتح فلاح دنا و عقیق مفتح حاج اخوت و اولی حمد و شای با و کاه کبرای
 که همیشه که دعا را کلید خزان فیض و احسان و مفتح ابواب طول و امتنان شد
 هرگز که در کربستان شب زنده داری عبادش مستجاب دعا و فریادش
 صبح اجابتش پیش از صبح دیدم و هر که در زاویه اطاعتش بجایان صبح کاهی برتو
 محسین چهره و حضور و خوش دیدم و صیغه اعمال ذاعیان که کاهش بران
 امان آنچه و زانست در پرواز و سمات اجابت سالان با و کاه هر واضح و واضح
 در آغاز و چه یک به پیش کرمی جانش آه سر که کازان خرمین و زد
 و عصیان و زهر سوزد که بدست کبری تقویش بر دعای مظلومان صلواتش
 و خندان بر م خود و بخودن یک اندک کبری صده طلب بر کرمی نشاند
 و یک انداز و حرب اگر بنیاد کرده سه کاران باب رساند و سبغی از حقش
 که با صریب از جوشن داری شود نهد و جوشن از عبودین کرمی رساند که کس



در بیان احوال



بان که ندی رساند در سفلی جنبه حج اعلا و بن علوی مصر بر افان مقام فوالق
 حدیث که و اینده و حفظ ابواب ایمان و بن حوزتانی را ساعیه سده
 احکام و تاملی شاه و عظم امتنا و وسیله وصول مطالب دارین و زوجه
 حصول مفاصله نشان حیلوله و دود بر سیول و لاجبا لشکر است که مخیر
 مرینه مجد و فضلش و اولین پایه فریب و منزلت فاب و نویس اواد
 طایر بلند پرواز و صفش و اشبان بر شاخ سده المنه و یکت خوش خرام
 لغتش را میدان و لسوف بعبطیک و یک و روضی که بر دیدن انجاب کبر
 دعا و اجابت فریشت کالشمس از انجم و فر و نشستن افش که فاروس در شب میلاد
 سعادت بنیادش کالتا و علی علم تسبیح حصیلتا در کف چون نما یکی از معجزات
 ظاهر ایش که بیگانه که زبانه از یک بنایان است و ملازم اب ابرازن
 فریدان سبکی از باط باهر ماش که در اعراق افزون از فطرات باوان شکین
 طاق کسری هنگام طلوع کویک سعادت آثار ارحم ایزد ملامی بود ظاهر و شکا من بود
 منبر که با شاد و سرانگشت معجز نماش مانند آفتاب تابان مشاهده شد و فر
 رفتن اب دریا و در شب میلاد همیشه بر ایضه مود و لایح از معجزات صفا
 که از چشمه بدو بیضا نش فریون از حیط و عثمان روان کردید روح الهمین
 که در خیل هم در وطنانست اگر سعادت ملازمش بیالده چجب بر و بال با نه
 خدمت اوست و سلاطین که میجو دهمای که بیانش اگر شرف انشایش
 بنان و چه شگفت از خاک برداشته نشک دارک و دوز شغلش کزین کنایه
 بسایستان جان سراسر که فرخست که دعوی جنبش در محک و ضابطین سید
 و در روز دیوان عدالتش عبادت صد ساله بیولای ال اطهارش کفرین نمود
 که بخوابی ان بنید دوام مذمت و سلاسل نکوید صلوات الله علیه علمهم
 اجعین الی و اللین **در بیان احوال** بر راهی خطابن های هوشمند است
 کزین که بر تو هدایت آفتاب بنیاد و هر چه خضر عنایت سبحانی بر چشمه جودش



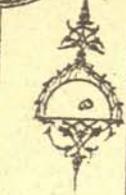
واینان بی برده حال مشامه حقایق اشبار کما فی دوائیه سکندری ظهور و جلوه
یافته اند و بحجرت و محضی بخراهد بود که علت غائی و عرضی است از ابداع انسان
و اختراع ابن زید بنیای ارکان و قلاصه از دو اجات خاله امکان بر روی غری و نماه
خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ الْأَلْبَعْبُدُونَ **م** موالین بر طاعات و اشتغال بعبادت است
م تا اینکه هر کس در خور استعداده و قابلیت که بسبب آنها اکتساب نماید **م** و
بازی استغفار و اهلیت که آنها اقتباس نماید **م** سزاوار روحی منها **م** و
سحق بقیلهای لافند و لاخصی که دیده **م** در هر شبه خود در جانش عدل بعضیها
فوق بعضی را گویند **م** و چون از کتب معتبره در این باب کتاب مفتاح الفلاح که
شیخ محقق و غزنی مدقق و وحید زفانه و علامه او انه **م** الشیخ بقاء الملة واللین
محمد الغامدی **م** عامله الله بلطفه الحقیقی **م** در صلاوه و ادعیه ششانه و رو
کتابین سبب جلیل القدر **م** و عزیر المثال **م** عظیم الشان **م** عدم المثال **م** فله
فلی نیست و نه حرف بر قامت نوصیفان ناس **م** و جامع طویل الذلیل **م** الفاظ در
تربیت آن کونا **م** کل شیء من ذی کل شیء من ذی کل شیء من ذی کل شیء من ذی کل شیء
م لکن چون بزبان عربی صفت خیر یافته **م** و چه بر که لغت فارسی معانی و معارف
بوده باشد از آن چندان شمع و بهره مبر نیست **م** بخاطر غایب این بنده محتاج بسو
باری **م** جمال الدین محمد بن حسین خراساری رسیده **م** که از ایران فارسی بوجه
نماید **م** نامه کی طوایف انام و اخصاص و علوم ازان محظوظ و بهره مند گردند **م**
بنابر ان اتمام بران نموده **م** آنچه کلام شیخ و بوده مزید نموده **م** بزجهان اکتفا نمود
و ادعیه و نظایر بود بوجه انرا در تحت آن فلی که دانید **م** و بحمد الله و المنة شاهدین
این مقابله فرمود می پراپه اشنام ذکر کرده **م** زینت انزای انجمن ارباب عقول و خیرین
بخش چن اصحاب ایقان گردید **م** **م** و از آنجا که فایده نیست **م**
در بعضی **م** و بر یکی ارباب دانش و پیش **م** به لحاظ احوال خیرین ظاهر روشن
که هر کس و اثنای آن **م** که آنچه غریب زبانه و نغصه شاد و جانب بر کرده و دوران **م**



فرمای زمان اهدا و اعاف نماید **م** چنانکه حکایت ملع و مواعری باب شور **م**
السنة و افواه **م** مذکور و مشهور است **م** ابن طویل البضا ع و ابن هوی ان بر سر
انقاد **م** که ابن بکر بنی منحصر منظور نظر است **م** کان بابه سر بر کوه و نطنز **م** سلاط
زمان **م** و شهنشاه و دول **م** یعنی صاحبان کبی سنان **م** انجم سپاه کردن
بازگاه **م** شهر بار عادل بازل **م** در بدل که در طری وادی مدین **م** شهنشاه بلند **م**
مخن صد باره بال گذاشته **م** و یکت خوش خرم **م** مدهم چندین مثل انداخته **م** شش
نزد که مستبد عر الرضا و معینست از برای سر و شش این بیابان بی پایان **م** به فلان علم **م**
فرا برداشته **م** و در بیوا طیف که سپاه چهار نظم و نتر است **م** حیدر و شعیب این **م**

کتاب الفرائض

مشعالمه سنان ایمان خشت **م** جهان کبر و جهان بخش جوان خشت **م** م لعوشم از وی **م**
دولت **م** بهر نازان زعدا شملک و ماست **م** هر دوی زمین زهر یکفخت **م** فلاب خبر **م**
اکت نوبت **م** بقصر و لاش چون طان بسند **م** و باره طان کرا برایش کنند **م** خلک
جهان فرا سر اوست **م** فهاست هم چو شکر اوست **م** جبهه برخاک رو کاشن **م**
سرخا و بر عرش برین سوزن **م** بوسه بر و در سنان ملائک پاستان **م** ندون **م** سر بر
زمین و ایمان خود تباوردن **م** حلفه ملایعش و در کوش کردن **م** خود را بزهر و ساقا
تاواستن **م** غاشبه و دلش بر دوش کشیدن **م** دوش با دوش دولت جاودانی
رض **م** اگر فعل پر کاش حلفه و در کوش هلاکت کند خدا در **م** و اگر شمس طاقا و
لب بر لب جام خورشید کند و در سر **م** اگر طرفه درش با کرا فی حلقش فله و نشعی
زمین و دای خرد گشتی **م** و اگر ماء معین الحفش تا انش فرین شایستی **م** جهان سر
سوی بخیر شایست **م** و در کنا و غلسان گذارد **م** که اگر و در دوی **م**
روی دهد **م** برنگ مای زابل کند **م** و کتاب عطا بر لالی اید و بر روی ساندان
نثار کند **م** و ناظرهای خون خجالت و ان مشبه کرده **م** منبع ایدارش انش و جان



زینا کتاف

دشمنان اندازد و سنان از ایش جوی خون دو صدان روان سازد
و هنگام بالا بردن سباع ماهی ایمان دو شکم برچیدن و در وقت پاهین
آوردن کا و زمین در پشت و زبیدن چمن جیش شاه راه عدل و انصاف

زینا کتاف

از مثل کرباشی دست سنان از سر خون در عروق ابر بران کرده بر نعل
بهری براید و از ستم روانشانی کف عطایش از بس دریا و رنگ بر ناک کشته
ابری بنظر دراید و اگر سکه ها چون بروی کل عقیقه زید با از بسکی بشکند
و اگر بجای زولاله عباسی مخرق سازند و دیگر اشرف بیک بنا و خرج نشود
در عیب اسناد کان پایه سرگردون نظیر منوله عم کیانند و در برابر اسباب
نشاط فلت اینسناط استسکند و در جام چه نمایند هر آنجا که کشتن حلقش لنگر
انازد اگر کوه باشد کوه سازد و هر جا که کوه شکوهش شاهان کند اگر کوه
قاف باشد ناف گذازد و در زمان عدالت و امانش بره از پستان کرک شپور کپور
و شعله در بال و پور و فاند خامه پرنیان و در هر صومعه خزان ابارای آن که در کوه
چهره کلی بشکند و نادمه کانز اندر آن کجا که سر زلف سنبلیلی دهد
سنگی را از خنده و نشاط همین هره که در طعه هفده خار دارد و فنده حوران
و جنات همان قدر است که دم ای از لب بیفش بیانشامد و در دوران سخاوت

زینا کتاف

که بجز صدف کبی در کوش نکند و با فوفت هر چند مشق اب و رنگ کند
از سفال که برسد لعل کران ها در نظر هاسب که از سنک و مجرای انبره
حوصله از دست میان شک دیده صدف و انظار مشرقی اب و زورید
و چو چشم در در بجز پیرای سقید شده عجب آنکه از دشت دست اند

زینا کتاف

کانز انب کر نشه و در باد و حران افشاده و طرفه اینکه ازیم کف کمر جیشش دریا
لوزه بر اندام افشاده و کان منقل بر اشکر از لعل و با فوفت پیش خود نهاده و هر که
کد در بینه صدف چشم باز کند بجانینان بگریم و در وجود سلطان و هر لعل که بجز
دل ابی بروی کار او در بطن امتدین همت و سخاوت و ان و حاصل بحرین بکنر انشای
بکلیت کف عطایش وفا کند و خراج عر اهلین بر و با فوفت بجز و زده دست سخاوت
و در عهد شجاعش اگر کرم اطفال شبر خوار بر سر میلان کجک زندگانی
و اگر در عویان کشته که کوه کان لب از شهر ناشسته و بجه شپور و دم بشکند
و دست پیر خدایش اگر از فی شیخ مالک ادواح دشمنان بد کیش قدم از خانه بپرو
گذازد تمام ان مملکت را بابت نفس بیضه تصرف سلو و در و اگر بریم جمله نشینی
کوشه کان نشیند چنان چکه بر ظلمان بداندش نشاند که عواره از سهم ان موبر
بد نشان بگر کشد و انخاب بیفش بر سر کبریا افکند که شب ظلم ان عرش و در عم سپری
نشند و هجای بوش بطرف که کز کرد که مرغ روحش در نفس پروان نکند
با شیخ ابد و بطرف هر که روی آورد اگر هوسم دشمنان باشد دست از جان ه
بشود و باستان جان سنان بجای هر که حمل کند اگر صدف جوشن بر شد باید دعا کند

زینا کتاف

زین شش برش خصم بد اخلاص کند چون نار پشت از سپه مغفر و همید
کند که در رسم انک و ساید فرصت بریدن رنگ تن آهن فایان روز یکبار
ز شمشیرش دو یکبار و فرقه ناصره سلطنت و جهان باقی و نزهت ناصر
عظمت و کشر و سلطنت و نخل بند چن سعادت اقبال و نخل بر و سندا کاش رو
و اجلال و با چه در فز اهل ایمان و سر اوح صیغه جود نیم کلستان و لعل و انصاف
شعله پستان جود و اعطاف و مؤتس فراتین نصفه معدت و هر که
فرعند و افت و رحمت و خلف صدق خاندان خلافت و درع الناج و در عمان



ولایت بر باد نوز بر من نریات بر این صدهشتین محفل عنایات بزوانی

و در این کتاب است

لازال محفوظاً بالتصیر و التابید السخانی کرد و چون در شریعت فرمای بزرگ
و حشمت و مکتب بیضای سروی و در نعت قبول هدا لازم و معتمد
و ملاحظه فابلت و شایستگی این گوید و نایب است بدین این گوین
مقبول نظر انگریز و لا نشکر کردیده بنوازش گوشه چشم النفاذ کله گوشه
انفخا و افلاطرس برج اعتبار خواهد یافت و اکنون حکام شرع است در تهیه کتاب

در بیان اکتشافات

و در این کتاب است

سپاس رخسار را که دلالت کرد ما را بر جاده جباره و هدایت و هدایت فرزند
ما را بسوی انچه واجب میکرد آنف بلند در بار اول و درود بر اثر از یکدکان
و افضل اهل زمین و اما نه اول او آنکه بد وستی ایشان قبول میشود نمازها
در بركات ایشان مستجاب میگردد و باها

در بیان اکتشافات

سپاسم سپیکه کزین شدگان از روی عمل بسپسترین ایشان فروری نرسها
در این عرصه مشهر چهار الیقین نوبت دهد خلاقه او را برای عمل در و روز
حجت فرمای او پیش از آنکه بیرون رود از دستان او میگرد که بتصرف کمالها
کرده اند و من جمیع از برادران دین بود درستان بپسین کمالیف بخش میگردیشغل
ناشد بر اعتنائچار است و سواهل و بانس راه و غیر مذشب از واجب جدا است و

انفلا و بسند به اداب و مرغوب آنها اقتضا کردند و در اعمال مستقیم بر این تعلیل
المؤنن و کثیر لغوی نایب است پس اجابت کردم مسؤل ایشان را و ناسبم از امتحان



در بیان اکتشافات
محمد و آل محمد که
قرول میشود ۱۸۱۸
آرامی ده احضرت
کرمشکنده و
در بیان اکتشافات
حاصلت خدا
مما فطنت بهیضایند
ام ادم زکوة او حشر
واجبه الو حویدا
دوسری آنکه
دنیا را بر مخفی
سازد از
در بیان اکتشافات
در بیان اکتشافات

الفلاح و بها اوردم بسو فرقی نعل اول ایشان از صراحت کند از خدای سبحا
بیک نعت بخشد بان طالبان رواهی که بگرداند از از هیزین زخیره ها از بر
سعد خرد و موز نیب دادم این را بر شش آب توکل کند بر الهام کند صرا در می

در بیان اکتشافات



در بیان کتابت

دو آنچه کرده میشود در میان نصف شب تا طلوع افتاب و این مشتمل است بر چندین

موضوع

دو باب بسیار از احباب عصمت صلوات الله عليهم در فضیلت این وقت شده
 و از ساعت غفلت میگویند چنانچه میان غروب افتاب و بر طرت شدن
 شفق از این ساعت غفلت میگویند و سزاوار است که او می در این وقت بیدار
 باشد چه خواب در این وقت شوست و روایت کرده رئیس محدثین محمد بن
 یاقوب در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 بدینگونه خواب میگویند منع میکند روز برابر او و زود میکند
 و تنبیه میدهد حالت نشانی و این خواب خواب شو میست بد و سنگین
 خدای تبارک و تعالی و صفت میفرماید روزها را در میان طلوع صبح تا طلوع
 افتاب پس حضرت کنیند شماها از خواب در این وقت و روایت کرده است نزد
 مذکور از امام ابی الحسن الرضا علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی و قال یسئرون
 انرا که که حضرت فرموده که سلاک استند که با رخسار او در صفت می کنند
 روزهای بی ادراک در میان طلوع صبح تا طلوع افتاب پس هر که خوابد در میان این دو
 که میشود و در او و روایت شده است که نماز صبح فرشته میشود در آنها و شب
 در علمای روز و روایت کرده است ثناء الاسلام محمد بن یعقوب کلینی
 در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه

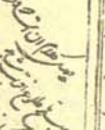
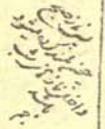
ان من انزلنا من السماء ماء فاحیوا به ثم یومنون

که حضرت فرموده یعنی نماز صبح پیشوند از آملان که روز و صلا که شب
 و در این مقام اشکالی نیست و ان ابن است که روایت کرده اند جماعتی از علماء ما
 از حضرت صادق علیه السلام از ساعت نسیب از ساعات شب و در
 از ساعات روز پس آنحضرت فرمود که آن ساعتی است که میان طلوع صبح است تا طلوع



در بیان معنی این

افتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با آنچه نقل کرده اند اصحاب ما
 و بران اجماع نموده اند که نماز صبح از نماز روز است و مخالفت نکرده است
 در این مکرر است که آن بن مهران اعش که آن نماز صبح را از نماز شب شمرده است
 و استدلالات نموده بقول پیغمبر صلی الله علیه و آله که نماز روز اخفاست
 یعنی آهسته که آورده میشود و استدلالات کرده اند نیز از جانب اعش آنچه
 کرده است رئیس محدثین در کتاب فقیه از حضرت ابی جعفر علیه السلام که آنحضرت
 فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز شب بیک روز صبح نمازی تا اینکه زوال
 افتاب میشود و هر کس است خلاصی از این اشکال با آنکه روایت وارد شده است
 با آنکه آن شخص بیک از حضرت باقر علیه السلام سؤال کرده که شبی بوده از علماء
 و سؤال کرده از آنحضرت از مسئله چند که معروف نموده مکرر میان آن ابرار
 ایشان و این مسئله از جمله آنها بوده پس شاید که امام علیه السلام جواب
 فرموده باشد او را از آنچه موافق عرف و اعتقاد ما باشد و این منافات
 با آنکه روز و در شرح ما ضعیف باشد و در آنچه میان طلوع صبح باشد تا غروب
 افتاب و اما آنچه استدلالات کرده است بان اعش از قول پیغمبر صلی الله علیه
 و آله که نماز روز اخفاست پس جواب گفته اند از ان علمای ما قدس الله ارواحهم
 با آنکه از باب غالب کرده اند و اکثر است بر اطل و با آنکه آنحضرت کرده اند است
 نماز صبح را از نماز شب جهت مبالغه در تغلب بر آن پس بطنی که دعوت کرده
 که پیغمبر صلی الله علیه و آله و آله و سلم میفرمود نماز صبح حق است که هر گاه
 فارغ میشدند از آن بر می کشیدند و نان و ایشان شناخته نمیشدند بسبب
 ناریکی و روایت کرده است رئیس محدثین که چیزی اکتف سؤال کرده از حضرت
 و در اول علیه السلام از نماز صبح که چرا بلند میکنند بدان فرموده بود حال آنکه
 از نماز و فاسق پس آنحضرت علیه السلام فرموده که جهت آنکه پیغمبر صلی الله
 علیه و آله تغلب میفرمودند بر آن پس نیز وقت میگردند از آن شب و با آنچه کرده



م. در بیان معنی این

در بیان معنی این کلمات

ظاهر میشود جواب از آنچه استدلال کرده اند بان از جانب اعش با آنکه ظاهر آن
که مراد امام علیه السلام نفی نماز سنتی است **محمد** و در مستبان که نماز سنتی
سنت میباشد **محمد** و در **محمد** تصور نیست و در **محمد** صحیح
اول و دوم بغیر کلامی **محمد** و در **محمد** که ذکر کرده است از جمله **محمد** جمال المذبح
و القابین **محمد** و در کتاب **محمد** و ان این است بدانکه روشن و دراز و روشن
افتاب است **محمد** در روشن نمیشود بافتاب چیزی مگر که در فاشد فی نفسه **محمد**
و کشف باشد و نماند **محمد** مانند زمین و جاه و اجزای زمین **محمد** خواه متصل باشد
بزمین **محمد** و خواه جدا است **محمد** و هر چه روشن میشود بسبب افتاب **محمد**
پس می افتد سایه از آن طرف دیگران **محمد** و بطنی که نقد بر کرده است خدای
تعالی **محمد** و بطنی که نقد بر کرده است خدای تعالی **محمد** بی هر گاه افتاب غیر زمین
باشد **محمد** و سایه زمین بالایی زمین **محمد** بر شکل مخروطی و لحاظ میکند
هوای که در روشن شده بر روشنی افتاب **محمد** هر طرف پس روشن میشود **محمد**
این سایه مخروطی **محمد** بر روشنی آن هوای روشن **محمد** بسبب روشنی هوا چون ضعیف
بسبب انکه بالذات نیست **محمد** و از دیگری که کسب شد **محمد** و بسبب انکه بالذات نیست
اجزای آن مخروط **محمد** که هر چند در روشن و در روشنی زیاد میشود **محمد**
محمد پس هر گاه برده باشیم **محمد** در وسط آن مخروط **محمد** خواهیم بود در آن یکی سخت
محمد پس چون نزدیک شود **محمد** افتاب باقی شریف سهل میکند آن مخروط سایه از آن
و طرف مغرب میباشد **محمد** که نزدیک میشود بصیران اجزای که در طرف سایه روشن
شده بود **محمد** و در این وقت اندک فزونی میکند و روشنی آن اجزای **محمد** پس اوقات
میکند از ابصر نزدیک صبح **محمد** و همچنین هر چند زیاد میشود در یکی افتاب
باقی زیاد میشود در یکی روشنی اطراف سایه بصیر **محمد** و او فیکر طلوع میکند
افتاب **محمد** و او اول مرتبه که ظاهر میشود **محمد** روشنی نزدیک صبح با رنگ و بلند است
مانند سنون وان صبح کاذب میکنند **محمد** و روشنی که در سبب نوری و بلند

در بیان معنی این کلمات

شناختن هوای
که از افتاب روشن
شده بود

در بیان معنی این کلمات

که دارد **محمد** و صبح اول نیز میگویند با اعتبار آنکه قبل از صبح دو هفت که بعد کور
خواهد شد **محمد** و از آن جهت که کاذب میگویند آن است **محمد** که در وقت نوری کاذب
و بالانرازان روشن شده **محمد** پس اگر راست میگفت که روشنی افتاب است
باینکه که از زمین بپاید باشد بافتاب که آن افتاب است **محمد** روشن باشد تا چند دور است
زان که بالایی افتاب باشد **محمد** و این روشنی صبح کاذب ضعیف و ناریکست **محمد** و در آن
وقت با هفت و زو زمین بر ناریکی خود **محمد** که بسبب سایه خود دارد **محمد** بعد از آن ناریکی
میشود در روشنی **محمد** تا اینکه میرود بطرف طول و عرض **محمد** و زمین میشود در عرض آن
بشکل نصف دائره **محمد** و این صبح دو هفت و این را صادق میگویند **محمد** با اعتبار اینکه
داست خبر داده است تو از صبح **محمد** و ظاهر کرده است صبح را از برای نوری **محمد** اینست کلام
علامه **محمد** که در اند خدا بخلق مقام او را **محمد** بد آنکه نطق نکرده است بطلوع صبح
اول مگر قلیلی از عناد آن **محمد** مثل دخول وقت فضیلت نماز و غیره **محمد** چه افضل اوقات
ان **محمد** مبنای صبح اول و دو هفت **محمد** چنانچه در اوایت کرده شیخ طایفه شیخ ابو جعفر
طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب **محمد** بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری **محمد**
که گفت سؤال کردم از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام **محمد** از ساعتی که روزی
پس آنحضرت علیه السلام فرمود **محمد** که دو سترین آنها بسوی من صبح اول است **محمد**
و در اوایت شده است که مردی سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیه السلام **محمد** از روز اول شب **محمد** پس آنحضرت جواب فرمود پس چون میانه صبح
اول و دو هفت بیرون آمد آنحضرت علیه السلام بسوی مسجد **محمد** و سه مرتبه **محمد**
که چند شایسته که سؤال کرد از حضرت **محمد** خوب ساعتی است از برای نماز این ساعت
بعد از آن بر خاست آنحضرت **محمد** و روزی که در وقت صبح دو هفت بر عبادات منقطع بان
و این است **محمد** بر هر گاه بطنی که نقد بر کرده است خدای تعالی **محمد** از آن جهت که
افتاب **محمد** و او اول مرتبه که ظاهر میشود **محمد** روشنی نزدیک صبح با رنگ و بلند است
مانند سنون وان صبح کاذب میکنند **محمد** و روشنی که در سبب نوری و بلند

در بیان معنی این کلمات

سوره زمر

بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْ جَنَّتْ لَا أَرَى وَخَرَجَ مِنْ جَنَّتْ أَرَى صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَاجْعَلْ أَوْلَ بَوْمِنَا هَذَا صَلَاحًا وَنُطْقًا فَلَا حَاوَ آخِرَهُ جَاهَا
 دگر در آن اول روز را که این است سلامی و بیان از آنجا که هرگز از آن روز

دو جوان بر اینچه روایت کرده است از آنجا که این دو نفر روزی در عقبه
 از حضرت صادق علیه السلام که حضرت فرمود که فرج علیه السلام هر صبح و شام این دعا بخواند
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنَّهُ مَا أَحْبَبَ إِلَيَّ مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَاقِبَتِهِ فِي دِينِ أَوْلِيَاءِ قَبْلِكَ
 خداوند ای منسبتی که گواه میگرداند که هر چه در دنیا از آن فرعون و عاقبت آن در دین از آن پیروان

وَحَدَّثَكَ لَأَمْشُرَيْكَ لَكَ الْكُرْبَىٰ وَلَكَ الشُّكْرُ يَا عَلِيُّ حَيُّ قَرِيْبٌ وَعَبْدُ الرَّضَا
 بگذرد تو نیست شکر تو بر او شکر و از او بر او شکر بسیار است این دعا را هر روز بخواند که بعد از نماز
 و میخواند این دعا در صبح و در هر شب و در وقت نماز و بعد از نماز هر چه در پیشگاه
 پس بسبب این نامه شده بعد از شکر که یعنی بنده بسپار شکر کند و بخواند این

نسخه روایت کرده است از آنجا که اسلام در کافری پسندیده است از حضرت ابی عبد الله
 علیه السلام که بعد از نماز هر روز این دعا بخواند که بعد از نماز و در هر روز

سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ
 معنی پسندیده است تسبیح پادشاه بسیار پاکیزه و بعد از آن میگویند حضرت
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوْذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ مَحْوِلِ عَافِيَتِكَ
 خداوند ای منسبتی که گواه میگرداند که هر چه در دنیا از آن فرعون و عاقبت آن در دین از آن پیروان

وَمِنْ فِجَاءِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ سَمِّ مَاسِيَةِ اللَّيْلِ
 و از ناگاه رسیدن عیب تو و از دور باقی بدی تو و از زهر کشنده است در شب
 وَالتَّهَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزِّهِ مَا لَيْكَ وَبِشِدَّةِ قُوَّتِكَ
 و روز خداوند ای منسبتی که گواه میگرداند که هر چه در دنیا از آن فرعون و عاقبت آن در دین از آن پیروان

ويعظم سلطانك و بعد ذلك على خلقك ان نصيبك على محمد
 و بزرگ مملکت تو و بعد از آن بر خلق تو و این نصیب تو است که در وقت نماز و در هر روز



نسخه
 معنی پسندیده است تسبیح پادشاه بسیار پاکیزه و بعد از آن میگویند حضرت
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوْذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ مَحْوِلِ عَافِيَتِكَ
 خداوند ای منسبتی که گواه میگرداند که هر چه در دنیا از آن فرعون و عاقبت آن در دین از آن پیروان



سوره زمر

ويعظم سلطانك و بعد ذلك على خلقك ان نصيبك على محمد
 و بزرگ مملکت تو و بعد از آن بر خلق تو و این نصیب تو است که در وقت نماز و در هر روز

وال محمد وان تفعل بكذا و لكن ان (و از دعاها پیشتر خوانده میشود)
 و این است که بکنی من چنان چه در آن (نرو صبح دعا بنویسد که روایت)

که در است از آنجا که اسلام در کافری پسندیده است از حضرت ابی عبد الله
 فرمود که کشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روزی که میبکاشد در وقت در باغی
 که از برای او بود پس بخواند و دعا بخواند و هر چه در دنیا از آن فرعون و عاقبت آن در دین از آن پیروان

ثابت نماند هیچ آن روز و در نماند هنگام چیدن میوه آن و سبک نماند چون
 و باقی نماند کشت آن روز بله به تمام میوه ای و رسول خدا پس فرمود از حضرت صادق
 علیه السلام هرگاه داخل جنم شوی و داخل شام شوی پس بگو

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَبِيرُ
 تسبیح پاکیزه خداوند و سپاس بر خداوند و هیچ خداوندی جز خداوند و خداوند بزرگوار

پس بد و سپسیدگی از برای نفس اگر کسی این دعا را بخواند هر شبی ده درخت در بهشت
 از انواع میوه و اینها از جمله باقیات عطا میگردانند حضرت با فرموده السلام
 فرمود که هر کس کشت آن روز پس بدستشکری از گواه میگرداند برای رسول خدا که این
 صدقه است و بخواند که هر روز برای فخرای مسلمانان که اهل صدقه باشند

رضی الله عنین طاب ثراه و بعد از آن دعا بخواند که از حضرت با فرموده السلام که از حضرت فرمود
 که هر که صبح کند و بر او انگشتی باشد که بکشد او عظیم باشد و از او در دست راست
 با انگشت کرده باشد پس صبح کند پیش از آنکه ببیند کسی را پس کرد اندک بکن آنرا
 بفرمان نماند بخواند سوخته آنرا کشته و بسپارد آنرا خود بعد از آن بگوید



نسخه
 معنی پسندیده است تسبیح پادشاه بسیار پاکیزه و بعد از آن میگویند حضرت
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوْذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ مَحْوِلِ عَافِيَتِكَ
 خداوند ای منسبتی که گواه میگرداند که هر چه در دنیا از آن فرعون و عاقبت آن در دین از آن پیروان



در بیان از این است

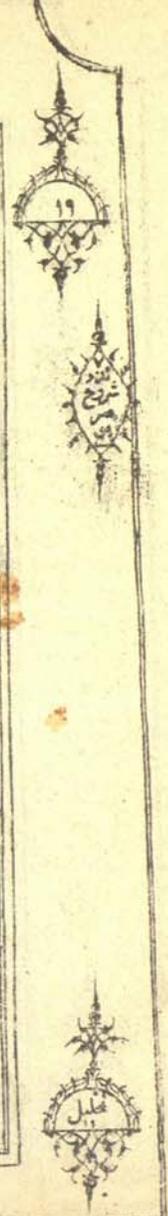
زمانی در ایامی از خداوند تعالی ...
میشود هرگاه قصد کنی نماز آوردن ...
هر باب از ویها و سننهای او ...
بود و مفاد آن در وقت و ...
در حکم آن نیست ...

بسم الله الرحمن الرحیم

انرا حضرت ابوالاسلام ...
اول وضو که شایسته است ...
دو واجب است ...
نیت و آب شستن دستها ...
ناه وضو و استنشاق ...

در بیان از این است

کرده است در میان مفاد ...
کدام نزد کار و نطفه نموده ...
که در کتب دست خود را بر آن جهت ...
عصمت سلام الله علیه ...
آمدن از خلوت کجایی علمای ما ...
که مضیم داری ...
مدار که باشد اگر وی ...
انقدر نیست بگردان آنکس ...
بان حدیث صحیح زبانه از حضرت ...
کلام از او با مقام ...



در بیان از این است

مجلسی می گوید که در وقت ...
شود ...
موضع دیگر و موی بلند شده ...
در این صورت واجب است ...
انچه مواجبه است ...
که واجب کرده است ...
باز کتیب چشمهای خود را ...
ذکر کرده اند این را در سنن ...
ایشان این را ...
اب وضو باید درون چشمها ...
که منافات نیست میان این ...
بر این مذهب چشمها ...

در بیان از این است

پس هرگاه تاریخ مشومی از شستن ...
ذکر کرده است ...
ویشوی بان دست راست ...
بر آن ...
موم چند پوشیده باشد ...
باید یکدست باطل آن ...
دست چپ و امثال آن ...
بگردد ...
در وضو ...



انسان نتواند
حشر قلب را
باز کند و بان چشم
را از حشر با بر بندد
و در پریشانی
از خون
خداوند اشک
بریزد شاید
سینخاق
انسانی کرد
چشم

در بیان از وضو واجب است

و در کتاب جبل المبین بعد از آن مسح بر سر پیش رو خود با موی از آنکه در دست
 بسبب کشیدن از جهت پیش بر عهدا دسته انگشت ضم شده بیک دیگر بزی دست
 و بقیه ان تری مسح کن پشت پای راست خود از سر انگشتان تا کعب یعنی
 مفصل شاق و قدم و مجزئ نیست مسح تا پائین تر از آن و بقیه که نمایان کردیم
 این دو این کتاب بعد از آنکه در پاوه بران نیامد و بعد از آن مسح کن پشت پای
 چپ خود از بزی دست چپ و چو باید که مسح سر و پاها بکند دست باشد و نه پشت
 آن که مسحت ضروری است و ناچار است از کشیدن کف بر محل مسح هر کف است
 گذاشتن کف بر آن کشیدن آن و سر او را است مسح کنی پاها را بتمام کف چنانچه
 روایت کرده است شیخ طائفه و در مذبح بسند صحیح از احمد بن ابی نصر زنی
 که گفت سوال کردم انحضرت اولس الرضا علیه السلام از مسح بر پاها
 چگونه است آن پس گذاشتند کف مبارک بر سر انگشتان بعد از آن مسح کردند
 تا کعبه پس گفتیم من که اگر مردی بکند بدو انگشتان انگشتان خود تا کعبه
 انحضرت فرمودند نه بکف تمام آن و باید که بوده باشد افعال وضوی تری در پی
 بیضا صلح میان افعال و غایت کرده شود در افعال تری مذکور حتی در مسح
 پاها نیز چنانچه در جماعتی از علمای ماسته و روایت کرده است نعم الاسلام
 در کاف بسند حسن انحضرت صادق علیه السلام که فرمودند که مسح کن
 بر پاها و بماند بکن طرف راست و سر او را است که خوانده شود نزد هر فعلی
 از سنن و مسجدها و غایت که وظیفه است چنانچه خواهد آمد در فضل اینده بر گاه
 خارج شوی از وضوی بگو الحمد لله رب العالمین یعنی سپاس بر خدا بر آنکه پروردگار
 عالمیان است و روایت کرده است اینها و در مذبح بسند صحیح محمد بن ابی
 جعفر

اللهم اجعلني من المتطهرين اللهم اقم امامك
 من التوابين واجعلني من المتطهرين اللهم اقم امامك تمام الوضوء
 از روی بزرگان و بزرگان خداوند بر سر بکرم من سؤال میکنم تمام بودن

در بیان از وضو واجب است

و تمام الصلوة و تمام وضو و نك والجنبه

و تمام بودن نماز و تمام بودن رخت زرع و در وقت نماز
 و بدانکه اکثر افعال واجب ذکرها که مذکور شد سنت است و افعال واجب غیر سنت است

در بیان از وضو واجب است



در بیان اذان و اقامت

۲۳

که فرمودند که در اذان و اقامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر چه میگوید
 نشسته بودند تا بگوید محمد بن حنفیه نگاه فرمودند با او و از برای من گویی
 اذان بگو که وضو بیاورم از برای نماز بگو او در عهد برای آنحضرت
 پس آنحضرت بدست راست و دست چپ را بر پیشانی فرمودند
 بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا
 نام خداوند و بگو که در اذان و اقامت
 وَلَمْ يَجْعَلْ لِحُجَّتِكَ
 و در اذان و اقامت
 بعد از آن آنحضرت استغفار کردند و فرمودند
 اللَّهُمَّ حَصِّنْ قُرْآنَكَ وَاعْقِبْهُ وَأَسْئِرْ عَوْرَتِي عَلَى النَّارِ
 خداوند نماز را حفظ کن و عقبه را از اهرام و عقیقت گردان از او بر شوشت را از اهرام
 و بعد از آن مضمضه کردند و فرمودند
 اللَّهُمَّ لِقِيَّ حَجِّي يَوْمَ الْفَاكِ وَالطَّلْحِ لِتَأْتِيكَ
 خداوند با بطن من محبت را روز که طوفان کم از او در روزی که از آن روز
 بعد از آن استنشاق کردند و فرمودند
 اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْ عَلَيَّ رِيحَ الْمَنَةِ وَاجْعَلْ مَنِيَّ مِنْ بَشْمَةِ رِيحِهَا وَرَوْحِهَا
 خداوند حرام مگردان من و از بشارت خداوند مگردان مرا از آنکه بوم نور از او در من
 بعد از آن استنشاق بوی خداوند فرمودند
 اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تَسْوَدُّ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ
 خداوند ماه سفید گردان روزی که در آن روز که همه چهره ها سیاه گردان و روزی که
 وَفِيهِ الْوُجُوهُ
 در روز روها
 بعد از آن استنشاق دست راست خود را فرمودند

و در اذان و اقامت

اللهم

در بیان اذان و اقامت

۲۴

اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِمَيْمِنِي وَخَلِّدْ فِي الْجَنَّةِ بِبَيْتِكَ
 خداوند من را کتاب مرا با دست راست من و همواره در بهشت خود نگاه دار
 وَأَوْحَا سَمِيْعِي حَيْثُ أَلَسْتُ بِسَمِيْعٍ
 و در اذان و اقامت
 بعد از آن استنشاق دست چپ خود را فرمودند
 اللَّهُمَّ لَا تَعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُوْلَةً لِعَدُوِّي
 خداوند من را کتاب مرا با دست چپ من مگردان که در آن مغلول کرده شده و در گردن من
 عَوْدِيكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّبِيِّينَ
 و در اذان و اقامت
 بعد از آن سر کردند سر مبارک خود را و فرمودند
 اللَّهُمَّ عَشِيَّتِي وَحَمِيَّتِي كَمَا كَانَتْ
 خداوند عصر من و محبت من را همان محبت خود را در کف من نگاه دار
 بعد از آن سر کردند باغای مبارک خود را و فرمودند
 اللَّهُمَّ تَبَيَّنْ لِي عَلَى الصُّوْرَةِ يَوْمَ تَزُولُ فِيهِ الْأَقْدَامُ
 خداوند آفتاب گردان قدمها را بر صورت من و روزی که پاهای من در روزی که قدمها
 و آنچه بگردان سر مرا همان آنچه را از آن روزی که از زمین ارض جبر بر گردان گردان
 بعد از آن بالا کردند سر مبارک خود را و بوسیله آسمان و عرض کردند ای صاحب برکت
 و کرامی داشتن خود را بگو که در روزی که بجز تو فرمودند ای محمد هر که وضو بیاورد
 مثل این وضو من و بگوید مثل این کف من و مثل این که خدا بفرماید از برای او
 از هر قطره فرشته که نهد پس کند او را و کسب کند و کسب کند او را و کسب کند او را
 خدا بفرماید از برای او و در اذان و اقامت و بداند که اندک اختلافی
 هست در میان نسخا (کافی) و در فضیله (و نه هب) در بعضی نسخا

اللهم

در بیان از این صورت

الغالب ابن دعاها و آنچه نقل کرده ام در این کتاب روشی است که شیخ صدوق
در غنچه ذکر کرده من استخیر معتمد است **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** و خواندن
از این شیخ شهید ثانی قدس الله روحه و در اخراج هستی از خانه بخواند

صلوات

پس هرگاه قانع شوی از وضو **مُتَوَكِّرًا شَوْحًا نِيَامًا سَجِدًا** روایت کرده است و پس
در فضیله از حضرت صادق علیه السلام که هر که برود بسوی مسجد نمک ناز
باید بر هیچ زنی و در خشکی مگر اینکه تسبیح کند از برای او زمین نازدین مغفرت
و گوی سزاوار است که بخواند نزد بیرون آمدن از خانه خود این دعا را

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ هُدًى لِي وَ الَّذِي هُوَ لَطِيفٌ فِي حَشِيمِي وَ هُوَ سَعِيدٌ
نام سردار است از برای هر که برود از خانه و ایضا که او طعام مسکین را و از
و **إِذَا مَرَضْتُ وَ هُوَ تَسْتَعِينُ وَ الَّذِي يَمِينُنِي فِي حُجْرِي وَ الَّذِي اطعم**
در هرگاه بیمار شوم پس او شفایم در هر آلام و ایضا که هر که اندر اسب از آن زنده میکند و ایضا که
أَنْ يَغْفِرَ لِي حَطْبَتِي يَوْمَ الدِّينِ وَ يَجْعَلَنِي لِي حَكْمًا وَ الْحَقْفَنِي بِالضَّأ
انکه بیمار در این خطرات در روز جزا پروردگار من بخشند من حکم و حق گردان مرا
وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ ذُرِّيَةِ
و گردان از برای من زبان راست در این مکان و گردان مرا از آن که مرا شرمند

حَسْبُكَ التَّعَمُّ وَ غَفْرُكَ لِي

پس بگو که حال من است که در کتاب عدا الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر که وضو کند پس بیرون رود بسوی مسجد و بگوید در وضو که هر که وضو کند
بِسْمِ اللَّهِ خَلِّقْهُ فَهُوَ هُدًى لِي

و **الَّذِي هُوَ لَطِيفٌ فِي حَشِيمِي**

۲۵

نقل از

روایت

الذی

اطعام

در بیان از این سخن

اطعام کند خدا بعالی و در این نظام هست و بیانشانند او را از شر بیفت
و هرگاه بگوید **وَ إِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ تَسْتَعِينُ** بگوید اند خدا بعالی
این کفار کناهان او **و هرگاه بگوید**

و الَّذِي يَمِينُنِي فِي حُجْرِي

بپراورد خدا بعالی او فارم من شهیدان و فتنه گردانند او از دنیا شدن نیت
بخشان و هرگاه بگوید **وَ الَّذِي يَجْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي حَطْبَتِي يَوْمَ الدِّينِ** پناز او را
خدا بعالی از برای او خطاهای او انما **هر چند پیشتر باشد از گفت**

و هرگاه بگوید

و اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

بخشد خدا بعالی مرا و در علم و عملی گردانند سلطان **هر که پیشتر از او**
باشد و صلاح هر که بعد از او بوده باشد **و هرگاه بگوید**

وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

نبود خدا بعالی از برای او **و در وقت سعیدی است که فلان بن فلان**
و هرگاه بگوید

وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

بپاورد خدا بعالی و وفادار او را **هرگاه خواجه که داخل مسجد شوی پس ملا**

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ خَيْرٌ أَلْمَاءُ كَلِمَاتُ اللَّهِ
جام خدا **و خدا از خدا و سر خدا و زمین نامها**

لَوْ كُنْتُ عَلَى اللَّهِ لَأَحُولُ وَلَا تَوْه إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
و کلام بر خدا که هر که بر تو نازل کرد خداوند از رحمت بر تو و دان

مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ لِي أَيْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ وَ أَعْلَقْ عَنِّي أَيْوَابَ
عمر **و کتب بر این در بار رحمت خود و توبه خود**

و هرگاه بگوید

۲۶

نقل از

روایت

الذی

اطعام

سنت
در بیان احوال و عبادت

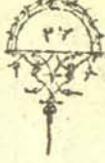
مَعُصِبَتِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ زَوَارِكِ وَعَمَّادِ مَسَاجِدِكَ وَمِنْ تَبَاتُهَا
نَافِرَاتِ لَيْلٍ وَكِرْوَانِ رِيَاءٍ اَزْ بَارِتِ كَتَمَةِ كَانٍ وَوَلْمِ كَسْتَمَانِ كَمَرَةٍ وَرَبِّ كَرَمٍ

فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِينَ قَامُوا فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَادْحَرْتُمْ
دَرْشِبَ دَرُونَ وَاِزَانِ كَبْرِيَاثَانِ دَرْتَانِ فَوْشِ كَسْتَمَانِ وَوَرْتَمَانِ

السَّيْطَانُ الرَّجِيمُ وَجُوْدَا لَيْسَ اِحْمِيْن
شيطان رانده شده را دشمنان بر طاعت نماز

بهرگاه مجزای بگویی بقلین خود و پس بکن از پای چپ پیش از راست بعکس
پوشیدن و اگر بوده باشد بقلین برعکس و ممکن باشد که او را نکند
پس ممکن آنها را چهره در نمازها سنت است اما شرط آنکه پاک
باشد و تحقیق که رعایت کرده شیخ طائفه دو حدت بیست و هجده
مغویبین نماز که گفت دیدم حضرت ابی عبد الله علیه السلام که نماز
میکرد و در بقلین خود زیاد از یکبار روند بلبه آنحضرت که بکنند آنها را
هرگز و راست کرد ما شک عبد الرحمن بن ابی عبد الله از حضرت او علیه
علیه السلام که فرمود هرگاه نماز کنی پس نماز کن در بقلین خود هرگاه بوده باشد
پاک پس بدو رسیده و بگویند که این سنت است و قول آنحضرت پس بدو رسیده
میکویند تا آنرا ظاهر امر او است که هرگاه نماز کنی خود بقلین خود معلوم پیش
شعبه را که نماز در آنها از سنت است و فائز میشوند باین چه در او است
اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام است که اعتماد بوده بر افعال
پس و افعال ایشان بعد از آن اذان بگو پس بدو رسیده اذان نماز صحیح
از منتهی است حتی اینکه سبب و رضی فائز شده است بوجوب آن بر مولد
و موافقت کرده است با او بر عقل و زیاد کرده بر او اینکه فائز شده
بیطلاق نماز صحیح بسبب ترک اذان و صورت اذان این است

اللَّهُ أَكْبَرُ عَزَّ وَجَلَّ



سنت
در بیان احوال و عبادت

وهر یک از شهدا بنین و وحی علی الصلوة و وحی علی الفلاح و وحی
علی خیر العمل و الله اکبر و لا اله الا الله و در مرتبه
و باید که پسنداده باشی و ز حال اذان و و بقبل کنی با او بلند و آواز و
ناق بگویی و بگذاری و وانگشت خود را در گوشهای خود فرو روفت

کنی بر هر لب از هجده فصل و التفات نکنی بطرف راست و چپ و چون
نزدی و اثنای آن و وصلوة بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه و اله و نیز در
آنحضرت پس تحفظی و واجب کرده است در پیش عهده بن و وضو پسند صحیح
از حضرت ابی جعفر علیه السلام که فرمود صلوة بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه
و اله و را ذکر کنی و او را ذکر کند او را ذکر کند و در نزد اذان و غیر اذان
و پوشیده نمایند که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر وجوب صلوات بر آنحضرت
بر هر ذکر کننده و مشنوده که ذکر او را بکنند یا بشنود ذکر او را صاحب
و بعضی از اهل سنت و فقه اند بوجوب صلوات بر آنحضرت و در نماز

عزیمت و بعضی در مجلس بگوشه و بعضی در هر بنده ذکر شود
و این مذهب رئیس محدثین است فدر سر الله روحه و اما آنچه مذمت است
از عدم وجوب صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و اله و در نشسته اول دو
نماز پس مراد آن است که جزء نماز نیست و باعتبار آن واجب نیست
نداست که نام آنحضرت مذکور شده و نیز واجب نیست پس منافاتی نیست
میان این کلامهای واعلی الله در جبهه و تحقیق که موافقت کرده است با
صاحب کثر العرفان و در وجوب صلوات که هرگاه ذکر شود آنحضرت
و این قول صحیح تر است و تحقیق که اسناد لال میکند برین بقول خدا تعالی

وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ لِمَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْعَرَبِ قُمْ فَاذْعُرُّهُمْ قَوْمًا يَتَّبِعُونَكَ
و اذ نادى ربك لما اوحى اليك من العرب قم فاذعُرهم قوما يتبعونك



در بیان کیفیت صلوات بر ائمه

علیه صلوات بر من خلفت فاعده مذکور لازم بنامند و بعضی بوجه کرده اند
 این تشبیه را با صلوات بر حضرت ابراهیم علیه السلام باعتبار اینکه پیشرو او
 شده افریست و بعضی هم کافی است در تشبیه بر همه چند مشبیه باعتبار اینکه
 افری باشد بجهت توجه کرده اند نیز با صلوات بر ائمه است
 برابر ابراهیم و آل او علیه السلام افری باشد از صلوات بر ایشان
 توجه اول نیست قول حضرت **صَلِّ عَلَى اللَّهِ وَآلِهِ**

کتاب نیت و ادم بین الماء والطین

یعنی پیش از نیت و صلوات بر ائمه صلوات بر ابراهیم علیه السلام مقدم باشد بر صلوات بر صلوات بر ابراهیم علیه السلام
 و توجه در ترازین ضعیف شمرده اند که با اعتبار آنکه خلاف مناد و غیره است
 چنانچه سوال کردند از کیفیت صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل و اهل
 بطن تشبیه صلوات بر آل آنها است خلاف ظاهر است که با این توضیحات دیگر
 کرده اند که بعضی از اخبار ذکر کرده ایم در همین کتاب است کتاب حبل المنین

فصل

پس هرگاه فایز شد شب از اذان پس فاصله کن میان اذان و اقامه یعنی با نشستن
 و نیت و صلوات بر ائمه باشد یا نشستن یا نیت یا صلوات یا نیت یا صلوات یا نیت
اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي نَارًا وَ عَيْشِي ظِلًّا وَ رِزْقِي قَارًا وَ جَعَلْ لِي عَيْدًا قَبِيرًا
 خواجه اکبر در دل را شکر کند آرزو کند بر مقرر کردن نده و در ذکر افری و ذکر افری
رَسُوْلَاتٍ مُّسْتَقِيمًا وَ قُرْآنًا نَزْلًا مِّن سَمَوَاتٍ مُّجْتَمِعًا وَ لَقَدْ رَفَعْنَا
رُسُلَنَا فِي سَبَاطِ الْمَقَاتِلِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْقُرْآنَ فَاسْمِعْ

بعد از آن میزانی هر دعا را که میخواهی بگوئی سوال میکنی حاجت خود را بگوئی
 کرده و این شده آنکه از پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل و اهل بیت و اقامه و ذکر
 نمیشود و بعد از آن بر میزانی حاجت اقامه بر ائمه صلوات بر من خلفت فاعده



در بیان اذان و اقامه

إلا لا اله الا الله

تدر و آخر اقامت بیکبار گفت میشود و زیاده میشود بعد از نیت و صلوات بر ائمه
 بعد اقامت الصلوة دو مرتبه و بجا آوردی روان جمع اذان اذان
 سکر لمان و گذاشتن آنگشتان و ذکر شهادت و بلند کردن او از هر یک باید در کفا
 هفت و نیت است و ناکند طهارت و داشتن و بر استادن در حال اقامه پیشتر
 از حال اذان یعنی اینکه واجب دانسته است آنها را سپید یعنی پیشتر از
 روجه و صیقل هرگاه فایز شوی از اقامه و حال است که در قبیل باشد
اللَّهُمَّ اَلَيْبِكَ كَرِهْتُكَ وَ مَرَضَيْتُكَ طَلَبْتُكَ وَ تَوَلَّيْتُكَ اَبْتَعْتُكَ وَ بَدَيْتُكَ
 خواجه اکبر در نیت و خوشتر از هر کس که در نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت
وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ
 در نیت و نیت
نَسْتَعِيْنُكَ عَلَيَّ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ
 نیت و نیت

وَجَدَدُكَ اَنْتَ اَللَّهُمَّ اَلَيْبِكَ كَرِهْتُكَ وَ مَرَضَيْتُكَ طَلَبْتُكَ وَ تَوَلَّيْتُكَ اَبْتَعْتُكَ وَ بَدَيْتُكَ

و باید که با حسنی و نماز با وقار و خشوع و بیکاری و دستهای خود را بر روی
 راضی مقابل قافله و بکنای میان قدمهای خود را بعد از نیت اقامت
 از یکدیگر بکشد و نگاه کنی موضع سجود خود و بلند کنی نگاه کردن خود را بطرف
 آسمان و در او بی غلطی خود که این نماز کنی است که در دعای میکندان نماز
 بعد از آن قصد کن ادای نماز صبر و اجتهاد و نماز بر روی امر خداست

در بیان نیت و اذان

بسی از هفت تکبیر که در اول نماز گفته میشود و بلند میکنی در هر یک از
 تکبیر چهار تکبیر خود را بگوئی که در کتب و کتب اطراف نماز است و انگشتان



ما از این کتاب
در بیان احوال و عبادت

بیکدیگر چسبیده باشند و غیر شکستهها که آنها باید کشاده باشند و نمیکند
کف دستها را از برابر گوشهای خود و بلند نمیکند و بیکدیگر نزول ندارند و کتف بر او نشیند
و تمام میکنند از این جهت دو مقام شدند آن بود که بعضی از علمای متاخرین
اخطاب نموده اند و در باب نیت و در ذکر کرده اند عثمان کلام را در آن و در آنجا

آیت علیهم السلام

پنجم چیزی از آن بلکه مستفاد از منبع و آنچه وارد شده است از ایشان
علیهم السلام در باب وضو و نماز و باقی عبادات که ظاهرا در آنها و بشبهان خود
این است که امر بیک سهل است و باینکه از غنی است از زبان بیخود فرادرسند
در ظاهر جمع عقلا و عوف صادر شدن عقلاهای اختیار می از ایشان و در امری
این است که خداوند خدای ماز و رضوان الله علیه است و ستمتر من جفا از آن شد
و خوش بخوره اند و در آن که بعضی از متاخرین و در آنجا کلام را در آن بزرگ
موم اینست که هر کس است نیت از اجزای او بشمار و این باعث دشواری آن شده
بر بسیاری از مردم و کشانده است ایشان را بسواس و نیست نیت در صفت
مکرمه بسطی و بواقع ساختن فعل معتبره از برای علت غائی آن و نیت ترکیب

در فعل منوی

و این قصد نزد نیت که بعد شود از آن عاقل نزد هر فعل که در آنجا آورد و حق
اینکه گفته اند بعضی از علمای ما که اگر تکلیف میگوید خدا و افعال و بواقع ساختن
فعلی معتبره و نیت هر آینه تکلیف کرده بود و بعضی دیگر طائفه آن نبود و خواص
کردن فعل منوی و در ذهن بعنوانیک نیز هدایت از غیر آن و مقصد بجای آورد
ان صحت و زمان بر امری از خدا بفعال در نهایت سهولت و آسانی (و مثلاً)

در بیان احوال

کفها مکلف هستیم با ما می دانیم و در اینوقت تصور کرده ایم از این وجه و در عین وقت
که نماز میشود بان از جمیع ما عدای خود از عبادات و غیر عبادات و مقصد کردن

در بیان احوال و عبادت

واقع ساختن آن صحت و فواید و امری از خدا بفعال و نیست دشواری
در آن است که چنانکه حکم میکند بان و جبران خود و هر که این را دشوار باشد
سوال میکند از خدا بفعال که با صلاح آورد و جبران او را بدو سپرد
بر هر چیز در عبادت توانست بخیر آن همان آن هفت تکبیر و این سه دعا را که
که در او است کرده است و حقیقته الاسلام بدو کافی است و در
انحضرت صادق علیه السلام میفرماید بعد از تکبیر سوره

اللهم صل علی محمد و آل محمد

انت الملیک الحق المبین لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت
لوجه بارت عی و انکار و نیت خدا که کون و نیت می کند نور را بر سر
مغنی فاعلم فی نبی لا یعرف الذنوب الا انت
نفس خود را بر سر از بر این که راه را در سبک می کشد که نماز را

و بعد از تکبیر

لبیک وسعدیک و الحیر فی بدیک و الشکر لیس لبیک و الحمد
ایستاد هم امر را بر تو سپارده که در هر روز و در هر وقت و در هر جا
من هدیت لامی امنک الا لبیک سبحانک و حسانک تبارک
که در این که هدایت کرد و در او است نیت هر روز و در هر وقت و در هر جا

و فعانتک سبحانک و رب العالمین
و عظیم است نیت می کند نور را بر سر و در هر وقت و در هر جا

و بعد از تکبیر

و بحمد و بحمدی للذی فطر السموات و الارض عالم الغیب و
کرد اندهم در خود را بر سر که خلق کرده است از زمین را و در آنست نهادن و
و در هر وقت و در هر جا



حَنِيفًا مَسِيحًا وَمَا نَأْمِنُ الشِّرْكَينَ اِنَّ صَلَوةً وَنَسِيًا وَحَجَّايًا وَمَعَالِي
 در صانع عالم گشته ام از باطن و ظاهر و جسم من از ترک او زنده گشته ام و عبادت من و زینت من از
 لَقَدِيتُ الْعَالَمِينَ لِاشْرَافِكَ لَهْ وَيَدَا لَيْلَتِ الْاَمْرِتُ وَاَنَا مِنَ الْمَسِيحِينَ
 از امر خداست که بر دو کار عالمیان را شرف است یکی از امر او و دیگری که در آن عالم و در آن زمان
 و در دو وقت یکی با شیخ و در وقت دیگر
 وَحَجَّتُ وَحَجَّيْتُ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ عَلَيَّ اَبْرَاهِيمَ وَدِينِ
 کرد و ایام در خور ای شکر افروز ایمان و دین من در صانع عالم بر ابراهیم و دین
 مُحَمَّدٍ وَمِنْهَا جَعَلَنِي حَنِيفًا مَسِيحًا
 محمد و با او روزی بر طرف عالم
 اِنْ اَخِيَةَ اِضَافَةَ طَلَبِ الصَّبْرِ
 و اَلشَّهَادَةِ
 و اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه در چهار است مقدارن داشتن نیت با هر یک از آن
 هفت تکبیر و چهار نیت در آن و هر یک یکبار نیت بخارن دارن نیت و ایان کردن
 از آن تکبیر و الاحرام و همچنین که در پنج داده شیخ طائفه و نیز از الله عز و جل و در مضایح
 گردانیدن تکبیر آخر و تکبیر و الاحرام و نیز ظاهر بیشتر از حدت صحیح داده
 در افضل پیغمبر صلی الله علیه و آله نماد ایاب تکبیر و متابعت کردن امام حسین
 علیه السلام و حاضر نیت که تکبیر اول و تکبیر الاحرام کرده اند بودند
 چنانچه ذکر کرده ایم که مفاصله اشعی عشره و سبط داده ایم کلام را در جعل النیت و بعد از
 استغاثه میگوید بعد از فراخ از دعای سوره بقره میگوید
 عُوذُ بِاللّٰهِ الْمَتَّبِعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 پناه میبرم خدا را شنوار و آگاه از شیطان زنده کننده
 و استعاذه نیز در آن مخصوص بر کف اول و کف اول و کف اول
 میگوید از بعد از آن چنانچه در سوره حمد در بیان آنست و بعد از



مخزان ازار غلبت کننده و فضیلهای ترا در جای آن و حاضر کننده قلب خود را
 فخر کننده در معافی آن و سناک میشود بعد از آن بعد از وضو بعد از
 بخوان سوره بجهان بخوان با بد که بوده باشد سوره نسا یا عاشیه
 یا فبانه یا دهر یا الفجر مانند اینها باشد و در طول چنانچه روایت کرده
 از شیخ طائفه در هدیه بسند صحیح از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
 و سناک میشود بعد از آن چنانچه سناک شدی قبل از آن بعد از آن بر بعد از
 در گنهای خود را چنانچه برایشی در آن هفت تکبیر و مسکوفی
 اَللّٰهُمَّ اَكْبِرْ
 بعد از آن بر کعبه بر بنویسند بگذاردی و دست راست را بر زانو راست
 پیش از دست چپ بر زانو چپ بر کن گفتار اینها و نوحای خود و لغه
 سازی اینها را بر این گشتان خود و بر روی اینها را بر طرف پشت و در هر کس
 پشت خود و پیش روی خود و بر دم گذاری چشمهای خود را با نگاه کنی
 میان قدمهای خود و بعد از آن مسکوفی چنانچه روایت کرده است ثقت الاسلام
 در ذکر کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام و آن اینست
 اَللّٰهُمَّ اَكْبِرْ
 و گفت و آنکه ای ساری
 وَكَعْبُكَ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اَمِنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَانْتَ
 در کعبه کرده ام و بر تو را شکر میگویم و بر تو ایمان آورده ام و بر تو توکل کرده ام و تو
 در حق خضع کن ستمگر و دشمنی و کینه و کینه و کینه و کینه
 بر در گامین خود کرده ام بر تو توکل کرده ام و بر تو توکل کرده ام و تو
 وَفِي حُجِّي وَعَصَبِي وَعِظَامِي وَمَا اَفَلْتُ فِدَايَ عَيْرِ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا
 و مؤمن و مؤمن و آنچه برداشت قدمها را بر عذر نده و از نده
 اَللّٰهُمَّ اَكْبِرْ
 و مؤمن و مؤمن و آنچه برداشت قدمها را بر عذر نده و از نده



در بیان احوال و عادات مسلمانان
 در بیان احوال و عادات مسلمانان
 در بیان احوال و عادات مسلمانان



در بیان اوقات سجده و رکوع

و لا تسبحون
 و تسبحون و تسبحون
 بعد از آن که رکعت تمام شد
 سبحان ربك العظيم و بعد
 سبحان ربك العظيم و بعد
 سبحان ربك العظيم و بعد

و باید که این هفت مرتبه گفته شود یا پنج مرتبه که با سه مرتبه بعد از آن در
 میشود و سجده و تسبیح الله لمن محمد که بعد از آن تکبیر میگوید و بعد
 سجده و با خضوع و خشوع و سجده و رکوع و تسبیح که بعد از آن تسبیح از زانوها و چنان
 میگویی که دستها در وقت سجده و زمین را باهاش بکشد از برای تو و هر چه میگویی
 گفتار او در خالیکه انگشتان مضمی باشد و در برابر دو شهادت خود را بخورد و گفتار
 هیچ عضوی از بدن خود را نخورد و در عضوی دیگر هم سجده ای پیشانی خود را زمین
 و فضل آن است ان تربیت حکمتیه باشد که صاحبها افضل السلمات
 و سجده ای بجز خود را هم نمیکونی صاحب سبعه و چنانکه بمالی از او نگاه میکنی
 در وقت سجده بر بینی بعد از آن میگوید الحمد لله رب العالمین و بعد کافی

استغفر الله ربنا و انزلنا من السماء ماء فاصبر لوجه ربنا و انزلنا من السماء ماء فاصبر لوجه ربنا
 اللهم لك يسجدون و لك اسلمت و عليك توكلت و
 خداوند از برای تو سجده کرده که بنام او نور او را اعطای کردم و بر تو توکل کردم و
 است و رفت سجده و سجده و خفایه و شنید و بصره و الکرمه و است
 تو در روزگار میخوردی که در عالم از برای کسی از برای است از او نشاء است گوشه چشم از او است

العالمين نبارك
 عالمین است از برای تو مبارک است و بعد از آن تسبیح که بعد از آن تسبیح
 سبحان ربك الاعلى و بعد تسبیح میگوید در روزگار خود که بگفتند تسبیح است
 سجده



در بیان اوقات سجده و رکوع

و باید که خورده باشد چنانچه در رکوع مذکور شد و بعد از آن تسبیح از اوقات سجده و
 تکبیر میگوید و بنشیند و تسبیح که بعد از آن تسبیح میگوید و بعد
 استغفر الله ربنا و انزلنا من السماء ماء فاصبر لوجه ربنا و انزلنا من السماء ماء فاصبر لوجه ربنا
 طلب که سر میزند از خدا بر در روزگار تو و تو میگوید
 بعد از آن تسبیح و است کرده است تسبیح از اسلام بقمان تسبیح سابق از انقضای
اللهم اغفر لي ذنوبي واجبرني و اذقني اثم ما انزلت الي
 خداوند ما را از هر چه گنجه کن مرا و صلح کن شکستار او در حق من در سجده من از او بجز
 من حق و بعد نبارك اللهم رب العالمين
 از هر گناهی که بگذرد بر من و بعد از آن تسبیح که بعد از آن تسبیح

و بعد از آن تکبیر میگوید و مبروی سجده دوم مثل سجده اول پس بر زمین اوست
 سر خود را و بنشیند بی عنوان تو را بلفظ تسبیح که در این راجع است اسماحت میگردد
 و اولمکذا و افوا پس بنشیند که واجب است تسبیح در حق رحمت الله
 و دعوی جامع بر این کرده بعد از آن بر زمین بخوابد بر پارهی زانوها را پیش از دستها
 و اعناد کن در وقت برخواستن بدستها بر روی گوی
بحول الله تعالى و قوتهم اقوم و اقعده و اذكع و اسجد
 بحول خدا ایستاد و قوت او بر زمین و بر کوع مبروم و بر کوع مبروم
 پیرمگاه راست ایستادی و بجز آن شو و و همی چنانچه گذاشت و گفت اول
 و باید که بوده باشد سوره فالحو الله احد بعد از آن ساکت مینشوی بقدر
 پس تکبیر میگوید از برای قنوت و قنوت میگوید کتاب فرج از جانب است
 بلند کرده باشی دستها را در برابر روی خود و بگردانی کف دستها را
 طرف آسمان و هم کناری انگشتها را اعتبار از دستها پس میگوید
لا اله الا الله العظيم سبحان الله
 حرف خدا که خدا بر روی آورده است خدا را که خدا را بلند بر سر کرد باک بر خدا



رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ
رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ
وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْمَلَكُوتِ الْعَلِيِّ
وَرَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ
ابن است كل ما تفرج بران میگوید و جانب کرده است پس حسن از حضرت با فرموده
و در بعضی کتابها و ما الخلقین بعد از او و ما بقیه من بعد از او
و در بعضی ما و فن بعد از و ما الخلقین و هو ربه العزیز العظیم و منافعه آم
من این زیادتها را بگوید و آنچه عظیم شد بران از کتابهای معتبره احادیث و معتبره
کلمات و غیره
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَكفِّرْ عَنَّا فِي الدُّنْيَا
خداوند ما را از ما غفر کن ما را و عافیه ما را و عفو کن ما را و در دنیا
و الآخره انک علی کل شیء قدير
و افرط هم از همه چیز توانا
اللَّهُمَّ اِنصُرْنَا فِي حَرْبِنَا وَخَشَوْنَا فِي سَلَامِنَا
اللَّهُمَّ اِنصُرْنَا فِي حَرْبِنَا وَخَشَوْنَا فِي سَلَامِنَا
خداوند ما را در حربه ما را و ترس ما را در امان ما را
وَفَعَلْتَ الْاَيْدِيَ وَمَدَدْتَ الْاِغْتَايَ وَأَنْتَ وَجِيْبُ الْاَلْسِنِ
بلند کرده دستانها و مدد گشته دستانها و تو خواننده شده زبانها
وَاللَّيْلِ سُرْعَ وَخَيْرُهُمْ فِي الْأَعْمَالِ وَخَيْرُ تِبْنِنَا أَفْرِبْتِنَا وَبَيْنَ فِيمَنَّا
در لیل و سرفه میان آنرا در زمانه در کاره خداوند حکیم کن میان ما و میان آنرا
بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاطِحِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ كَوَّلْتَهُ الْبَلْخَ
حق و تو بهترین هم کننده گانه خداوند ما را در همه کاره ما و ما را در همه کاره ما
فَقُلْ نَسِبْتَهُ

در بیان این سوره



در بیان این سوره

وَعَبْدًا أَمِينًا وَفَلْزَعْدٍ دَنَا وَكَثْرَةَ عَدُوْنَا وَظَاهَرِ الْأَعْدَاءِ
و عیب امام ما و کرم عدو ما و بسیار دشمنان ما و ظاهر شدن
عِلْمِنَا وَوَفْرِقَ الْفِتْنِ بِنَا فَتَسْبِيحُ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَ لُطْفِهِ
بر ما و بریدن فتنها ما بر سر ما و کثرت از دشمنان ما بعد از لطافت
و اِيْمَامِ حَقِّ تَعْرِفَةُ الْاَلْحَنِ وَالْحَقِّ الْمُبِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
و امام حق گشته ایم ادرا از دشمنان ما و حق مسلمانی ما و بارگاه پروردگار عالمی
اللَّهُمَّ مِنْ أَصْحَابِ وَلَا تَقْنَا أَوْ تَجَاءَ عِدْرَكَ فَأَنْتَ تَعْلَمُ وَرَجَائِي
خداوند ما را هر چه بگویم و بخواه باش و ادرا اعتماد را امید عزیز تو بر تو چهارم و امید
بِالْجُودِ مِنْ نَشْرِقِي الْأَرْضِ مِنْ اسْتَرْحِمِ ارْحَمِ ضَعْفِي وَتَسْكِنِي وَتَغْنِي
از خشنودی از کسک تو که شد از رحمت تو که طلب کند که تو ضعیف و در دوزخ
حَيْلِي مِنْ أَمْنٍ عَلَى الْجَنَّةِ وَفَكَرْتِي مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي فِي قَبْرِ
بها را و امن کن در آید بر من بر آید بر من کرم مرا از آید بر من و عاف کن مرا در قبر
و فِي جَمِيعِ أُمُورِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
در همه کارها را بر من بر رحمت خود کن که مرا در همه امور کن که مرا
وَمَا كُنْ جَوَاهِدِي
طول عدل منور را بر من اضافه کند ما را هر چه در خواهی از فتوحهای دیگر که
ممكن انما اذاب ششر انشاء الله بعد از ان بلدت ميکن و سه تا را بکبير
و در کوع کن و تسمی کن موعده چنانچه گذشت بعد از ان نشین از آنجا
شهر تو را کنند و نگاه کنند بکنا خود و مسکن کن
بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا اللَّهُ اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ
نام خدا را و بگو خدا را و بهترین نامها را و هر چه از رحمت تو نامها را
اللَّهُمَّ اِنصُرْنَا فِي حَرْبِنَا وَخَشَوْنَا فِي سَلَامِنَا



در بیان اشک و اشک

وَحَدَّثَنَا لِأَشْرِكَ لَكَ وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَسَلَّمَ بِالْحَيَاةِ
قَهْرَاتٍ مِنْ بَيْنِ أُمَّةٍ وَتُحْيِيكَ دِينِ أَوْ مَوْلَاكَ وَتُخْبِرُهُ دِينِ أَوْ مَوْلَاكَ وَتُخْبِرُهُ دِينِ أَوْ مَوْلَاكَ
بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْكَ فِي الشَّاعِرِ وَأَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نِعَمُ الرَّبِّ الْكَرِيمِ
أَنْ تَرْبُحَ وَتُخْسِرَ وَتُضِلَّ وَتُهْزِلَ وَتُرْسِخَ وَتُجَرِّدَ وَتُخَمِّدَ وَتُزِيلَ وَتُخْلِقَ وَتُجَدِّدَ وَتُحْيِيَ
مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُولِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ تَسْلِيمَهُ
وَبَدِّئْ بِكُمُ الْخَيْرَ فِي سَائِرِ الْأُمَّةِ وَأَصْلِحْ أَعْيُنَ النَّاسِ وَبَارِكْ فِيهِمْ وَجَمِّلْ فِيهِمْ
در بیان اشک او و بلندی
بعد از آن حمد میکنی خدا را و در ثوابهاست در ثوابهاست و واجبات این شهادتین
شهادتهاست و در صلوات بر سقیة النبی و صلوات الله علیهم بعد از آن سلام بدار
و پذیرفته شده بان بیرون آمدن آن از آن در آن است
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
سلام بر شما باد و رحمت خدا و برکت او
و قصد میکنی از آن نبیاء و حظها را و اشاره میکنی بجهنمها بطرف و استعجاب
جمع آنچه ذکر کرده شده در این فصل است مگر آنچه را بجا آورده شده بفعل امر پس از آن
فصل
هرگاه فایز شدی از نماز بر شریعت کن در تعظیم بر نفسی که وارد شده در
نفسی بر خدا بنفالی یا قَدْ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِأُمَّةٍ كَمَا رَأَيْتُهَا
که هرگاه فایز شوی از نماز واجب بر نفسی بر خود کرد خود در دو عالم
و عنایت کن بسوی او و در سوال که عظامت کند بود و در واجب کرد عظامت شایع
طافند تعذیب پسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که تعظیم متابعین
کنند و از آنست که عوالم و ذمه های آنان بجز خودشان است و در تعظیم متابعین
در عظم نماز بود و او اسکره است بنده تعذیب پسند صحیح از احادیث علیها السلام



در بیان اشک و اشک

که در عبادت و عیب نماز و اجب افضل است از عبادت و عیب نماز است مثل فضیلت
نماز واجب بر کسند و در واجب کرده است تقضا اسلام و کافی است حدیث آن
حضرت نافر علیه السلام که در عبادان نماز واجب افضل است از نماز سنت
در واجب بدان باب از ائمه علیهم السلام بسیار است و افضل تعقیبات شایع
حضرت فاطمه زهرا است علیه السلام و در واجب کرده است شیخ طائفة در تعذیب
پسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که هر که شایع کند شایع فاطمه زهرا
علیه السلام پیش از آنکه بگوید داند یاهای خود را از نماز واجب نماز شده پیشتر بود
و اینها پیشتر بود بکبر و در واجب کرده است نیز آن حضرت علیه السلام که
فرمودند که ما امر میکنیم اطفال خود را شایع فاطمه زهرا که چنانچه امر میکنیم
ایشان را اجازت بدهیم از امرد بسوی شما ملازم نشد از آنست که مدعیان شود
و از حضرت علی علیه السلام فرمودند که شایع فاطمه زهرا علیه السلام در روز عقیقه نماز
دو سوره است نزد من از هر دو کتب نماز در حدیث و از حضرت باقر علیه السلام فرمود
که هر بود که نیست بنده کعبه کند خدا را و این بی از مجدداً افضل از شایع فاطمه زهرا
علیه السلام و هر که میگردد افضل از آن هر چند عظمی و در آنست که عظمی و اولاد
بفاطمه علیها السلام و در واجب در فضیلت شایع فاطمه زهرا علیها السلام بنما آوردی
ابد و یا بد که بود ما شد نشستن بود و تعظیم مستقل بنشستن نزد شهادت
و بر همان همتا در بدینگونه کردن در آنست که کلام و المناق و ما اند
از آنست که نفسی که در واجب شده است که آنچه خرد و میرساند نماز ضرر میرساند
تعظیم پس هرگاه سلام دادی پس بکبر بگوسته بکبر و بلند کن و در هر یک
در ستها را تا بر روی خود بنمایند که پیش آنها ایستادی و خود بنما شد
و گفتا فاطمه طرف بدین و آن بکبرها اول تعظیم است و بعد از آن میگوئی
لا اله الا الله
لا اله الا الله که خداست



اَلْهٰوْ اَحَدًا وَّمَنْ لَمْ يَسْلُمْنَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْهٰوْ اَحَدًا وَّمَنْ لَمْ
 خدایک است یکی است و باز سر او و لایم کند کاین بسند خدا که خدا است یکی است او را از سر او
 مَخْلُصُونَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ لَا تَسْبُحُ الْاِلٰهَ اِلَّا بِمَا يَخْتَصِبُنْ لَهُ الدِّينُ
 خالصند که نام نیست خدا که خدا میکنند که او را در خدا که خدا کند که او را در
 وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَتَبٰرَكَ الَّذِي اَوَّلٰىنَ
 در خدا که خورشید در دنیا که آن است خدا که او را در خدا که او را در خدا که او را در
 لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَهَدٰى وَحَدٰى اَجْرًا وَعَدٰى وَوَصَّرَ عَبْدًا وَاَعْتَدَ
 بر خدا که خدا که او را در
 وَهَمَّ الْاَشْرَابَ وَحَدٰى فَلَمَّا لَمَسَتْ لَدُنَّ الْجَحِيْمَ وَمِمَّا وُجِئَتْ
 و در راه است که او را در خدا که او را در خدا که او را در خدا که او را در
 وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدَيْ الْخَبَرِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اَسْتَعِيْنُ اللهُ
 او زنده است که او را در خدا که او را در خدا که او را در خدا که او را در
 الَّذِي لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ وَالْجَلَالُ الْاَكْرَامُ وَاَتُوْبُ اِلَيْكَ اللهُ
 آنکه خدا که او را در
 اِهْدِنِيْ مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَاَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ حِمْلِكَ
 هدایت کن مرا از نزد خود و بریز بر من از فضل خود و شتر بره بر من از سخت خود
 وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحٰنَكَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِخْفِ بِيْ دُفُوْبِيْ
 و فرود آور بر من از برکات خود منزه بر من است خدا که او را در خدا که او را در
 كَلِمًا جَمِيْعًا فَانَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ كَلِمًا جَمِيْعًا اِلَّا اَنْتَ اللهُ اَنْتَ
 همه را با کلمه که او را در خدا که او را در خدا که او را در خدا که او را در
 اَسْتَلْتُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحْلَيْتَ عَلَيَّكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحْلَيْتَ
 سوال میکنم از هر چه خیر کردی بر من و پناه میبرم از هر چه شر کردی بر من
 اَسْتَعِيْنُكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَلْتُكَ عَاقِبَتِكَ فِيْ اُمُوْرِيْ كُلِّهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ
 خدایم و خدا را بر سر من سوال میکنم عاقبت خود در امرهای من تمام آنها را و پناه میبرم
 الدُّنْيَا وِعَدَابِ الْاٰخِرَةِ وَاَعُوْذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ وَسُلْطٰتِكَ الْبَدِيَّةِ
 دنیا و عذاب آخرت و پناه میبرم از عاقبت کرم تو و پادشاهی بر حق تو
 وَعِزَّتِكَ الَّتِيْ لَا تُرَامُ وَقَدْ رَكَتُ النَّبِيَّ لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ بِيْرَتِ
 عزت تو ایستاده بر سر من که در راه تو فرو رفته است و قدرت تو ایستاده بر سر من که در راه تو
 الدُّنْيَا وَاٰخِرَتِهَا وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا وَاَلْحَوْلِ وَاَلْقُوَّةِ اِلَّا
 دنیا و آخرت و از شر همه درد من و تمام آزار تو و قدرت خود و قوت خود که
 بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الرَّحْمٰنِ الَّذِيْ لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِيْ
 بخدا را بلندتر از همه بزرگوارتر از همه بزرگوارتر از همه بزرگوارتر از همه بزرگوارتر از همه
 لَمْ يَخْلُقْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمَلِكِ وَّلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
 که او را در خدا که او را در
 اَوَّلِيًّا وَاَكْبَرًا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا
 اولی و بزرگوارتر از همه و پناه میبرم از شر همه درد من و تمام آزار تو و قدرت خود و قوت خود که
 عِبَادًا نَسْبُحُ بِكَ نَسْبًا حَقًّا وَنَسْبًا حَقًّا وَنَسْبًا حَقًّا
 بندگان تو را تسبیح میکنم تسبیحی که حق است و تسبیحی که حق است و تسبیحی که حق است
 لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحَدٰى لَآ اِسْمَ يَكُنْ لَهُ الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ حَيْثُ
 نیست خدا که او را در
 وَمِمَّا وُجِئَتْ وِجْهِيْ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدَيْ الْخَبَرِ وَهُوَ
 و همه را با کلمه که او را در خدا که او را در خدا که او را در خدا که او را در
 اَسْتَعِيْنُكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بیت

سبحان الله العظيم ومجده ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

استغفر الله ربّي

وأتوب اليه

وأسئلكم من النار وأسئلكم الجنة

اللهم صل على محمد وآل محمد

وعلّمنا دينك وحسنه

وعلّمنا ما نحتاج اليه

ولا تجعلنا من الخاسرين

اللهم صل على محمد وآل محمد

وعلّمنا دينك وحسنه

وعلّمنا ما نحتاج اليه



وسلطان است که مقرر شده شود این دو کلمه و در کتب اربعه از زینت امام حسن

علیه السلام پس بجهت کتب و کتابت کرده است شیخ طائفة و در حدیث بسند صحیح از حضرت

صاحب الامر علیه السلام که سجد افضل چیز است که تسبیح کرده شود بان و بدین تسبیح

تسبیح کننده و غیر آن تسبیح کند تسبیح و تسبیح کند تسبیح و تسبیح کند تسبیح

از راه او که ان تسبیح بعد از آن تسبیح کنی و این نیز مخصوص بتسبیح است تسبیح

یا مقلب القلوب و الابصار صل على محمد وآل محمد و بیئت قلبی علی

الرضی فرمایند و لها و در حدیث تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح

و بدین تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح

و بدین تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح تسبیح

و صبیبی من لکن رحمة انک انت الوهاب اللهم انی اعوذ بک

و من ذوالعجزتک و تحویل غایبتک و من تجاویق نجاتک و من ذوالثقفا

و من شر ما سبق فی الکتاب اللهم انی اسئلت بعتی و ملکات

و اعظم سلطانک و شدّة قوتک علی جمیع خلیفک ان تصل علی

محمد و آل محمد و ان تفعل فی کذا و کذا



وَرَدَقِي وَجَمِيعٍ مِّنْ بَعِيْبِيْ امْرُؤَهُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْوَحِيْدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
وَرُوْزْ كَرْدِيْ هَت دَر اهر و درگاه من هم نهی را هم نگاه دارم در باره تو ای که زنیان را میزنی اولاد و در ده
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا اَحَدٌ وَيَتِيْبُ الْفٰلِقِ مِّنْ بَشَرٍ مَّا خَلَقَ وَمِمَّنْ سَبَّ
دو لکر در ده و نه است او را هم نگاه کن در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه
غَامِسًا اِذَا وَقَبَّ وَمِمَّنْ شَرَّ النَّفٰثٰتِ وَالْعَقِيْدِ مِمَّنْ خَاسِدًا اِذَا حَسَدَ
شبه سار را بر کینه هر که در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است در ده و درگاه من هر که حسد برود
وَيَتِيْبُ النَّاسِ مِلٰتِ النَّاسِ اِلَيْهِ النَّاسُ مِنْ بَشَرٍ اَوْ سُوَابِ النَّاسِ الَّذِي
و پناه هم برود و درگاه را در میان باشد از میان معبودان در ده و درگاه من هر که مشبه باشد با احدی
اَوْ سُوَابِ النَّاسِ مِلٰتِ النَّاسِ اِلَيْهِ النَّاسُ مِنْ بَشَرٍ اَوْ سُوَابِ النَّاسِ الَّذِي
و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من

اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ لَّهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ
خدا ای که نیست خدا که بود از هر چه زنده بود بر است قرا نیکو در او هر چه است و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من
وَمَا فِى الْاَرْضِ مِمَّنْ ذٰلَّذِيْ يَشْفَعُ عِنْدَهٗ اِلَّا بِاِذْنِهٖ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ
و آنچه در زمین است که بر است و در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من
وَمَا خَلَقَهُمْ وَّلَا يَحِطُّوْنَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِ الْاِلٰهِ اَشَاءَ وَّيَسِّرُ كُرْسِيَّهٗ
و آنچه بر است سر بر است و احاطه نیکند آنها نیز از علم او هر که خواهد و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَّلَا يَؤُدُّهٗ حِفْظُهُمْ وَّهٗوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
از او نهی و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من
فِي الْبَلَدِ فَاذْ تَبٰتِنَ الرَّثِيْدِيْنَ الْعٰقِبِيْنَ يَكْفُرُ بِالطَّٰغُوْتِ وَتُوْبُوْنَ
در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من
بِاللّٰهِ حَتّٰى اَسْمَعَتْ بِالْعَرْوَةِ الْوُفْقٰى لَا اَنْفُسًا لَهَا وَّاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ
بهر مشبه بر درگاه تو فرود است از هر چه از او نهی و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من



اللّٰهُ وَلِىُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا
خدا است ای که بر است ایمان او را هر چه بیرون مراد است از هر چه در تاریکی بود روشن است و آنچه که
اَوْ لِبٰئِئُمْ اَلطَّٰغُوْتُ يَخْرِجُهُمْ مِّنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمٰتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ
حرفان ایشان هر چه طین است بیرون مراد است از هر چه در تاریکی بود روشن است و آنچه که
النَّارِ وَّمِمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ يَدْعُوْا بِالرَّبِّ غِيْبًا
از هر چه در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من
شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَّلِلّٰهِ كُنُوْا وَاُولٰٓئِكَ اَلْعُلَمٰى اَلْمُبٰتِلِ
که هر که در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ
بست خدا که بود در ده و درگاه من
وَابْتِغٰى مِلٰتِ
بست خدا که بود در ده و درگاه من

قُلِ اللّٰهُمَّ مَا لَكَ الْمَلِكُ تَوْفِي الْمَلِكِ مِنْ تَشَاؤُكَ وَتَنْزِيْعُ الْمَلِكِ مِنْ تَشَا
بگو ای که خداوند ما را از صاحب ملک است چه میسر شد از هر چه از او نهی و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من
وَيُضَوِّقُ مِنْ تَشَاؤُكَ وَتَنْزِيْعُكَ مِنْ تَشَاؤُكَ بِسَيِّدِكَ لِكُلِّ اُمَّةٍ مِّنْ شَيْءٍ قَدِيْدٍ
و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من
تَوْفِيْعُ الْكَلْبِ فِي النَّهَارِ وَتَوْفِيْعُ النَّهَارِ فِي الْبَلْبِ وَتَخْرِجُ الْوَحْيَ مِنَ الْمَلِكِ
و آنچه در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من
وَيَخْرِجُ الْوَحْيَ مِنَ الْمَلِكِ مِنَ الْوَحْيِ وَتَنْزِيْعُكَ مِنْ تَشَاؤُكَ بِعَبْرِ حَسَابٍ
و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من از درگاه تو فرود است و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من

اِنَّ رَبَّكَ اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ فِى سِتَّةِ اَيَّامٍ
بهر مشبه بر درگاه تو فرود است از هر چه از او نهی و در ده و درگاه من هر که در ده و درگاه من



در بیان تعقیب صحیح

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ بِغِيثِ الْمُبَلِّغِ النَّهَارِ بَطْلَانِ حَبِيبًا وَالْقَمَرِ
بِرَسُولِهِ شَدِيدِ الرَّسْمِ فِيهِ مَبْرُورٌ نَدِيمٌ لِمَنْ يَكْفُرُ بِرَبِّهِ
وَالْقَمَرِ وَالْحُجُومِ مُسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ آيَاتُ الْخَلْقِ وَالْأَمْرِ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
وَالدَّجَانِ وَالْمَسَارِكِ وَالْأَرَامِ بِهِنَّ بَعْرَانِ أَوْ كَالْمَسْجِدِ الْأَنْبِيَاءِ فِيهِ مَبْرُورٌ
الْعَالَمِينَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ نَضِرْكُمْ وَخَشْيَةَ اللَّهِ لِأَنَّهَا تُحْيِي الْقُلُوبَ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ إِنَّ رَبَّكُمْ لَعَلِيمٌ وَأَلْفَ مَوْجٍ مَسْنُونَةٍ وَجَهَانَ بِرَسُولِهِ شَدِيدِ الرَّسْمِ
نَضِرْكُمْ وَفِي الْأَرْضِ بَعْدَ ذَلِكَ جَنَّةٌ مَأْوَىٰ لِلَّذِينَ اسْلَمُوا فِيهَا لَمْ يُكَلِّمُوا
فِيهَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا يَسْمَعُونَ فِيهَا مِنْ أَلْقَامٍ وَلَا يَسْمَعُونَ فِيهَا مِنْ سَبِّ
وَالْقَمَرِ وَالْحُجُومِ مُسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ آيَاتُ الْخَلْقِ وَالْأَمْرِ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

و در بیان آخر صافات

فَلَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِثْقَالَ رَيْبٍ لَبِعَدَّ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَعْدَ
بِحُجْرَةٍ أَوْ بَعْدَ أَهْلِهَا أُولَئِكَ يَرْجُونَ عَذَابَ اللَّهِ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ
كَلِمَاتٍ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِمَّا نَسُوا أَوْ نَكَلُوا بِهَا فَإِنَّهُمْ
لَكُلِّمُوا بِهَا وَأَنْصِتُوا لَكُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَذَكَّرُونَ
أَمَّا الْهُكْمُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ
بِإِلَهِهِ شَيْئًا فَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مَعْلُومًا فَسَوْفَ يُعْطِيهِ أَجْرَهُ كَمِثْقَلِ ذَرَّةٍ
بِعِبَادَةٍ عَمَلًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَذَكَّرُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَاتِ صَفًّا فَالزَّاحِرَاتِ وَجْهًا وَالنَّازِغَاتِ
سَامًا فِي حُدُودِ الْحَبْلِ الْمُدْتَمِرِ لَيْسَ فِيهَا صُفْوَةٌ بِيضٍ وَلَا فِيهَا كَمَلٌ قَدِيمٌ
ذَكَرَ أَنَّ الْهُكْمَ لَوْ أَحَدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَنَانِ
ذَكَرَ كَرِيمًا بِرَسُولِهِ شَدِيدِ الرَّسْمِ فِيهِ مَبْرُورٌ نَدِيمٌ لِمَنْ يَكْفُرُ بِرَبِّهِ

در بیان تعقیب صحیح

تَارِقَاتِ السَّمَاءِ الَّتِي يُبْرِقْنَ الْكَوَاكِبَ وَتُحْفَفُ مِنْكُمْ فِي الْبَلَدِ
بِرَسُولِهِ شَدِيدِ الرَّسْمِ فِيهِ مَبْرُورٌ نَدِيمٌ لِمَنْ يَكْفُرُ بِرَبِّهِ
لَا يَسْمَعُونَ فِي الْمَلَأَةِ الْأَعْلَى وَبُقْعَةٍ مِنْهَا مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُخَانًا وَمِنْهَا
مَبْرُورٌ نَدِيمٌ لِمَنْ يَكْفُرُ بِرَبِّهِ
عَذَابٌ وَأَصْحَابُ الْأَقْمِنِ حُطِفَ الْحُطُوفُ فَتَبَعَتْهُمْ نَسَبَاتٌ ثَابِتَةٌ
أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَذَكَّرُونَ

و در بیان آخر صافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَاتِ صَفًّا فَالزَّاحِرَاتِ وَجْهًا وَالنَّازِغَاتِ
سَامًا فِي حُدُودِ الْحَبْلِ الْمُدْتَمِرِ لَيْسَ فِيهَا صُفْوَةٌ بِيضٍ وَلَا فِيهَا كَمَلٌ قَدِيمٌ
ذَكَرَ أَنَّ الْهُكْمَ لَوْ أَحَدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَنَانِ
ذَكَرَ كَرِيمًا بِرَسُولِهِ شَدِيدِ الرَّسْمِ فِيهِ مَبْرُورٌ نَدِيمٌ لِمَنْ يَكْفُرُ بِرَبِّهِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَاتِ صَفًّا فَالزَّاحِرَاتِ وَجْهًا وَالنَّازِغَاتِ
سَامًا فِي حُدُودِ الْحَبْلِ الْمُدْتَمِرِ لَيْسَ فِيهَا صُفْوَةٌ بِيضٍ وَلَا فِيهَا كَمَلٌ قَدِيمٌ
ذَكَرَ أَنَّ الْهُكْمَ لَوْ أَحَدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَنَانِ
ذَكَرَ كَرِيمًا بِرَسُولِهِ شَدِيدِ الرَّسْمِ فِيهِ مَبْرُورٌ نَدِيمٌ لِمَنْ يَكْفُرُ بِرَبِّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَاتِ صَفًّا فَالزَّاحِرَاتِ وَجْهًا وَالنَّازِغَاتِ
سَامًا فِي حُدُودِ الْحَبْلِ الْمُدْتَمِرِ لَيْسَ فِيهَا صُفْوَةٌ بِيضٍ وَلَا فِيهَا كَمَلٌ قَدِيمٌ
ذَكَرَ أَنَّ الْهُكْمَ لَوْ أَحَدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَنَانِ
ذَكَرَ كَرِيمًا بِرَسُولِهِ شَدِيدِ الرَّسْمِ فِيهِ مَبْرُورٌ نَدِيمٌ لِمَنْ يَكْفُرُ بِرَبِّهِ

در بیان بعضی صفات حضرت محمد

هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
اوست خدا را که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
اوست خدا را که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید

العز من الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ

المصور له الاسماء المستعنى سبح له ما في السموات والارض وهو
مورث بخشنده از بهر او است نامهار که بگویند که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست
عبدانان محضیانی سنوه فال هو الله احد وواحد صفة عبدانان صیغی در دعا
اللهم اني استسئلت باسمك الكون الخزون الظاهر الطاهر المبارك
خداوند بدسترسند که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
واستسئلت باسمك العظيم وسلاطيك العديم يا ارحم الراحمين
در سوال میکنم ترا بچشم نام عظیم تو را با رحمتی که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست
الاسم الذي افككت الرقاب من التار استسئلت ان تصلي على محمد وآل
اسم آنست که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
محمد وآل محمد ورفعتني من التار وان تحرجني من الدنيا انا وتد
محمد و آل محمد را که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
الجنة سألما وان تجعدي عاقب اوله فلا فاصلا ولو سطره و جاحا واخره
در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید

در بیان بعضی صفات حضرت محمد

عبدانان محضیانی سنوه فال هو الله احد وواحد صفة عبدانان صیغی در دعا

اللهم اني استسئلت باسمك الكون الخزون الظاهر الطاهر المبارك
خداوند بدسترسند که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
واستسئلت باسمك العظيم وسلاطيك العديم يا ارحم الراحمين
در سوال میکنم ترا بچشم نام عظیم تو را با رحمتی که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست
الاسم الذي افككت الرقاب من التار استسئلت ان تصلي على محمد وآل
اسم آنست که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
محمد وآل محمد ورفعتني من التار وان تحرجني من الدنيا انا وتد
محمد و آل محمد را که در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
الجنة سألما وان تجعدي عاقب اوله فلا فاصلا ولو سطره و جاحا واخره
در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید

و در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
و در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
و در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید
و در هر صفتی که بخواهد بگوید و اوست که در هر صفتی که بخواهد بگوید

در بیان تعقیب صحیح است

وهو رب العرش العظيم فسب كفيكم الله وهو الصمد العليم و
 وادست برود وگواش بر کرم برینو شد که کفایت کند برافزودن او شنوادی را با
 لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه
 سید جواد زون که با کمال کبریا هم بلند مرتبه بزرگوار و رحمت فرزند خداوند برادرش از کبریا
 محمد وآله الطاهرين
 محمد است دال او که با کمال کبریا
 بعد از آن میگویند و بنا بر آن صحیح است
 بسم الله وصلى الله على محمد وآله وآل محمد من أمرى إلى الله أن الله
 تمام خداوند او رحمت نازل بر محمد و آل او و در اینجا از او خداوند را یاد کرده است
 بصبر يا عباد خوف الله سببنا ما مكره والا لله الا انت سبحان
 بین است برین کلمات پس نگاه در پیش خدا از بهر این که این کلمات است خداوند مکرر فرموده است
 اني كنت من الظالمين فاستجبنا له من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
 در اینجا درود هم می خواند که خداوند بر این صفت کردیم مراد از این جمله اینست که ای خداوند ما را از این غم نجات بده
 حسبنا الله ونعم الوكيل فانظروا يا أيها من الله وفضلكم منسبهم
 کاف است اما خداوند و بهترین و کامل است پس برکشند این کلمات است یعنی از خداوند و زیادتی نرسیده است
 سواء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس
 که در این جمله خداوند است جوهر و زون فرغانه که می خواندند این جمله است خداوند که ما را
 ما شاء الله وان كره الناس حسبي الرب من المؤمنين حسبي
 این جمله است پس خداوند را بر چه با خاستن در راه خود ظاهر است اما هر دو در راه خود و در راه خود که در راه خود
 من الخلوفاين حسبي الرايق من المؤمنين حسبي الله الذي لم ينزل
 از این جمله در راه خود را روزی را می بیند از روزی که در راه خود بر سر است اما هر دو در راه خود که در راه خود
 حسبي حسبي من كان منذ كنت حسبي حسبي الله لا اله الا هو
 بر سر است اما هر دو در راه خود را که بود که با کمال کبریا هم بلند مرتبه بزرگوار و رحمت فرزند خداوند برادرش از کبریا



در بیان تعقیب صحیح است

عليه تو كنت
 بر او در راه خود را که بود
 بعد از آن میگویند
 اللهم اصنع ظلي مستجيراً بعفوك واصنع ذنوبي مستجيراً
 خداوند خدا را صانع خود کن ای خدایم بر بنده من و بنده من عفوگشت و در این جمله کلام از زبان آن خداوند است
 بعفوك واصنع ظلي مستجيراً با ما نيك واصنع ذنوبي مستجيراً
 با ما نیک شو و در این جمله کلام از ترس حق بنده من است ای خداوند در این جمله کلام که در راه خود بنده من
 عنك واصنع ذلي مستجيراً بعفوك واصنع صغفياً بعفوك
 بر تو کن و در این جمله کلام صغیر از راه خود بر بنده من است و در این جمله کلام که در راه خود بنده من
 واصنع وحي الكافي مستجيراً بوجهك الباقي با كما قبل كل شيء
 و در این جمله کلام که در راه خود بنده من است و در این جمله کلام که در راه خود بنده من
 و با كما شاء بعد كل و با ما يكون كل شيء صل على محمد وآل محمد صل
 و در این جمله کلام که در راه خود بنده من است و در این جمله کلام که در راه خود بنده من
 لي من امرى وجاء محجواً و ذنوبي من حيث اخذت ومن حيث
 از این جمله کلام که در راه خود بنده من است و در این جمله کلام که در راه خود بنده من
 لا اله الا انت سبحانك
 که در این جمله کلام که در راه خود بنده من است
 بعد از آن میگویند هفت
 حال آنکه در این جمله کلام که در راه خود بنده من است
 و کشته باشی کفایت کند برافزودن او شنوادی را با
 با رب محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد صل
 از این جمله کلام که در راه خود بنده من است و در این جمله کلام که در راه خود بنده من
 حسبي حسبي
 بر سر است اما هر دو در راه خود را که بود که با کمال کبریا هم بلند مرتبه بزرگوار و رحمت فرزند خداوند برادرش از کبریا



در بیان تعصبات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَهَفَّتْ رَيْنِبُهُمْ
 بَارَبِّ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ

بِأَنَّ اللَّهَ بَارِحٌ نَارِحٌ بِأَفْوَجِمْ بِرَحْمَتِكَ اسْتَعِينَتِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقِي
 الرِّخْدَا الرِّخْدَا رَحْمَةً جَدِيدَةً بِرَحْمَتِكَ جَدِيدَةً بِرَحْمَتِكَ جَدِيدَةً بِرَحْمَتِكَ

فِي كُلِّ كَرِيهَةٍ وَأَنْتَ تَجَانِبُ فِي كُلِّ سِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ
 دَرَاهِمُ أَمْوَالِي وَتَوَائِدِي مِنْ جِهَةٍ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَتَوَائِدِي مِنْ جِهَةٍ فِي كُلِّ شَيْءٍ

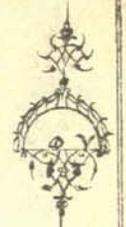
تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى عَدُوِّكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى عَدُوِّكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى عَدُوِّكَ
 كَرِيمٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ

عَنِّي اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِجَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَنِ سَوَاكَ
 لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا وَتَلْبَسُ ثِيَابًا مِثْلَ ثِيَابِي وَتَقْرَأُ كِتَابًا مِثْلَ كِتَابِي وَتَقْرَأُ كِتَابًا مِثْلَ كِتَابِي

وَعَافِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ
 وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَصْحَابُ اللَّهِ مُعْتَمِدًا بِيَدِ مَلِكِ الْمَسِيحِ الَّذِي لَا يَحَاوِلُ وَلَا يَطَاوِلُ
 مِنْ سِوَى كُلِّ عَاشِمٍ وَطَارِفٍ مِنْ سِوَايَا خَلْقِكَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّارِعِ
 وَالتَّاطِفِ مِنْ كُلِّ حَوْفٍ يَلْبَسُ مِنْ سَائِبِغِيهِ لِأَنَّ أَهْلَ بَيْتِي نَبِيَّةٌ



در بیان تعصبات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحَمَّدًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي ذِي بَيْتٍ مُحَمَّدًا
 حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْأَعْرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالْمَسْتَكِبِّ بِحَقِّهِمْ مَوْفِقًا

بِأَنَّ اللَّهَ بَارِحٌ نَارِحٌ بِأَفْوَجِمْ بِرَحْمَتِكَ اسْتَعِينَتِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقِي
 الرِّخْدَا الرِّخْدَا رَحْمَةً جَدِيدَةً بِرَحْمَتِكَ جَدِيدَةً بِرَحْمَتِكَ جَدِيدَةً بِرَحْمَتِكَ

فِي كُلِّ كَرِيهَةٍ وَأَنْتَ تَجَانِبُ فِي كُلِّ سِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ
 دَرَاهِمُ أَمْوَالِي وَتَوَائِدِي مِنْ جِهَةٍ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَتَوَائِدِي مِنْ جِهَةٍ فِي كُلِّ شَيْءٍ

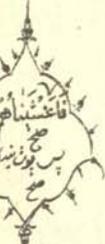
تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى عَدُوِّكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى عَدُوِّكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى عَدُوِّكَ
 كَرِيمٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ وَرَبُّكَ عَزِيزٌ

عَنِّي اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِجَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَنِ سَوَاكَ
 لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا وَتَلْبَسُ ثِيَابًا مِثْلَ ثِيَابِي وَتَقْرَأُ كِتَابًا مِثْلَ كِتَابِي وَتَقْرَأُ كِتَابًا مِثْلَ كِتَابِي

وَعَافِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ
 وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ وَعَافِي فِي خَزَائِنِ السَّمَاوَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَصْحَابُ اللَّهِ مُعْتَمِدًا بِيَدِ مَلِكِ الْمَسِيحِ الَّذِي لَا يَحَاوِلُ وَلَا يَطَاوِلُ
 مِنْ سِوَى كُلِّ عَاشِمٍ وَطَارِفٍ مِنْ سِوَايَا خَلْقِكَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّارِعِ
 وَالتَّاطِفِ مِنْ كُلِّ حَوْفٍ يَلْبَسُ مِنْ سَائِبِغِيهِ لِأَنَّ أَهْلَ بَيْتِي نَبِيَّةٌ



در تائبان عفت نماز صبح

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا تَفْرَحْ بِغَيْرِكَ وَلَا تَحْزَنْ لِأَسْئَالِ الْإِنْسَانِ
خداوند منم که از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
مِنْكَ وَ لِجَانِبِ لَا يَقْضِيهَا إِلَّا أَنْتَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ
از جانب تو و از برایتان دعا کنم که بر تو در روز قیامت دعا کنم که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
مَا أَدْرَيْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ وَالْحَمْدُ لَكَ مِنْ شُكْرِكَ وَ دُعَاؤُكَ فَاتَّكِرُ مِنْ
آنچه از تو دانم که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
شَأْنِكَ الْإِجَابَةِ فِي فِيمَا دَعَوْتُكَ وَ التَّحَاةُ مَا وَغَيْبِ الْبَيْتِ مِنْ قِبَلِ
تو که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
لَمْ يَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَلْبِغَ رَحْمَتِكَ فَإِنَّ رَحْمَتَكَ فَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَهْلًا أَنْ
نموده باشم از او در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
تُبَلِّغُنِي وَ تَسْعِي لَأَنْهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا سَعِي فَالْتَسَعِي رَحْمَتَكَ
برسد به وقت قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم

عَدَاؤُكَ أَنْ تَسْكُنَ فِي حَالِ كَيْفٍ
کریه کنی خود را در کرب و بلا
إِنِّي ذُنُوبِي وَ كَثْرَتُهَا فَذَعْبَتْ رَحْمَتُكَ وَ حَسْبِي عِنْدَكَ وَ حَسْبِي عِنْدَكَ
از خداوند منم که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
اسْتَيْسَاهُ رَحْمَتِكَ وَ بَاعَدَنِي عَنِ مَسِيخَاتِ مَغْفِرَتِكَ وَ لَوْ لَا لَطْفُ
مستحق گردن بر رحمت تو و دور کردی من را از مسیخات مغفرت تو و لولا لطف
بِالْأَمَلِ وَ تَسْكُنِي بِالرَّجَاءِ لَمَا وَ عَدَّتْ أَمْثَالِي مِنَ السَّرْبِ وَ أَمْثَالِي
بمغفرت تو در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
مِنَ الْإِطْمِينِ بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
از گناه کاران که بگفتند خود را فرموده از این گناهان که از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم



در تائبان عفت نماز صبح

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُوفُ الرَّحِيمُ وَ حَذَّرَنِي الْعَالَمِ
بدرستی که خداوند می آرد گناهان را تا آنکه تمام گناهان را ببخشد و او بخشنده و مهربان است
مِنْ رَحْمَتِكَ فَطَلْتُ وَ مَنْ يَفْطِنُ مِنْ رَحْمَتِي يَا إِلَهَ الصَّالِحِينَ ثُمَّ
از رحمت خود تو برکتی که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو
تَدْبِيرًا بِرَحْمَتِكَ إِلَى عَائِلَتِكَ فَطَلْتُ أَدْعُوكَ اسْتَجِبْ لِمَنْ
خواند تو را بر رحمت خود تو بر خواندن تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو
يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَبِّحْهُمْ جَهَنَّمَ فَاجْرِبْنِي أَلَيْسَ
بِكَرِيمٍ وَ رَزَقْنِي رِزْقًا رزق خود را از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو
كَانَ ذَلِكَ الْآبَاسُ عَلَيَّ مُشْتَوِلًا وَ الضُّوْطُ مِنْ رَحْمَتِكَ فِي مَلْجَأِي
بود که بدین تو پند گیرم که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو که هر که از تو پند گیرد از رحمت خود تو
إِلَهِي فَذَاعَدْتُكَ السَّيِّئَاتُ لَطَمْتُ عِقَابًا اللَّهُمَّ وَقَدْ أَسْأَلُ دَمْعِي
از خداوند منم که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
حَسَنَ الظَّنِّ بِكَ فِي عَيْنِي وَ قَبِيضِي مِنَ النَّارِ وَ أَمَلِي ذَلِي وَ أَوَالَذِي
بسیگانه گان من بی تو که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم
عَشْرِي وَ طَلْتُ وَ قَوْلِكَ الْحَيُّ الَّذِي لَا خَلْفَ فِيهِ وَ لَا يَسْتَدْبِرُ
حطای من و گفتند تو دعای الله گفتند تو حق است و نیست خلف در حق تو و نه تغییر

بِعَمِّي نَدْعُو كُلُّ نَاسٍ بِأَمَامِهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدُّكَ وَ أَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ
روزی که بخوانم این دعا را از هر چه در دنیا با من است و در آخرت از هر چه در آخرت با من است
وَ لَا أَحْجِدُ وَ أَسْرُو وَ أَطْهَرُ وَ أَعْلَنُ وَ أَلْبِنُ يَا نَسِيبُ اللَّهِ
و انگاه بگویم که در دنیا با من است و در آخرت از هر چه در آخرت با من است
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدَّثَكَ لِأَسْرَبِكَ لَكَ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
سید خداوند منم که در روز قیامت با شما غمگین نباشم و از برایتان دعا کنم که در روز قیامت با شما شادمان نباشم





وَاِنَّ عَلِيًّا امير المؤمنين وسيد الوصيين ووارث علم النبيين
ووالد ابيهم بايعه هرگز نماند است و سید الوصیین است و ارث برنده پیغمبران
و قاتل المشركين و امام المنفقين و مجاهد الناكبين و الفاسقين
ذو كنده ميثاقان و پسر ارشد هر کاران آ و جهاد کننده و محرم زبان شکست خورنده
و المارفين امامي و حجتی و جراحی و دليلی و حجتی و من لا یرقی بالاد
و هر دو نماز و روزگان امام و حجت و راه نماز اول و دليل نماز و انوار امام و امام
و ان زكك و لا اراها مخيية لي و ان صلحت الابواب لا يبدو الا انبا
اكرم باكر باشند و من كرم داران امامه و همدار هر چند بگویند مگر در دست خداوند
به قال لا فرار بفضل الله و القبول من حملهها و التسليم لرواها
با در اقرار کردن بفضیلتی او و قبول کردن از نظر بندگانی که در تسلیم نمودن او در اقرار
اللهم و انوار يا وصيا اللهم من ابتائنا ائمة و حججا و اولاد و سر حجا
خداوند اقرار میکنی با وصی تو او از سر تو او که امامت و جنتها در اینها نمود و هر که
و اعلاما و منارا و ساداتا ابرار و ائین بستم و ظاهرهم و باطنهم و
دن نهاد و علامتها را نشان داد و بزرگان را شکر از آنند و عظمتها در اینها نشان داد و باطنها
جهنم و مبینهم و شاهیدهم و غایبهم لا شک في ذلك و لا ارباب
و زنده این و خطیب این بود که صراحت و جفاف این است که در اینها در اینها
و لا حول عنده و لا انقلاب اللهم فادعني يوم حشري و حين
و مرتب بر شکر از این عظمه و در تقابلت بعد و ندا ایس بخوان مراد و در حشر و عظمه
نشری با ائمه و حشری فی ذکرهم و النبي فی اصحابهم و انقد
بر این سخن با است ایشان و محشر که برادر بگذرد و برادر در آن روزی را در آن
همه با مولا می من حشر النبي ان فانك ان اعنيتني منها كنت
با آن که خداوند هرگز از حشر این است هر که بر شکر تو احواف و اورا از آن است

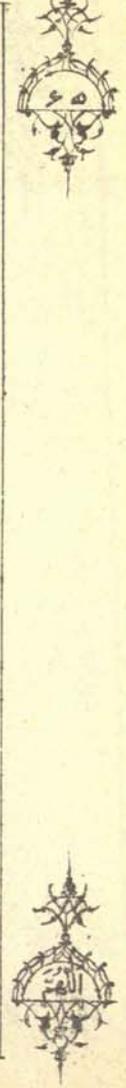


اللهم وقد اصحبت في يومي هذا الاثمة فلي و لا مفرح
خداوند و خداوند و خدایان جمیع گروهام و در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
و لا اله الا الله
و کسکه بر او بیاید هر روزی که خداوند در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
علي و فاطمة و الحسن و الحسين و علي و محمد و جعفر و موسى و علي
عز و فاطمة و حسن و حسين و علي و محمد و جعفر و موسى و علي
و محمد و علي و الحسن و محمد صلواتك عليهم اجمعين اللهم
عز و محمد و علي و حسن و حسين و علي و محمد و جعفر و موسى و علي
فاجعلهم حصني من الكارمة و معظمتي من الخاوية و حجتي بهم
بر گردان این روز خود که در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
من كل عدا و طاع و فاسق باغ و من شر ما اعرف و ما انكر و ما
از هر روزی که در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
علي و ما ابصر و من شر كل ذاك و رب اخذ بناصيتها ان رب
بروز و آنچه بر عیونم در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
علي صراط مستقیم اللهم بوسلتي اليك بهم و تقربت
بر او است و خداوند او را تو است و این است که در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
بجنتهم افرج علي ابواب رحمتك و مغفرتك و جنبتي الي
بسیار است و این است که در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
خلفتك و جنبتي عدا و ائمتهم و بعضهم انك على كل شئ قدير
حاکم خدایان و در هر روزی که در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند
اللهم و لكل من سئل ثواب و لكل ذي شفاعت حق فاسئلك
خداوند و در هر روزی که در این روز خود و حال اینک شکر تمام از هر روزی است که خداوند

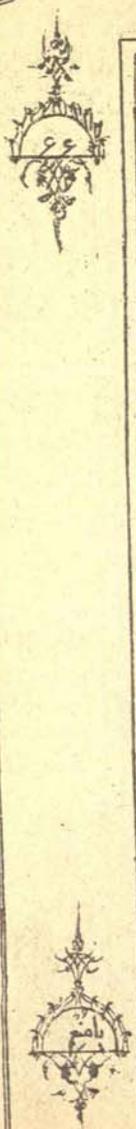




جَعَلَهُمُ الْبَيْتَ سَبِيًّا وَفَكَرْتُمْ أَنَّهُمُ آتَاكُمْ طَائِفَتِي أَن تَفْرُقَنِي بِرَدِّي
 هَذَا وَشَهْرِي هَذَا وَعَاجِي هَذَا اللَّهُمَّ فَهَمْ مَعُودِي فِي شِدَائِي وَ
 رَحْمَتِي وَعَافِيَّتِي وَقَبْلَائِي وَتُؤَمِّي وَتُبْصِي وَطَعْنِي وَإِفَامِي وَعَمْسِي
 وَشِرِّي وَصَبَاحِي وَمَسَائِي وَمَنْطَلِي وَفَتْوَايَ اللَّهُمَّ فَلَا تَجْلِيْهُمُ
 مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تَجْحَبِيْ بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ حِمْلِكَ
 وَلَا تَقْلِبْنِي بِإِعْلَافِي أَنْوَابِ الْأَذْقَانِ وَأَشْدِ مَسَالِكِيهَا وَأَوْثِقْ
 مَذَاهِبَهَا وَأَقْمِ لِي مِنْ لَدُنْكَ فِتْنًا سَبِيْرًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضَرْبٍ
 مَخْرَجًا وَإِلَى كُلِّ سَعَةٍ مِنْهَا مَخْرَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
 وَاجْعَلْ اللَّبْلَ وَالرَّهْمًا مُخْتَلِفِينَ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَمَعَانِكَ وَمَيِّنًا
 وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ فَدَيْرٌ وَيَكِلْنِي حَيْثُ مَرَّتُ
 بِرَسْمِكَ نَوْرٌ مَرَّ بِرَأْسِي وَأَنَا فِي الْوَجْهِ الْمَرَّ بِرَأْسِي
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَمْرِكَ الْهَارِبِينَ وَبِأَمَلِ الْخَائِفِينَ وَبِإِي
 صَيْحِ الْمُسْتَخْرِبِينَ وَبِإِعْيَابِ الْمُسْتَعْتَبِينَ وَبِأَمْتِي غَايَةَ السَّائِلِينَ
 وَيَأْتِيكِ دَعْوَةُ الضُّعْفَى بِرَأْسِ الْأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ يَا اللَّهُ يَا ذَاكَ يَا عَزِيزَ
 يَا حَكِيمَ يَا خَفِيًّا يَا رَحِيمَ يَا فَاهِرَ يَا عَلِيمَ يَا سَمِيعَ يَا بَصِيرَ يَا طَيِّبَ
 يَا حَبِيبَ يَا فَهْمًا يَا جِبَادَ يَا رَحْمَنَ يَا مَتَانًا يَا سُبُوحًا يَا قُدُّوسًا يَا مُبْدِيًا
 يَا مَعْجِدًا يَا بَالِغًا يَا وَدِيًّا يَا فَارِحَ اللَّهُمَّ يَا كَاشِفَ الْعَمَةِ يَا مُمْسِكَ
 الْحَبْلِ يَا قَائِلَ الصِّدْقِ يَا ذَا الْمَلَكَةِ
 الْجَمَلِ وَالطَّوْلِ الْعَظِيمِ يَا مَعْرُومًا
 بِالْإِحْسَانِ يَا مَوْصُوفًا بِالْإِيمَانِ يَا مَنْ فَضُرْتُ عَنْ وَصْفِهِ
 السَّنِ الْوَاصِفِينَ وَأَنْتَ لَمْ تُصِفْ أَحَدًا وَلَا تُصَفُّ وَلَا تُوصَفُ وَلَا تُوصَفُ وَلَا تُوصَفُ وَلَا تُوصَفُ
 الْجَوْشِي بِكَ يَا كَاشِفَ الْعَمَةِ وَذَافِعَ الْبَلْوَى يَا نِعْمَ النَّصِيْبِيْنَ
 يَا لَطِيفَ الْغَمِّ
 يَا مُبْدِيَ الْوَسْمِ
 يَا مَعْمُورَ الْوَسْمِ



بمانع بامفضل با محسن یا بحمل با من لا يشغلنا صغيرا عن كبير
ارادت دهندد و رفته اند از حدیث آمده است که هر که در سینه اش در وقت نماز
و لا حظیر عن خطیر با من بدأ بالتعمیر قبل استخفافها و بالفضل
و نه چیزی از آن که در سینه است که در وقت نماز در سینه است
قبل استخفافها با محسن من عید و حید و دجی و اغتمد استلک
پیش از این است که در سینه است که در وقت نماز در سینه است
بکل اسم مقدس من عظمه مکنون اخبرته لنفسک و کل شانه
بمن هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
غالی رفیع کریم و صفت به عید حاکم و یحیی کل ملک قیت
بلند است بر هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
مغز لکنه عندک و یحیی کل نسی از سلت الی عبادک و یحیی کل
مغز است اوله نزد خود و یحیی هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
شبه جعلت مصدق الرسولک و کل کتاب فصلتک و لکنه
چیز که در سینه است که در وقت نماز در سینه است
و شرعت و کل دعاء معینة فاجبت و عمل رفعت
و سنت قرار داد از او هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
و استلک بکل من عظمت حقا و اعلمت فدک
و سوال میکنم ترا یحیی هر که بزرگ کرد از منده من او را و هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
عزمتنا امری و من لم نر فنامقامه و لم نر فنامقامه
و سنگین منده باشن او و کبر باشن در مقام او و هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
همین خلت من اول ما ابتدأت به من خلفک و من خلفک
از آنکه از منده او است که در سینه است که در وقت نماز در سینه است

۷

لذکر و استلک بتوجیه الذی قطرت علیه العفول و اخذت
روزی که در سوال میکنم ترا یحیی هر که بزرگ کرد از منده من او را و هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
بالمو اثنی و ازلت به الرسول و جعلتک اول المرصک و غایب
ان اینهاست که در سینه است که در وقت نماز در سینه است
لماعینک و اوجب البک بمجودک و یحیدک و کریمک و عزتک
طاعت کرد از منده من او را و هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
و عفو و اثنایک و تطولک و استلک
و عفو و اثنایک که در سینه است که در وقت نماز در سینه است

یا الله	یا الله	یا الله
یا رحمن	یا رحمن	یا رحمن
یا ربه	یا ربه	یا ربه
یا قهار	یا قهار	یا قهار
یا ذا الجلال	یا ذا الجلال	یا ذا الجلال
یا ذا الکرام	یا ذا الکرام	یا ذا الکرام
یا ذا الشان	یا ذا الشان	یا ذا الشان
یا ذا الجلال	یا ذا الجلال	یا ذا الجلال
یا ذا الکرام	یا ذا الکرام	یا ذا الکرام
یا ذا الشان	یا ذا الشان	یا ذا الشان
یا ذا الجلال	یا ذا الجلال	یا ذا الجلال
یا ذا الکرام	یا ذا الکرام	یا ذا الکرام
یا ذا الشان	یا ذا الشان	یا ذا الشان
یا ذا الجلال	یا ذا الجلال	یا ذا الجلال
یا ذا الکرام	یا ذا الکرام	یا ذا الکرام
یا ذا الشان	یا ذا الشان	یا ذا الشان

و اخر اجدیدک و سوالک محمد سید المرسلین
و هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
و اشرف الالکین و الاخرین و بالرسالة الی اذها و العباد الی الله
و هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است
اجتهد فیها و الخیرة الی صبر علیها و العفوة الی غایبها و الی الله
و هر چه در سینه است که در وقت نماز در سینه است

۸

۹

در بیان تعقیبات صبیح

عَلَيْهَا مُنذُوقَتْ رِسَالَتِكَ يَا أَبَاهُ إِلَى أَنْ تُوَفِّيَهُ وَيَمَّا بَيْنَ ذَلِكَ مِنْ
بر آن روز که فرستادند ^{خبر او را} و فرمودند که در آن روز که با تو در میان ^{بود}
أَفْرَأَيْتَ الْحِكْمَةَ وَأَفْعَالَ الْكِرَامَةِ وَمَقَامَاتِ الشُّهُودِ وَسَاعَاتِ الْعَدْلِ
فَوَلَّىهَا لِحُكْمِهَا نَزَمُوا فِيهَا شُكُورًا أَنْ يَجْمَعُوا مَطَاهِرًا مَرْمُوحَةً تَمُدُّهُ وَرَحْمَةً تَمُدُّهَا
أَنْ نُضَلَّ عَلَيْهَا وَوَعْدَهُ مِنْ فَضْلِكَ وَنِعْمَتُهُ أَفْضَلُ مَا أَمَرَ
انگیزد که بر من بر او چون تو در آن روز که با تو در میان ^{بود} و فرمودند که در آن روز که با تو در میان ^{بود}
مِنْ فَوَائِدِكَ وَتَنْزِيلَاتِكَ لَدَيْكَ مَنَزَلَتَهُ وَتَعْلِيلَ عِنْدِكَ تَدْرِيهِ
از فواید تو و نزولهای فرموده تو و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و فرمودند که در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَتَبَعَتَهُ الْمَقَامَ الْمَجِيدُ وَتُوْرِدُهُ حَوْضَ الْكَرِيمِ وَتَلْوِيْدَهُ وَعَلَى الرَّهْ
و پیوسته او را ای نگاه بلند دیده و وارد سازد او را بر حوض کرم و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
الطَّيْبِينَ الْأَطْيَارَ الْمُتَجَمِّينَ الْأَبْرَارَ وَعَلَى جَبَلِ صَبَا سَلْوِ الْكَلْبِ
در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى جَمْعِ الْأَيْدِيَاءِ وَالْكَرْسِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
مقرَّبین و بر جمیع ^{میان} و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْحَبْتُ لَأَمَلِكَ لِنَفْسِي صَبْرًا وَانْقِعَاؤًا لَأَمُوتًا
خدایا من را بر آن ^{که} در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَالْحَيَاةَ وَالْأَشْوَابَ فَذَا نَفِطَعْتَ وَسَأَلْتُ وَقَدْ هَبْتَ مَسَائِلِي
و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَذَلِكَ نَاصِرِي وَأَسْتَلِّي أَهْلِي وَوَلَدِي اللَّهُمَّ وَقَدْ أَدْنَيْتَ الطَّلَبَ
و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَأَعْبَيْتَ الْجَيْلَ الْأَعْنَدَكَ وَأَنْفَطَعْتَ الظَّنَّ وَضَافَتِ الْمَدَامُ
و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}



در بیان تعقیبات صبیح

وَدَسَسَ الْأَمَالَ وَأَنْفَطَعَ الرَّجَاءَ الْأَمْنَتَ وَكَذَبَ الظَّنَّ
و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَأَخْلَفْنَا الْعِدَّةَ الْأَعْدَتَكَ اللَّهُمَّ إِنَّ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ
و خدایا شکایت و عهد ما ^{که} و عهد تو ^{که} خداوند ما ^{که} بدو شکایت من ^{که} امید ^{که}
لِعِضَّتِكَ مُنْرَعَةٌ وَأَبْوَابُ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفْتَحَةٌ وَأَسْتَعِينَا
بر خدایا تو را ^{که} در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبَاحِدَةٌ وَالْإِسْتِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجِبَةٌ
بر آن ^{که} در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَأَنْتَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ اجَابَتِهِ وَلِلصَّادِقِ إِلَيْكَ وَكَرَى الْإِيثَارِ
و تو ^{که} در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَلِلصَّادِقِ إِلَيْكَ فَرِيْبُ الْمَسَافِرِ وَأَنْتَ لَا تُخَيِّبُ عَنْ خَلْفَاتِ
و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
إِلَّا أَنْ يَجْتَبِيَهُمُ الْإِكْمَالَ السَّيِّئَةَ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ أَفْضَلَ زَاوِيَا
که ^{که} در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
إِلَيْكَ عَزَمَ إِزَادَةَ الْخَلَاصِ نَيْبَةً وَقَدْ دَعَوْتِكَ بِعَزْمِ إِزَادَتِي
بوره ^{که} در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}
وَالْخَلَاصِ طَوْبِي وَصَادِقِي سَبِيحَتِي مَا أَذَامَ كَيْفَتَكَ
و در آن روز که با تو در میان ^{بود} و در آن روز که با تو در میان ^{بود}



بِأَشْكَ اسْمِكَ فَغَبْرَتِكَ
بِخَاجِ نَوْمِ الْأَسِيرِ نَوْمِ
سَلَّمْتُ مَعِي نَهْنَاتِ فَارِعِ
سَوَّالِ كُنْفَةِ نَوْمِ أَنْتَ كُنْفَةُ نَوْمِ نَوْمِ
بِأَشْكَ اسْمِكَ فَغَبْرَتِكَ
بِخَاجِ نَوْمِ الْأَسِيرِ نَوْمِ
سَلَّمْتُ مَعِي نَهْنَاتِ فَارِعِ
سَوَّالِ كُنْفَةِ نَوْمِ أَنْتَ كُنْفَةُ نَوْمِ نَوْمِ

تجارتك وانت اولي بنصر الوائين بك واحسن برعاية النقطه

لكت يترى لك مكشوف وانا اليك مكشف اذا اردت

حشني الغزبة التي يذكرك واذا

صبت علي الامور اسخري بك واذا

نالتك علي الشاكر املكك وان

بني هب بي يارب عنك واذا نسي الامور

كالمها يدك صاورة عن فضلك

مذعنة بالخضوع ليدك ونيك فبشره

الى عفوك ذات فاقه الى رحمتك

والا فاستغفر الله

واحاظ في الخطية وهذا الوقت الذي وعدت اولها

فيها لاجابة قائم ما بهمينك الشافية وانظر اليك بعينك

الراحمه واذا غلبت في رحمتك الواسعه وافبل على يوحنا

ناذا الجلال والاكرام فانك اذا افلكت على اسمك فذكرت

وعلى صائل هديتني نحو علي جار او بنة وعلى ضعيف فوثقت

وعلى خائف امنته اللطمة انك انعمت على قام اشكر وابنتك

فلم اصبر فانه فوجبت عجز عن شكرك تمنع المؤمن من فضلك

واوجب عجز عن الصبر على ايمانك كشف ظرك وانزال

رحمتك فبا من قل عند بلائه صبري فعا فاني وعند فاني

مشكوري فاعطاني اسئلت المزيدي من فضلك والارواح

الشكر والاعذار

والاعذار

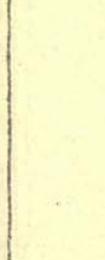
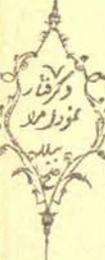
والاعذار

والاعذار

والاعذار

والاعذار

والاعذار



وَأَسْبَغَ النِّعْمَةَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا تَخْلُقْ
 دانه بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم

۷۸

من

مِنْ دَحْضِ الْمَرْزَلَةِ فَفَعَدَّ كِبُوتٌ وَثَبَّتَنِي عَلَى الصِّرَاطِ السَّيِّئِ
 از محض لرزه بدن  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم  بر منم

۷۹

عبدال

در بیان عقوبت نماز صحیح

بگویم که از آن جوان
 آنکه در وقت سجد عالمی
 و آن از عظامت حق تعالی
 لغمد لله الذی خلق الليل والنهار بقوله ومکن
 بطنه و جعل لکل واحد منهم احوالاً محدوداً و اماناً
 موفوئاً ممدوداً بوج کل واحد منهم و صاحبیه و
 یوح صاحبیه و یمنفد بهینه للعباده و یما یعدونهم
 من حركات التعب و نهضات التعب و جعل لهم
 لباساً لیلئوا من احوالهم و منامیه فیکون ذلک لهم
 جماماً و قوه و کیناً و
 به الذی و شهوه و حلا
 لهم النهان

در بیان عقوبت نماز صحیح

مبصر البیتغوا
 فیہ و لیستبوا الی
 زینیه و تبرجوا فی ارضیه طلباً لیا فی سئل العالم
 من دنائهم و دولک الاجل و اخرهم بکل ذلک
 و منازل فریضه و موافع احکامه لیس فی الذین اسما
 بما عملوا و یخرج من الذین احسنوا الحسنی اللیس فالت
 و یصبر لیلایه من مطالب الانوار و قد تنافس من طوبی
 الاوقات اصحنا و اصحنا
 الاشیاء کلها احساناً

من قضاة
 یا
 یا
 یا

لَكَ سَمَائُهَا وَأَرْضُهَا وَبَشَرٌ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَائِكَةٌ وَ
از برابر تو آسمان الهای و زمینها و انبیا و اولیا و کائنات همه در هر یک از اینها سائیکه است
مُخَيَّرَةٌ لَكَ وَسَائِغُهَا وَمَغْفَلَةٌ وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كُنَّ تَحْتَهُ
و چیزی و آنچه و چشم و چشمه و خسته از او و اقامت کند از او و آنچه باله فرزند است در هر یک از اینها
أَصْحَابُنَا فِي بَيْتِكَ بِحُجُبِنَا مَمْلُوكٌ وَسُلْطَانُكَ وَنَصْرُنَا
بندگان تو در هر یک از اینها در هر یک از اینها و پادشاه تو و نصرت تو
مَسْتَبْتِكُ وَتَصَوَّرْتُ عَنْ أَمْرِكَ وَتَقَلَّبْتُ فِي نَدْبِكَ لَكُنْ
خواب تو و تصور میکنم در هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
لَنَا مِنْ الْأَمْرِ الْأَمَّا فَضَيْتُ وَلَا مِنْ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتُ اللَّهُمَّ
ما از تو که خود ما را از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
وَهَذَا يَوْمٌ خَارِبٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَيْنِدُ أَنْ أَحْسَنًا
این روز روزی است عاریت از تو تازه و او به ما شاهد است بر این که ما را از هر یک از اینها
وَدَعْنَا مُحَمَّدًا وَإِنْ أَسَانَا فَأَقْبَلْنَا بِمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و ما را از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
وَأَرْزُقْنَا حَسَنٌ مُصَاحِبِيهِ وَأَخْصِنَا مِنْ سُوءِ مُقَادِرَتِنَا
و ما را از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
جَوْرِيَّةٌ أَوْ قَرِيبَةٌ صَغِيرَةٌ أَوْ كَبِيرَةٌ وَأَجْرٌ لَنَا فِيهِ مَعْرُجُنَا
سوی تو یا از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
وَأَحْلِقْنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَأَمْلَأْنَا مَا بَيْنَ يَدَيْهِ حَسَنًا وَشُكْرًا
و ما را از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها

وَأَحْسَنُ أَوْ حَسَنٌ
وَفَضْلًا وَأَحْسَنًا
وَقَصْرٌ وَاحِدٌ

الْكَايِبِينَ مُؤْتِنًا وَأَمْلَأْنَا حَسَنَاتِنَا صَحَابَتِنَا وَلَا حَزْنَ نَاعِدُنْ
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
لِسُوءِ أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِنَا حَقًّا
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدًا صِدْقٍ مِنْ قَلْبِكَ
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِجِنَا
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعِينًا لِحَيْبَتِكَ
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلِبَلِينَا
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهَجْرِ الشَّرِّ وَشُكْرِ اللَّهِ
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
وَالْتِبَاجِ السُّنَنِ وَمَجَانِبِ الْبِدْعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
وَجِبَابَةِ الْإِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْ لَالِهِ وَفَضْرَةِ الْحَقِّ
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
وَأَعِزَّنَا وَارْتَضِنَا
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
الضَّعِيفِ وَإِذْ لَالِهِ
از هر یک از اینها در هر یک از اینها و در هر یک از اینها

وَأَعِزَّنَا وَارْتَضِنَا
الضَّعِيفِ وَإِذْ لَالِهِ

روز نهم از روزهای سی و سه گانه

بند نهم از نماز رکعتی

ان از تعقیب مأخوذ است از روایات معتبره و جمیع شدت
 و روایت واحدی پس از آنست که افضار نماز بر بعضی از آن هرگاه
 وسعت نداشته باشی از برای همه و هرگاه بیای در نفس جز در
 سستی و سستی پس تکلیف میفرماید از برای سبب سومی آن و اقبال
 زیرا که نوحه و افعال در وقت نماز روح عبادت و دعاست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 شنیدن نود و صدای خود بعد از
 فراغ از نماز صبح تا این که طلوع کند
 اقیاب هر چند نبوده باشی مشغول
 به تعقیب پس بچشمی که روایت شده است
 انحضرت امیر المؤمنین علیه السلام که
 فرمودند که هر که نماز کند و بشنود
 در مصداق خود تا طلوع اقیاب
خواجه کن بود از تو ای

سپس بی از آن و من و اولاد خواندن پس بعد از تعقیب
 پس بد رسیده خواننده آن در صبح همیشه محفوظ است و روزی داده شده است
 تا آنکه شام کند و این سوره بقره را چند مرتبه بخواند و دفع می کند از
 خوانند خود هر شری و او را ضربه نیز می گویند با عبادت آنکه بر می آورد از برای
 خواننده خود و روزی که در آن روز هر حاجتی را

وَقُضِيَ
 بدانکه وارد است هفت روز بعد و از ده ساعت نسیب هر ساعتی یکی



مخلص
 در خوابیده باشد
 و غایب منطوق در اینست
 باشد مگر در
 روز ولایت
 جلت
 عظمت



روز دهم از روزهای سی و سه گانه

رابع عشر علیهم السلام

و بخت بصران بی غایت که خواننده شود بدان و نماز ذکر می کنیم هر یک از اینها را
 تا صدای آن در محل خود نشاء الله پس نماز اول هفت ساعت است که کلام نادر آن
 در آن است یعنی مائة طالع صبح تا طلوع اقیاب و این منتهی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عذبة السلا و دعا این است
اللَّهُمَّ رَبِّ الظَّالِمِ وَالْقَافِرِ
 از خداوند ای بار خدایم در روزگار ما که هر روز
وَالْقَبْرِ وَالشَّقِيقِ وَاللَّيْلِ وَمَا
 از همه چیزها شقیق که در دنیا و آخرت
وَسَوْنِ وَالظُّمْرِ إِذَا التَّوْبَةُ
 از همه چیزها که در دنیا و آخرت هرگاه که جمع شود
لِنَحْلِقِ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ
 از او منند بن آن از هر چه در خلق
أَصْحَرَتْ فَذُرَّتْ بِبَدَنِهَا
 از او هر که در ذرت خود و بصنعت خود

صَنَعَتْ وَخَلَقَتْ عِبَادَكَ لِمَا كَفَيْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ
 صنعت خود و او را هر چه بندهگان خود را هر چه از تکلیف کرده است تا عبادت کند و هدایت کند

بِكُرْمِ فَضْلِكَ إِلَى سَبِيلِهَا عَيْنِكَ وَنَفَعَتْكَ فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظَمِ
 سبب بزرگواری و فضل خود را بسوی راهها طاعت خود و بجهت تو در تمام عوالم ملکوت خود

وَنُورَتِكَ إِلَى سَبِيلِهَا عَيْنِكَ وَنَفَعَتْكَ فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظَمِ
 و نور خود را بسوی راهها طاعت خود و بجهت تو در تمام عوالم ملکوت خود



در بیان استغفار و توبه و تضرع

بِسْمِ الْإِسْنَانِ يَا مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ
بِرَأْسِهِ مِائَةَ مِائَةِ أَلْفٍ مَرَّةٍ سَأَلْتُكَ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
فِي شَأْنِ اسْتَلْتُكَ اللَّهُمَّ مُحَمَّدٌ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ الَّذِي نَزَلَتْ الرُّوحُ
الرُّكَابُ وَارْتَدَّتْ رِجْلَايَاكَ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ وَفُودَ أَمْرَهُ بِسَبْعِ
الْأَمْهِنِ عَلَى قَلْبِهِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُنزَلِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ
اللَّهُمَّ كَرِّمْ لِقَائِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ابْنَ عَمَّةِ الرَّسُولِ وَبِعَلِّ السُّوَلِ
بِحَبْلِ الْإِسْمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
الَّذِي فَضَّلْتَ وَلَا يَسْتَعْلَمُ عَلَى الْكَلْبِ وَكَانَ بَدْرٌ وَرَحْمَتٌ ذَا الْحَوَاتِنِ
وَأَجْرٌ دَرَاهِمُهُ سِتْرٌ وَرَحْمَتُهُ سِتْرٌ وَرَحْمَتُهُ سِتْرٌ
نُصِّبْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتَهُمْ وَسِيئَلِي أَرَامِي
رَحْمَتُكَ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
وَيَا مَنْ نَزَلَ فِي حَوَائِجِي يَا مَنْ نَعَّقَ لِي نَبِيَّ وَنَطَّرَ لِي قَلْبِي وَنَسَّ لِي عَيْبِي
وَقَدَّمَ لِي نَبِيَّ يَا مَنْ جَعَلَ عَمْرًا وَابْنَهُ بَارِئًا وَابْنَ بَارِئٍ بَارِئًا
وَنَفَّرَ لِي كُتُبِي وَبَلَّغَنِي مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ أَمَلِي وَنَفَضِي
وَأَنْتَ كَسْرُ الْبُرُودِ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
يَا حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَجَابِرًا اسْتَكْرَمَ فِي بَيْتِكَ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
أَخْرَجْتَ خَائِمِي وَرَبِّي أَنْفَاجِدَازَ قَمَارِ سَجْدَةِ شُكْرِكَ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
كَرِهْتَ اسْتَكْرَمَ فِي بَيْتِكَ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
كَرِهْتَ خَائِمِي وَرَبِّي أَنْفَاجِدَازَ قَمَارِ سَجْدَةِ شُكْرِكَ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
كَرِهْتَ اسْتَكْرَمَ فِي بَيْتِكَ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي



در بیان استغفار و توبه و تضرع

مَلَائِكَةُ أَرْضِ نُوْحٍ وَبَدْرُ سَبِيحَةِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ سَجْدَةِ
شُكْرِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
بِقَرْنِ مَلَائِكَةِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
وَأَمَامِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
انْقَامِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
بِقَرْنِ مَلَائِكَةِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
خَدَائِعِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
مَكَرَانِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
بِقَرْنِ مَلَائِكَةِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
شُكْرِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
وَأَمَامِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
فَضِيحَةِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
نَازِعَةِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
بِقَرْنِ مَلَائِكَةِ كَرَاهَةِ نَمَازِ كُنْدِ وَبَعْدَازَانِ سَجْدَةِ كُنْدِ
وَمُحَسِّنَاتِي سِينَةَ خَوْفِي وَشُكْرِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
أَنْتَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
أَنْتَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي
أَنْتَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ ارْحَمْنِي يَا رَبِّ ارْحَمْنِي



نبی و علیاً و الحسن و الحسین و علیاً و محمداً و جعفر و موسی

و علیاً و محمداً و علیاً و الحسن و محمداً سلام الله علیهم

ایمینی بر ام اولی و من اعدائهم انبترا

بعذران میگردم

اللهم انشدک دم الظالم

اللهم انشدک باوثاق علی فضیلت لا اولیاءک

لنظفرهم بعد ذک و وعدت و هم ان رضی علی محمد

والمحمد و علی السخوفین من ال محمد صلی الله علیه و آله

بعذران میگردم

اللهم انشدک الیوم

بعذران میگردم

یا کفنی حین المذاهب و تضیی علی الارض بما رحبت

ای کاش میبودم در وقت که از راهی که میروی بر من راهی بود و صحت او را



یا ابوی خلیفی رحیمی کان عن خلیتی غنیاً صل علی محمد و آل محمد

و علیاً و محمداً و علیاً و الحسن و محمداً سلام الله علیهم

بعذران میگردم

اللهم انشدک دم الظالم

اللهم انشدک باوثاق علی فضیلت لا اولیاءک

لنظفرهم بعد ذک و وعدت و هم ان رضی علی محمد

والمحمد و علی السخوفین من ال محمد صلی الله علیه و آله

بعذران میگردم

اللهم انشدک الیوم

بعذران میگردم

یا کفنی حین المذاهب و تضیی علی الارض بما رحبت

ای کاش میبودم در وقت که از راهی که میروی بر من راهی بود و صحت او را



در بیان نسبت هر ساعت

بان است پس ساعت اول کمان میان طلوع است تا طلوع آفتاب از کوه
 امیرالمؤمنین علیه السلام است و بعد که گوید ما دعا می آید و در جملة اعمال ازین
 پس هر نیمه قدر یکسبتم دو این مقام آنچه مخصوص باین وقت است پس بگویند
 که ساعت دوم از طلوع آفتاب تا طرف مشرق شدن سرچرخان و این ساعت مخصوص
افعال حسنة علمیه است
 و این ساعت از طلوع آفتاب تا طلوع خورشید در این ساعت از دعا
اللهم باخوان السموات والأرض وما لا اله الا انت سبحانك انى ربنا
 و بعد از این ابرام و التقوی و من لا یحب المظفر اذا دعا و یکن
 و شب بگویند که در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
الستوة باهلک باجنار با واحد با قضا با عین با عفا نامن
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
لا یندیکه الا بصا و هو یندک الا بصا و نامن لا یمسک خشب
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
الانفای و لا یفتخر خوف الا ملاق با کوسم با رذان باه بنید سا
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
من عباده لیسن و یوم لتلاقی کرفت نعمتک علی و صغر و صغیر
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
سکرمی و نام
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
عناک عقی و عظم
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
الستوة و باه لبک فخری استلک با عالم با عین با عین با عین



در بیان نسبت هر ساعت

سری و جگری با من لا یفتخر دسواه علی کشف خرمی ان نصلا علی
 و بعد از این که گویند که در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
مخ و رسولک المختار و جنتک علی الأبرار و التجار و علی اهل
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
الظاهرین الاخبار و انوسل البک بالانوع البطین علما
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
و یا امام الزکی الحسن المفلول سما فقیلا سنسفت هم
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
البک و فدمهم امامی و بین بدمی حواجی ان تردین من لدک
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
علما و هب لکم و یجتر کرمی و تشرح بالنقوی صدری
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
و ترحمی اذا انقطع من الدنیا انی و یوم کرین اذا نسی فیها ذکری
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
برحمتک با
و ساعت سوم
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
امام حسن علیه السلام
اللهم رب الارباب و سبب الاسباب و مالک الرقاب
 در این وقت هر کس که بخواند این دعا را که
و سبب الاسباب



در بیان آداب استغفار و درود

الصالح الكبير واوكل عليك نوكل الحاشع اليه شجر وايف بنايات
 وزمتر من علمه لما كتبه نوكل يكتفه بر زهرا ملك زدن خانه نما او دره وراست هر که او
 ذوق الموقبل العقبير وانزل اليك بالبشر الزبور والسراج النبير
 البته در او اميد و در او حمت هم از دست تو مبرورين بيارت در بندت مرزنده و پراچ روشن
 محمد خاتم النبيين و ابن عمها امير المؤمنين و ابا الامام علي بن الحسين بن
 محمد خاتم النبيين و ابن عمها امير المؤمنين و ابا الامام علي بن الحسين بن
 العابدين و امام الكفيعين الخفي للصدقات و الخاريج و الصلوات و القيات
 عبادت کنندگان در حضور او هرگز کاران بهمان درنده تصدقات و خیر و نیکو در راه او
 انجبهدين في المجاهدات الشاجد زوي الثقات ان نصلي على محمد و آل
 و مقرر کننده در میان او هر چه کند از حد بگذرد و راجع به آنست که در
 محلي فضلا تو شكت هم اليك و قلته من هم اما همي و بين يدي حاججي و ان
 تجزيه با هر تحقیق در صورت نماز و این مورد هم مقدم است بر این بستان بستران جز در این که
 نعصمني و اوعظ معا صيبت و مؤيدني في المواظفة ما رخصيت و تجعلني
 نكاح دارم هر که در حق با مصیبت و اینها همه هم سر ما فضل اگر مرا می کرده است و هر که
 مین تو من يك و يشقيك و يجاهلك و يرحميك و يرافيك و يشحيت به
 لذا هم از آن دارد بروی و بر هر روز از تو
 و ينزع اليك بموالات من تواليك و يجتبت اليك بمعاداني من كل
 دوزخ و درین مورد هر که در حق است میگردد و در خاطر من مگر در روز
 تعاليتك و تجتهد في كذا اليك تعظم نعتك و اباديك بر جعلك يا احمر الكرم
 از هر شکسته با تو و جزای میگذرد و بر هر روز از تو و بر هر روز از تو و بر هر روز از تو

انصار و سليمان
 در بیان آداب استغفار و درود

در بیان آداب استغفار و درود

بين باقن و نقصان و خواصه اوده ام من از او این کتاب ان است که در وقت دادم
 داده ام بران و خدا است
فصل
 و از آنچه من از او است کرده شود و در اول روز تصدق است و هر چه بدست
 هر چند کم باشد هر و با یک گزیده است ثقیلا اسلام در کتابی ان حضرت صادق علیه السلام
 که فرموده که هر چه بر صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ گاه بدید صدقه به کسی
 بلا او دادن بگوید و در او با یک گزیده است نیز در کتابی از آنحضرت علیه السلام که فرمود هیچ
 بدید صدقه بگوید و در وقت کتبش در آن پس نیست مؤمنی که تصدق کند صدقه
 که داده کند انچه در آن خداست چنان است که در آنجا جلاله انا و بسبب
 ان صدق را شانه فرود و میناید و ان روز که از آنجا کرده میشود و در اول روز صح کردن
 کلا است پس در گدایت از اصحاب عصمت سلام الله عليهم وارد شده است
 هر که صح کند خود را بکلاب میبرد و او را نوز احتیاجی و نغزی و آنرا با یک صبح کرده
 و دو دستها وصلوه فرساده شود بر این صلی الله علیه و آله و انچه کرده میشود
 در اول روز و در غالب اوقات سداب چید دست و پوشیدن جامها و روز و غسل
 بر اینست ذکر مینامیم ما حصي انا اب و عاها مای نهان از هر که در این است که مینامید چید
 پس خطبه کرد و اب شناس است که من را و است که گفته شود نزد ان
 اللهم سونني بسبب اهلا المان و تويجني بناسح الكرامه و قل في حبل الاله
 خرد و اینست که در پیش از اهلا المان و تويج که است و در روز من بعد از روز

و لا تخلع رقعته الايمان من تحفه
 و منديل مروج و دو خا بنکر کشند باش و هر گاه مندی یا چید می بود محمد بن
 یمنید بخرد بدست کسی که محبت سفت نوگدا است هر و اب کرده است شیخ
 طایفه در نهذیب بسند من انحضرت صادق علیه السلام که فرمود بدید صدقه
 من تجبت مبکم ان کسی که شرح کند و رطاب خود و خال انکه کرد انست باشد

14

نکاح دارم هر که در حق با مصیبت و اینها همه هم سر ما فضل اگر مرا می کرده است و هر که مین تو من يك و يشقيك و يجاهلك و يرحميك و يرافيك و يشحيت به لذا هم از آن دارد بروی و بر هر روز از تو و ينزع اليك بموالات من تواليك و يجتبت اليك بمعاداني من كل دوزخ و درین مورد هر که در حق است میگردد و در خاطر من مگر در روز تعاليتك و تجتهد في كذا اليك تعظم نعتك و اباديك بر جعلك يا احمر الكرم از هر شکسته با تو و جزای میگذرد و بر هر روز از تو و بر هر روز از تو و بر هر روز از تو

انصار و سليمان

تمامه بپر خلعت خود چگونگی بر مبادی جانها و احوال و توجیهی صفت
بشار است و در پیشانی که صفت است اجماع شعبه و از آن جهت این معانی
که چگونه انکار میکنند از انکار و ایستادند و در کتبها خوانده اند که در آن
علیه و التکره و فرموده است از انقطاع دانه کرده و در آن کتاب است و در کتب
صالح از انقطاع است تمامه است پس میگردد این دعا از آن جهت و در حدیث و تابع
شده است که در پیشانی صلی الله علیه و آله و سلم که در آن است از انقطاع و او امر کرده
شده تمام شد کلام صحیح و در آنجا که بیان تمامه است در پیشانی و در کتب
استحباب بختم تمام است و در جمیع اوقات و خالات مخصوص نیست بختم تمام
و هر چند نماز در آن افضل است و هر گز آن سستی است خواه نماز کرده شود
باشد و نیست سخنی از آن برای نماز چنانچه ظاهر میشود از کلام بعضی از علما و ما
و نه مقدم من و در آنجا که در کتب اصول ما نقل شده است چیزی که در آنست
میگردد بر پیشانی این از برای نماز و بکار آید در آن باب و واضح شده و علم است
و بعضی که در پیشانی کرده است این علامه است که در آن در حق است در منتهی المطلب چون
آورده است احادیثی که در آنست
فرموده و بعضی ظاهر شد که این احادیث استیجاب بختم مطلقاً خواهد بوده باشد و در
تمامه یاد در غیر آنست که تمام کلام او در پیشانی او است که هر گاه بختم کف فرود
آورده نماید و در وقت که استیجاب از آنست که در آنست که در آنست که در آنست
مانند اکثر مستحبات نماز است که از برای غیر خود معنی نماز باشد و در آنست که در آنست
بختم نشسته و در آنست که در آنست
ظاهر است اما لعاب پوشیدن شامه است پس در آنست که در آنست که در آنست
که نقل شده است و در آنست که در آنست
که تمامه فرموده که در آنست
مکن چنانچه در این معنی است و در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست



شده است از حضرت صادق علیه السلام که گفته میشود و از پوشیدن جامه در
اللهم اجعل ثوب محمد و برکت الله من ثوبه
خداوند را بگردان این دعا را که در آنست
عبادتت و العمل بطاعتك الحمد لله الذي رزقني ما أسئله عن عوبي وأحملي
عبودت روح و عمل طاعت تو و حمد و طاعت او و در آنست که در آنست که در آنست که در آنست
در روایت شده است از حضرت ابا عبد الله السلام که گفته میشود و از پوشیدن جامه
اللهم اجعل ثوب محمد و برکت الله من ثوبه
خداوند را بگردان این دعا را که در آنست
و عمل طاعتك و أداء شكر نعمتك الحمد لله الذي كسبني ما أطأ به ه
و عمل طاعت تو و بجا آوردن شکر تو و حمد و طاعت او و در آنست که در آنست که در آنست که در آنست
عوزي وأحملي به في الناس
عورت خوله و درین میگویند در میان مردمان
و در آنست که در آنست
اللهم أسئله عن عوبي وأحملي به في الناس
خداوند را بگردان این دعا را که در آنست
فصبها ولا آلم إلي ذلك وضو لا يصنع ولا كائن في كتابي
برای آنست که در آنست
و سر او را است که پوشیده شود و در آنست که در آنست
و فعل پس باید که بده باشد و حالیکه نشسته باشد و در آنست که در آنست که در آنست که در آنست
و سزا پیش از آنست که فرود آمدن میکند بکار این دعا را که آشنایان باشد
و در آنست که در آنست
اللهم



در بیان احوال و عادات

اللهم صل على محمد وال محمد وولج فديته في الدنيا والاخرة وتبناهم
خداوند رحمت بر محمد و آل محمد و راه بر راه با ما بر روی در دنیا و آخرت و ما بت کردیم

اعل الصراط يوم تزل فيها اقدام
بر راه روز که میزند در آن

بسم الله والحمد لله الذي رزقني ما اوتي به فدمي من لادي
بسم خداوند و حمد بر خداوند که روزی کرد در راه با ما بر روی در دنیا و آخرت

اللهم تبتمنا على صراطك ولا تزلنا عن صراطك السوي
خداوند ما بت بر ما را بر راه صراط خود و مگردان ما را از راه راست

و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام بپوشیدن حوزه سرخ و حضرت زین العابدین علیه السلام که فرمودند که از جهل دست است موزه سبزه و نقل زرد و مکره شده اند از حضرت علیه السلام بپوشیدن نقل سبزه و روایت شده است از حضرت علیه السلام که هر که بپوشد خبز و گوشت بپزند آنرا تا آب بکشد و مانند مالی و در آن حضرت است علیه السلام که هر که بپوشد نقل زرد خواهد بود در روز قیامت او شامی تا کند کند آنرا

فصل

و از آنچه جاری شده است عادت بان و دو شامی بن وقت یعنی میان طاری عادت و زوال اکل و شرب پیرایه ذکر میکنند ما باریه از اذاب آنرا و اذاب انفاقا که در آن شده است از احتیاج به عفت سلام الله علیه بر بپوشیدن که هر گاه بخورد چیزی بخورد پس نشین بر جانب چپ خورد و نشین بر جمع پس مد و سبک آن نشین است که تا خوش همدار از خدا بماند و در سخن سبک کرد صاحب آنرا چنانچه عادت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و هر گاه در آن نشین خود را چنانچه از پیش بگویم (بسم الله والحمد لله رب العالمین) بر نشین کرد روایت شده



در بیان احوال و عادات

ان حضرت صادق علیه السلام که هر روز خواهد که چیزی بخورد هر پانز کند دست خود را بسم الله والحمد لله رب العالمین پس میزد خدا بنام او و ما بت کردیم پس از آنکه برسد نشین او و روایت شده است که احتیاج شمع هر روز که از طعام و روایت شده است نیز احتیاج بان بر هر طرف که نماز باشد که در چند آنجا باشد هر که فراموش کند شمع را هر روز که بپوشد بسم الله علی اوله و آله و سلم روایت کرده است از ائمه اربعین در فقه و از آنجا که روایت شده است که گفته شود

در بیان احوال و عادات

اللهم الذي تطعم ولا تطعمه و تجبر ولا تجبره و لا تجاز عليه و لا تقهر الیه
سپاس خدایا بر هر چه که در طعام و در غیر آن و در دنیا و آخرت و در این دنیا و آخرت
اللهم لك الحمد على ما رزقنا من طعام و ايام في برمتك و عافية من غير
خداوند از تو سپاس که هر چه را روزی کرد و روزی از طعام و ايام و عافیت
که میماند و لا تشبهه بغير الله خیر الامه بسم الله رب الارض و السماء بسم الله
که زلفه و عفتش چه نعم خداوند بر من است فینا خیرا چه بود در زمین و آسمان نام خدا
الذي لا یضرب مع اسمی شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السميع العليم اللهم
هر چه را بر من نام او بر روزی در زمین و در آسمان چه و او است شنوا در روز خداوند

سعدین فی طعامی حبه و اعدت من شره و اذنی من غیره و سلمی من صغری
سخت کجاست که در طعام بر بجز او و چه در روزی در آن و در روزی در آن و در روزی در آن

و سر او راست که بوده باشد اول آنچه بخورد هر روز ناشناخته است بلکه روزی در آن
پس روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که بخورد هر روز ناشناخته است و بگذرد
موز سرخ که بهار نشو و مگر چاری که در آن بهر روز و بشود سینه های خرد و در روز
پیش از طعام و بعد از آن و هر چند بوده باشد چیزی خوردن نویسد است و در روایت
گفته است بر من محمد بن و در فقه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که هر که نشوید
دست خود را پیش از طعام و بعد از آن و در فقه و در فقه و عافیت داده شود که از این



سَفَانِي قَادِرًا نِي وَعَاطِي قَادِرًا صَافِي وَعَافِي وَكَفَانِي

ابن داد خلاص بر کون و نوره و عطف کرد بر غمناک و در اندوه و عافیت کرد در آ
و هَتَانِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُعْتَبِرِينَ فِي الْعَادِي مِنَ حَوْضِ مُحَمَّدٍ

در کوه خاکی در کنار خاکی در آن روز که آب میسر بود در قیامت روز حوض محمد
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُحْيِيهِمْ مِنْ خَيْرِكِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

روایت کرده است در این حدیث در وصفه آن پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود
که هرگاه زوال آفتاب بشود شکسته و بشود در حائل آفتاب و در کوه های بلند
و صحرا بشود دعا بشود خوشحال که هرگز برده شود برای او عمل صالحی و در آن
کرده است نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که آفتاب بر آن زوال حلقه ایست
که داخل میشود در آن که بر هرگاه داخل شد در آن داخل میشود آفتاب که بر شمع
میگردد هر چه پانی بر آن است که بر هر چه در کمال من عزیز و جل و این شمع است
که صلاوات می رسد بر من بدان که هر چه در کمال من جل جلاله می فرزند کرده است
یعنی در آیت من در آن نماز داخل شود و فرموده است عز اسمع
أَقْرَبُ الصَّلَاةِ لِلذَّكَوَالِ الشَّمْسُ لِللَّيْلِ
یعنی باری ما زمانه از زوال آفتاب تا نصف شب و الله تعالی بعد از ساعت
که میآوردند در آن جهت دارد روز قیامت که پس نبی سینه که موافق آنگاه باشد
این ساعت را که سبک بوده باشد از سجده کنند که آواز کعبه کنند با این نامه
مگر آنکه حرام گرداند خداوند شایسته و تعالی در آن آواز را بشنود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و ناله کند حضرت اما حسین
علیه السلام و لعن کذب کینه
او را هفتاد و یک بار بخدا
او صد هزار حسنه و سواد طیبین
از او هزار گناه و بلند میکند

در بیان آنکه در میان آنان

او صد هزار درجه و منزلت از آن است که از آن کرده باشد صد هزار بند در راه

در آنچه کرده میشود که مانند زوال آفتاب و غروب و زوال آفتاب مصلحت است

و چند فصل
در بیان آنکه در میان آنان

روایت کرده است در این حدیث در وصفه آن پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود
که هرگاه زوال آفتاب بشود شکسته و بشود در حائل آفتاب و در کوه های بلند
و صحرا بشود دعا بشود خوشحال که هرگز برده شود برای او عمل صالحی و در آن
کرده است نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که آفتاب بر آن زوال حلقه ایست
که داخل میشود در آن که بر هرگاه داخل شد در آن داخل میشود آفتاب که بر شمع
میگردد هر چه پانی بر آن است که بر هر چه در کمال من عزیز و جل و این شمع است
که صلاوات می رسد بر من بدان که هر چه در کمال من جل جلاله می فرزند کرده است
یعنی در آیت من در آن نماز داخل شود و فرموده است عز اسمع

أَقْرَبُ الصَّلَاةِ لِلذَّكَوَالِ الشَّمْسُ لِللَّيْلِ

یعنی باری ما زمانه از زوال آفتاب تا نصف شب و الله تعالی بعد از ساعت
که میآوردند در آن جهت دارد روز قیامت که پس نبی سینه که موافق آنگاه باشد
این ساعت را که سبک بوده باشد از سجده کنند که آواز کعبه کنند با این نامه
مگر آنکه حرام گرداند خداوند شایسته و تعالی در آن آواز را بشنود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سئوال است که بر خاستن بسوی نماز در اول وقت آن خواه نماز واجب باشد
یا سنت که اگر استنشاده که پس بدرستی که فضیلت اول وقت با حقان
مثل فضیلت آخرت بر آن است چنانچه روایت شده است از حضرت صادق
که اول وقت خوشتر است از نماز است و آخر آن عفو خدا و ظاهر آن است که این



فضیلت در بیان میشود مشغول شدن در اول وقت بعد نماز است
طهارت و سستی و دینی چنانکه گفته شد شیخ فاضل شریف رحمه الله
و عوف بنست و در بیان آن بر داخل شدن در نماز در اول وقت و بعد از آن
در بعضی روایات مذکور شده که ظاهر خلاف این است چنانچه روایت
شده از ائمه علیهم السلام که در وقت و نظیم بگردانند نماز را کسیکه تا آخر که در نماز
طهارت و داخل شود وقت نماز بر تمام نماز من از برای آن است که نماز
باشد بر آن و در وقت نماز در حال نماز و در عمل آنچه روایت کرده است تقملاً است
در کتاب استخوان حضرت صادق علیه السلام که هر کس پیش از نماز
خواهد بود از برای آن که در هر چند نبوی باشد حدیث است چنانچه در سید است
با در بیان ضرورت نماز چنان دلالت میکند مگر آنکه در زمان درامد
طهارت میان اول وقت و دوم زمانی نوشته است چنانکه در کتاب فضیلت
و نسبت به آن که در امری دیگر است غیر از نماز پس بدین و نماز است
انضا کشیدن نماز و مشرف شدن بسوی وقت آن چنانکه روایت شده که پیغمبر
صلی الله علیه و آله انضا کشیدن داخل شدن وقت نماز و میفرمودند

در بیان فضیلت اول

یعنی داخل نماز بر ما ای اول با علم کردن داخل شدن وقت چنانچه فرمود
صلی الله علیه و آله در چشم من در نماز است و اول دعای شروع کردن
شاه است در زمان بعد از گذشتن از احادیث شدن آن بعد از طرف شدن
چون بدینکه هر چند زیاد میشود در وقت انقباض زیاد میشود که در وقت شاه
تا اینکه هرگاه بیست و پنج غایت بلند آن است و در آن روز هر چه در شاه با خبر
گردد آن است در آن روز با لکبه بر طرف میشود و این زمان در وقت انقباض
باز در نصف النهار یعنی عین صاف و مغرب و معلوم است که در اوقات
نسبت میان آن اقالیم مختلف است پس نسبت میان آن بعضی اقالیم میباشد و در وقت

وقت نماز
حاله روحی
و اضطرار
از برای
تعمیر
در حدیث
که از تمام
امور
و در تمام
نعمت
سوی

زوال

زوال در طرف جنوب از سمت الراس ایشان و نسبت بعضی در طرف شمال
و نسبت بعضی قبل از ایشان میباشد پس در آن موضع اول بر طرف نمیشود و سایر
در نصف روز بلکه میماند در این وقت و در آن زمانهای که تاویان بقیه از سایر
کشیده شده بر طرف شمال با جنوب و در این دو حال شروع نماید در زمان اول
وقت زوال است و در وضع نیم بر طرف میشود و سایر با لکبه و اول ظاهر است
آن اول زوال است و سایر شاخصه این از زوال ظل میگویند و بعد از
قیام گویند چنانچه در بعضی روایات آمده است و سایر بعد از زوال رجوع میکنند بدین
بعد از یک داشت پیش از زوال و یکشد وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا آنکه
بگذرد و نسبت سایر که خادرت میشود و بعد از زوال نماز و سایر وقت فضیلت
عصر است که در وقت و در برابر شاخصه است برای آنکه هر کس در وقت مراب
از طرف ظهر و عصر از اول وقت آن بعد از یک بگذرد در آن نافرمانی و کسب
ناقله بگذرد پس بر او نیست از برای آن که از اول وقت فضیلت و مشهور
این است که وقت نافرمانی و از آن صلوة اوابین میگویند از زوال است تا بگذرد
قیام مقدم یعنی بعد از دو وسیع شاخصه چنانچه غالب این است که قناعت هر شخصی بعد
هفت قدم است مقدم خودش و وقت نافرمانی و از آنجا که در آن اوقات
شدن از ظهر است چنانکه در وقت چنان قدم و بعضی از علمای ما را اند که یکشد
وقت این نافرمانی یکشدن وقت فضیلت فریضه آنها پس ظاهر است که این یکشد
قیام شاخصه و نافرمانی است که در دو برابر آن و این قول در روایت است
و در روایات معتبره دلالت بر آن است بلکه در بعضی احادیث واقع شده آنچه دلالت
میکند ظاهر که بر این زیاد از آن نوشته است چنانکه روایت کرده است شیخ
و در حدیث است که در وقت صاف و مغرب و معلوم است که در وقت نماز سنت منزل
همه است هرگاه آورده شود آن قبول کرده میشود پس مقدم ما در هر چه
خواهی و در وقت و هر چه در وقت و در وقت کسی از علمای ما و اگر در وقت

ع

باشد

در بیان علم بوقوع این نمودن

باشد از آنچه مستفاد میشود و از اطلاق این روایت از نوسعد در مقدمه و یا قبل
 و گویند بر او است و باین خبر نضا و الله اعلم و مشهور میباشد علی و یا
 قدر الله انما هم ایست که جانش نیست اعتماد برین باطل شدن وقت
 مگر با عدم فدیوت بر تحصیل علم باین جهت بدان که بیک عادل و نیر از آن
 و هر چند مؤذن عادل باشد مگر با علم باین ظاهر کلام محقق در معتبر این است
 که جانش است اعتماد بر آن بیک عادل اما خبر و عادل با اذان ایشان ظاهر جزا است
 بدان است که هر چند نادر باشد علم زیرا که علم شرعی حاصل است بان و سزاوار است
 از هر کس که اعتماد داشته باشد نشان فاعل و او اهم است و باقی فضل اول وقت
 است که آماده کرده باشد در محقق خاتمه باین روی نام جوید و است که غضب
 کرده باشد در مکان هواری و یا با بیکان دانست غضب شده باشد مگر بگو
 هر طرف مکتب بگوید باشد و هفت حضمه باین هرگاه بر سنگ شاه بنام است
 نقصان آن خواهد بود در دنیا و در حادثه شد آن پس شروع کند در نافله
 ظهر اگر کسی کوفتین داده است خدای تعالی او را بجزای سعادت باقی بجا آورد
 فاعل بجا و ادای ظهر و اول وقت آن که هر دم است از آن سعادت و
 شخص کند ف و باین هرگاه بگوید در دو سبوع شاحض امتلان بنا بر خلافت
 مشخص شود برای نافله کند از بیرون رفتن و فقط ظاهر بر بیکر اگر در این وقت
 هنوز فقام نکرده باشد بیکر که از آن ناله دهد نافله را و مشغول شود
 بفریضه و اگر فقام کرده باشد بیکر که از او غایب است باین میشود که فایع شده باشد
 از ذکر سجده و قم و هر چند بر نداشتن باشد سزادان پس مقدم دارد آن هفت
 رکعت بر فریضه و ظاهر بر آن است که شروع کند باقی سنده در این هنگام ادا است
 زیرا که آن هفت رکعت و در سبک بکنان است بعد از آن بیکر اگر در نماز ظهر یا
 و تخفیف میکند صاحب را بعد از آن پس اگر نرسیده باشد بجهت شایع یا
 بر این است آنچه کند است از خلاف پس شروع میکند در نافله عصر اگر رسیده باشد



در بیان علم بوقوع این نمودن

بان معلوم میشود بیرون رفتن و نشان بخواهد بود حال آن که در آن وقت
 بر فریضه است حال نافله ظهر چنانکه کند شد و بخواهد مذکور شد در غیر دو سبوع
 و دو سبوع زبانه میشود برین دو هشت رکعت چهار رکعت دیگر و میگردد
 از این بیست رکعت هر دو پیش از زوال در حال بیکر است حصه کرده باشد از آن
 ثلث از آن بیست رکعت باشد و در وقت بن شدن آفتاب بگویند و بگوید در وقت
 بلند شدن آن بگویند و بگوید در وقت راست ایشان آن و میگردد و در وقت باقی است
فصل
 آنچه بجا می آید بعد از شستن زوال اینست که بخوابی آنچه روایت کرده است
 در شهر محدثین در نوبت که حضرت بنا فرمایند السلام و بطلب کرده است از آنجا
 و فرموده است یا که محافظ کن بر این چنانکه محافظت مینماید بر این و آن
سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَوَلَّمَ اللَّهُ الْحَمْدَ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ كُفُوًا شَيْئًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ لَهُ الْأُنْثَىٰ وَالذَّكَرُ كُلُّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ لَا يُدْرِكُهُ الْبَصَرُ وَلَا يَحْصِيهِ الْحِسَابُ
لَهُ الشَّرْفُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 بعد از آن نشاء بشوی وضو بعد از آن شروع میکنی در نافله زوال پس بگو
 دو رکعت اول و دوم بگو آن هفت تکبیر را و نماز غایب نماز بخواب که کند در آن
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بعد از آن بگو **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** و بعد از آن نافله در رکعت اول
 بگوید و در رکعت دوم سور حمد بچنانکه روایت کرده است ثلث اسیلام
 در کافی پس در صلوات بعد از آن سلام میدهی و میکنی آن سه تکبیر و اگر بعد از نماز
 سست است و پیش حرف زهر - **اللَّهُمَّ أَنْتَ صَبَّحْتَ فَهَوَىٰ فِي رِضَاكَ ضَعْفَىٰ وَخَذَلِي الْكَبِيرُ يَا صَبَّحْتَ فِي جِلِّ**
خَدَاتِكَ يَا سُبْحَانَ مَنْ سُبْحَانَ مَنْ



و در این
 شخص زود است که
 همه مآذون را بخواهد
 در وقت شستن آن
 که در هر روز
 و در آن
 مقام ذکر شده
 مثل دعای ندبه
 اوست و مستغاثا
 است که مستغاثا
 امام
 غرض علی الله
 فرموده باشد و تمام
 آن دعاها و زیارات
 در کتاب است
 مختصر این است
 هر که بخواند
 برحمتی آن کتاب



در بیان جایز و روز قیامت

ایمان شست ز صفا و با او نشانی و باطنی و حکمت کل الذی بج

ان منتهای رسالت و حجت و برکت در هر مرتبه که در هر مرتبه در هر مرتبه

عبدالمان مسکینان و ... و در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه

که در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه

عَلَيْهِ وَاللَّهُ الرَّحِيمُ وَالْوَسِيلَةُ وَالْفَضْلُ وَالْقَبِيلَةُ بِاللَّهِ اسْتَجِبْ

وَاللَّهُ اسْتَجِبْ وَيَجْمَعُ صَلَاتَهُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ اسْتَجِبْ لَكُمْ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَأَلِّمْنِي وَأَجْعَلْنِي فِي سَائِرِ الْأَشْيَاءِ وَالْأَخْرَجْنِي مِنَ الْغَيْرِ

وَاللَّهُ اسْتَجِبْ وَيَجْمَعُ صَلَاتَهُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ اسْتَجِبْ لَكُمْ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ

در بیان شکر و سپاس

یا ایچره شکر افغانا باشد در طول چنانچه در اول ذکرها است شکر طافه و سپاس

ان حضرت صادق علیه السلام ... و در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه

چنانکه در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه که در هر مرتبه

یا ایچره شکر افغانا باشد در طول چنانچه در اول ذکرها است شکر طافه و سپاس

یا ایچره شکر افغانا باشد در طول چنانچه در اول ذکرها است شکر طافه و سپاس

یا ایچره شکر افغانا باشد در طول چنانچه در اول ذکرها است شکر طافه و سپاس

یا ایچره شکر افغانا باشد در طول چنانچه در اول ذکرها است شکر طافه و سپاس



در بیان تعصبات و ظواهر آنست

الحسن و علی و محمد و جعفر
 و حسین و علی و محمد و جعفر
 و موسی و علی و محمد و علی
 و الحسن و محمد صاحب الزمان
 و حسن و محمد صاحب الزمان
 سلام الله علیهم اجمعین
 در دو ضرافه بر آن بود

ان نضی علی محمد و آل محمد وان تکف کرب و تقف ربی
 بنده محمد بن محمد و آل محمد و ایضا بر طرف من اندوه را و بیرون
 و تقف من
 و تقف من و تقف من و تقف من و تقف من و تقف من و تقف من
 مذخلی الخبیث و لا تشو خلفی بالتار و لا تفعل فی ما اهلک
 و اخبر من در سنت و زیست کردن و تزیین و تکرار و تکرار و تکرار

و تحبک با اوصی الزاجین
 و تحبک با اوصی الزاجین
 با سابع کل صوتی بالجامع کل
 و تحبک با اوصی الزاجین
 و تحبک با اوصی الزاجین
 و تحبک با اوصی الزاجین
 و تحبک با اوصی الزاجین

در بیان تعصبات و ظواهر آنست

الشامه بالاله الاصله
 بزرگان از خطا عبادت کرده اند
 با حجاب الباریه با مالک الدنيا
 از هر کسند منکر آن از باریه آریا
 و الاخره باریه الا دیاب با مالک
 در حضرت اس بر در درگاه هر در درگاه از آن
 ملوک با طاش د البطش الشد
 از آن که از خطا عبادت کرده اند

بامیدی بامعبد با قفا لا یما برید با محضی عدا یا لافاسر و فعل الا
 از جمله کسند از هر کسند
 من الشتر عنده و عا لیبه استلک بحی خیر تک من خلفک و بحیهم
 از کسند از هر کسند
 ان بی و حبت کله علی نفوسک ان نضی علی محمد و اهل بینه و ان نضی
 و دلج کرده بر آن که بر نفس و ایضا بر نفس و ایضا بر نفس و ایضا بر نفس

علی الشاعه بیکال و قستی
 بر من در این است کلاض کون الا
 من التار و ان نجر لولیک
 از آن که در این است کلاض کون الا
 کون بیکال الداعی الیک با نیک
 در این است کلاض کون الا
 و امینک فی ارضک و عینک
 در این است کلاض کون الا
 فی عینک و عینک و عینک
 در این است کلاض کون الا



فما خلقتك عليهما صلووات
بر خلق تو که بر او برکتها را بر
و بر کانت وعده اللهم
در کتابت تو که وعده ما را که خداوند است
ابنه بقرک وانصر عبدك
نقودت ما او را بقرک و در بار حق
و قوا صوابه و صبر هم
و قوت ده به ما و صبر ده ان ظم
و جعل ضم من لذنک مظا
در بر دهن از باران که از زود خود سلطان
نضیباً و نخل فرجه و مکنة
نفت و نفا و بجز راحت او و ممکن
من اعدائك و اعداء و ذرک
او را در باران که در دهن خود و نمنان بجز
بنا از حمة الرحمن
در ارحم کس که تو بر رحمت کندگان
بجند از ان مشکوفی
اللهم رب السموات
خداوند آسمانها و در کتابت الهام
السبع و رب الارضین
هفت گانه و در درگاه زمینها
السبع و ما فیهن و ما هن
در هفت گانه و آنچه در آنهاست از اجرام



بنین و ما فیهن و رب الارض
در در میان ارباب و در زمینهاست که در کتابت
العظیم و رب جبرئیل و میکائیل
در بزرگترین و در درگاه جبرئیل و میکائیل
و اسرائیل و رب السبع المثانی
در درگاه اسرائیل و در درگاه سورهها
و القرآن العظیم و رب محمد
در درگاه قرآن عظیم و در درگاه محمد
خاتم النبیین صل علی محمد و آل
در خاتم ان پیغمبران است که در کتابت
محمدی و استنکت باسفات الامم
در درگاه رسولان است که از بین اسماء
الذی بی یه نفوس السموات و الارض
در کتابت بر باران است که از باران
و رب حی الوفی و رب ذناب الجن
در باران زنده میگردانند و در درگاه جن
و فرقان بین البین و جمیع بین
در درگاه فرقان است که از بین
و ما حصبت عددا لاجال
در باران شمرده عدد تمام احیاناً
و وزن الجبال و کسل البحار
در درگاه کسل کوهها و کسل دریاها
استنکت نامی که در کتابت
در درگاه استنکت است که از کتابت



در بیان عقبت

ان نصل على عممي وال محمد وان فعل في كذا او كذا
عبدان سوال ميكنن خليفت خود را بعد از ان ميگند ميكني دو سجده شكري
و ميكني در آنها بعد از آنها ميگندش و در باب اولي

فصل في كذا

بعد از ان ميكني فارغ شدي **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين
ميكني صحت دو ركعت اول **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين
در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني
و ميخوابي در ناله ميخوابي در ناله ميخوابي در ناله ميخوابي
سوره يا سيدي عظيم و يا سيدي عظيم و يا سيدي عظيم
از انجا **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين
باز عليه السلام **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين
خدا بشارت او داد و كشتف نام او را ميگويد و پيغمبران را ميگويد
عليه السلام **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين
خود ميخواهد كه خدا بشارت او داد و كشتف نام او را ميگويد
گند او را حساب اندازد **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين
للمرود و نمازهاي واجب و مستحب و پراگندن از جمله ايمان خدا بشارت او داد
و هر كس در ان ميخوابد ان ايمان او را انكسر ميگردد و بعد از ان ناله ميگردد
فصل در بيان عقبت است بنا بر اين **فصل** در بيان عقبت است بنا بر اين

اللهم اني لا اله الا انت الاله العظيم العظيم الكريم

خداوند بزرگوار است كه خدا بشارت او داد و كشتف نام او را ميگويد
الحال الرازق المحي المنيب البديع لك الحمد ولت الملك
از اين رو كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

در بيان عقبت

ولت الكرم ولت الجود ولت الامر وحداك لا شريك لك با واحد ما احد يا
خداوند بزرگوار است كه خدا بشارت او داد و كشتف نام او را ميگويد
يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد و كذا صاحب اولادك
از اين رو كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

صلى الله على محمد وآله واهل بيته كذا وكذا

رحمت بفرست بر محمد و آل او كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

و بعد از ان ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

اللهم اني ادعوك بما دعاك به عبدك يومئذ ان ذهاب مغاضبا فظن

خداوند بزرگوار است كه خدا بشارت او داد و كشتف نام او را ميگويد

ان تقدر علي قنادوني في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت

از اين رو كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

من الظالمين فاستجبت له ونجيتني من الغم وكذا لك نبي المؤمنين فانه

از اين رو كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

دعاك وهو عبدك وانا استسئلك ان تصلي علي محمد وآل محمد وان شجيت

خداوند بزرگوار است كه خدا بشارت او داد و كشتف نام او را ميگويد

لي كما استجبت له وادعوك بما دعاك به عبدك يومئذ ان ذهاب مغاضبا فظن

از اين رو كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

ان مسي الضوائت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشف ما بين

از اين رو كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني

من صبر والبنه اهلكه ومثلهم معهم فانه دعاك وهو عبدك

از اين رو كه در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني در سجده ناله ميكني



در تطهیر باطن و اعراض اربعه

وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُعِزَّنِي بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي

وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُعِزَّنِي بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي

وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُعِزَّنِي بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي

در تطهیر باطن و اعراض اربعه



در بیان بعضی اعمال عبادت

سَمِعْنَا مِنْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْبُدَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي

در بیان بعضی اعمال عبادت



اللهم

در بیان تعجب حضرت محمد و اهل بیت

اللهم اني وتحت وطئ اليك وافلت بدعائي عليك راجيا انا
طامعا في مغفرتك طالبا لئلا اوتيت به علي نفسيك مستغنيا او عدك
ان تقول ادعوني استجب لكم فصل علي محمد وال محمد
اني بوحيك وارحمي واسجب علي بالاله العالمين

فصل

بعضی که گذشت که در بعضی مباحث می باشد و از ده ساعت و هر يك از آنها
منسوب است بيكي از ائمه اشقي شرام الله عليهم و از بي بي هر يك اذ آنها دعا
كه مخصوص بان است و بعضين كه خدا كره و دعاهاى چهار ساعت و كه منسوب است
بچهار امام عليهم و مخصوص در بان مقام چهار ساعت نيم پس از دعا اذتاب است

و هر يك از آنها دعا است
در خصوص ما و عبيدك اللهم
و اولادك و عبيدك و عبيدك
و اولادك و عبيدك و عبيدك

اللهم انت الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم لا اخذه سنة
ولا نوم هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو
الرحمن الرحيم هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شئ
عليم

در بیان تعجب حضرت محمد و اهل بیت

علم فان الاضباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حشبا
ذالك نقدي العزيز العلم يا غالبا غير معلوم وباشاهدا لا يحيب
يا اقر بياحيدي ذلكم الله وبغيا لا اله الا هو عليه توكلت واليه
الرجوع
بيد ان ذلك اليك نذلك الطالبين واخصع بين يديك
خصوع الراغبين واسئلك سؤال القهار المسكين وادعوك
تضرعا وخبيا انك لا تحب المعتدين وادعوك خرافا وحرمانا
ان رحمتك قريب من الحسين وانوسل اليك بغيرك وصنفوك
من العالمين الذي جاء بالصدق واصدق المرسلين محمد عبديك
و رسولك النذير المبين وبو لبيك وعبيدك علي بن ابي طالب

و هر يك از آنها دعا است
در خصوص ما و عبيدك اللهم
و اولادك و عبيدك و عبيدك
و اولادك و عبيدك و عبيدك

و هر يك از آنها دعا است
در خصوص ما و عبيدك اللهم
و اولادك و عبيدك و عبيدك
و اولادك و عبيدك و عبيدك

الْبِغَامِ وَيَبِينُ بَدَى حَوَائِجِي أَنْ تَرْعَى شُكْرِي مَا أَوْلَيْتَنِي مِنْ نِعْمَتِكَ وَتَجْعَلَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
لِي عَزَابًا وَخَوْفًا مِنْ كُلِّ كَرِيهٍ وَتُرْفِي فِي حَبْتِ أَحْسِبُ مِنْ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
حَبْتِ أَحْسِبُ وَيُسِّرْ لِي مِنْ فَضْلِكَ مَا تُعْتَبِي بِهِ عَنْ كُلِّ مَطْلَبٍ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
وَأَفْرِغْ فِي قَلْبِي رِجَاكَ وَأَطْعِ رِجَايَ مِنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُو
وَهَيِّجْ دَوْلَ مَرَاتِي سِرِّي وَارْتَوِ بِمَوْجِ الْوَقْرِ يَا أَيْتَنِي أَمِينِي
الْآيَاتِ أَنْتَ حَسْبُ الدَّاعِي إِذَا دَعَاكَ وَتَغْنِي الْمَلْهُوفَ إِذَا نَادَاكَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ



وَتُفِئُ الْعِزَّةَ لَكَ الْعِزَّةُ وَالْعُدَّةَ لِأَعْرَابِكَ عَنْكَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
وَتُفِئُ الْعِزَّةَ لَكَ الْعِزَّةُ وَالْعُدَّةَ لِأَعْرَابِكَ عَنْكَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
مُتَقَالِ نَدْوَا تَوْسَلُ إِلَيْكَ يَا نَبِيَّ الْأُمِّيِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْعَرَبِيِّ لَكِنِّي الْمَدِينِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
لِغَاثِي الَّذِي خَرَجْتَابِي مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَا مَبْرَأُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى نَبِيِّ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
أَسْئَلُكَ بِعَلْبَتِكَ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ الَّذِي تَخْتَلِكُ بِهِ الْأَيْدِي الْعُدُودَ
يَا طَالِبُ الْعِلْمِ يَا رَجُلَ رَحْمَتٍ وَدُرُودِ الْبُحْرَانِ يَا رَجُلَ رَحْمَتٍ وَدُرُودِ الْبُحْرَانِ
يَا إِمَامَ جَبْرِئِيلَ مُحَمَّدِ الضَّادِ فِي عِلْمِكَ السَّلَامَ فِي الْأَخْبَارِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا كُنْتُمْ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ



أَسْأَلُكَ الْفَاصِلِينَ وَالْأَحْمَدَ الْكَلِيمِينَ وَالرَّحْمَةَ الرَّحِيمِينَ
وَأَسْأَلُكَ هَفْمًا بِيْرًا وَفَهْمًا ظَهْرًا سَبَّحْتَ بِأَلْسِنَتِنَا مَعْقِدًا جَهَادًا وَكَلِمًا بَدَلًا وَغَيْرَ ذَلِكَ

وَرَبِّكَ اسْتَعِذْ بِرَبِّكَ

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَرْجُوعُ إِذَا انْتَهَى الْأَمْرُ وَأَنْتَ الْمَدْعُوُّ إِذَا مَسَّ الضَّرُّ

وَمُحِبُّ الْمَكْحُوفِ الْمُضْطَرِّ وَالْبُرِّ مِنَ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْحَيِّ وَمَنْ لَدَ الْخَلْقِ

وَالْأَمْرِ وَالْعَالِمِ بِسَائِرِ الصُّدُورِ وَالْمَطَّلِعِ عَلَى خَيْتِ السَّرِّ يَا غَايَةَ كُلِّ

خَوْفٍ وَمَنْهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مَنْ لَهُ الْخُدْفَى الْآخِرَةُ وَالْأُولَى يَا مَنْ

تَخَلَّقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا خَلَقَ الثَّرَى وَإِنْ خَشِيَ بِالْعَالَمِ

فَأَنْدَعَا السِّرَّ وَأَخْفَى اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْأَسْمَاءُ الْمُسَوِّمَاتُ اسْتَلَّتْ

بِحُضْرَتِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ وَالْحَيَاةُ وَالْمَيِّتُ وَالْمَوْلُودُ وَالْمَمَاتُ وَالْمَمَاتُ وَالْمَمَاتُ وَالْمَمَاتُ



عَلَيْكَ يَا طَائِبَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ الَّذِي جَعَلْتَ وَلَا إِلَهَ مَعَهُ

مَعَ وَلَا إِلَهَ مَعَهُ وَحَبِيبَهُ مَعْرُوفًا وَأَوْصِيَاءَكَ وَتَحَنُّنِكَ وَيَا أَلِيَّامَ الْكَاطِمِينَ

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تُفَرِّغَ لِعِبَادِكَ

وَتُخَلِّبَ لِعِبَادِكَ فَاجِبْتَ دَعْوَتَهُ أَنْ تُضِلَّ عَلَى عَهْدِكَ وَالرِّسَالَةَ لِقَضَى

بِطَاعَتِكَ وَأَجِبْتَ حَقْوَتَهُمْ وَفَضَّلْتَهُمْ وَأَنْتَ سَلِّبُكَ

وَأَسْتَدْفِعُ بِهِمْ كَلْبَهُمْ وَقَدْ فَدَيْتَهُمْ أَمَا جِي وَبَيْنَ يَدَيْ جَوَائِجِي

أَجْرِي عَلَى جَمِيلِ عَوَائِدِكَ وَتَحَنُّنِي جَزِيلِ تَوَائِدِكَ وَأَخَذَ بِسَمْعِي وَبَصْرِي

وَعَلَى نَبِيٍّ وَمِرِّي وَنَاصِيئِي وَقَلْبِي وَعَنْ نَبِيٍّ وَكَلِمِي إِلَى مَا نَعَيْتَنِي بِهِ عَلَى

هُوَ أَلَّتْ وَكَلِمِي مِنْ سَائِلَاتِ رِضَاكَ وَتَوْجِيبِي تَوَافِلِ فَضْلِكَ وَتَسْتَدْفِعُ

لِي مِنْ مَنَاجِي طَوْلِكَ بِأَرْحَمِ الرَّحِيمِينَ

أَفَاطَلَعَتْ شَمْسُكَ لِي إِذْ كُنْتُ شَيْخًا جَاهِدًا لَعَلَّكَ اسْتَفْتَيْتَنِي بِشَرِّ عَصْرِي

وَأَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ



ان الله قد استجاب لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في كل ما دعا اليه من الخير والبر

الارحام وما نزل داد وكل شئ عنده بمقدار اذ انفاحم امر طرح عليه
 واما جوي وبن بدى حواججى وان نعصمى من التعرض لوائف سخطك وتنفذ
 واذ اعلقت الابواب فزع باب فضلك واذا اضافت الحاجات فزع
 الى سعة طولك وانما لقطع الامل من الخلق انصل بك واذا وقع اليك
 من الناس وفقت الرجاء عليك استلكت حجن النبي الابواب الذي
 انزلت عليه الكتاب ونصرت على الاخراب وهدت بنايه الى دار السلام
 ويا امير المؤمنين علي بن ابي طالب الكريم المصاب المتصدق الحيا
 في الحرب والايام الفاضل محمد بن علي عليه السلام الذي سئل توفيقه
 في الحرب والايام الفاضل محمد بن علي عليه السلام الذي سئل توفيقه

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في كل ما دعا اليه من الخير والبر

فصعدت بالتمني والصواب صل الله عليه وعلى اهل بيته
 الاطهار وان جعلوا الايام عصمة من النار وعجزة الى اقدار القرار
 وقد نزلت عليك من السماء كتابا فيه آيات مبينات وقرآنا عربيا لا تجد في القرآن
 من قبله الا حكاية ما كان عليه اولو الامم من قبلهم لعلهم يتقون

فقد نزلت عليك من السماء كتابا فيه آيات مبينات وقرآنا عربيا لا تجد في القرآن
 من قبله الا حكاية ما كان عليه اولو الامم من قبلهم لعلهم يتقون

ان الله قد استجاب لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في كل ما دعا اليه من الخير والبر

ان الله قد استجاب لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في كل ما دعا اليه من الخير والبر
 واما جوي وبن بدى حواججى وان نعصمى من التعرض لوائف سخطك وتنفذ
 واذ اعلقت الابواب فزع باب فضلك واذا اضافت الحاجات فزع
 الى سعة طولك وانما لقطع الامل من الخلق انصل بك واذا وقع اليك
 من الناس وفقت الرجاء عليك استلكت حجن النبي الابواب الذي
 انزلت عليه الكتاب ونصرت على الاخراب وهدت بنايه الى دار السلام
 ويا امير المؤمنين علي بن ابي طالب الكريم المصاب المتصدق الحيا
 في الحرب والايام الفاضل محمد بن علي عليه السلام الذي سئل توفيقه
 في الحرب والايام الفاضل محمد بن علي عليه السلام الذي سئل توفيقه

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في كل ما دعا اليه من الخير والبر

فصعدت بالتمني والصواب صل الله عليه وعلى اهل بيته
 الاطهار وان جعلوا الايام عصمة من النار وعجزة الى اقدار القرار
 وقد نزلت عليك من السماء كتابا فيه آيات مبينات وقرآنا عربيا لا تجد في القرآن
 من قبله الا حكاية ما كان عليه اولو الامم من قبلهم لعلهم يتقون

فقد نزلت عليك من السماء كتابا فيه آيات مبينات وقرآنا عربيا لا تجد في القرآن
 من قبله الا حكاية ما كان عليه اولو الامم من قبلهم لعلهم يتقون

128

والمؤمنين الذين آمنوا وهم يقاتلون في سبيل الله والرسول انهم هم الصادقون

عليه

درد روزگار

عَلَيْهِ وَصَدَقَ وَيَا إِمَامَ الدِّينِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي لَبَسَهُ جِلْدُ
 بَرَادٍ وَصَدَّقَ لَوَدِدْتُ وَأَنَا فِيكَ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكَلْبَاءُ كَرِهْتُ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا مَرَّةً
 وَأَرْتَمَهُمْ فِي جَبِّ الْأَذْيَانِ قَوْلَهُ يَا بِي الدَّعَاؤُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ
 دُعَاؤُ الرَّبِّ عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَأَيْتُهُ فِي رُؤْيَايَ دَرَّةً اِبْدُوعِيَّةً بِلِسَانِ مَنْ عَزَمَ عَلَيْهِ دَعَاؤُ
 فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِنَّ إِلَيْكَ وَفَدَّهِنَّ أَمَامِي بِرَبِّي حَوْلِي قَانَ جَعَلْتَنِي
 بِرُبِّكَ مَشْفُوعًا مِنْهُنَّ يَا بَارِيكَ
 مِنْ كُفَيْتِكَ فِي حُرُوفِ حَرْفِي وَمِنْ كَلَامِكَ تَحْتِ عَرَبِيٍّ وَمِنْ لَوْ عَنَى شُكْرُ الْبَلَاءِ
 إِذْ كُنْتُ تَوَدُّرُهَا عَمَلٌ وَالْإِنْفَاءُ بِالْحَدِّ وَالْمَرْحُومَةُ عَزِيمَةُ حَزْرٍ وَوَدُّدٌ مِنْ النَّوَارِ الْفِي السَّائِغَاتِ
 يَا مُسْتَبِينَهُ بِالْحَرْفِ يَا بَابِيكَ وَنِعَمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 يَا كَرِيمًا يَا ذِي الْقُرْبَىٰ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ

فصل

أَمَا عَسَىٰ أَن يَدْعُهُمْ **دُعَاؤُكَ** وَيُذِيكَ فَيُنَابِئُكَ تَأْذِينًا يَا وَجْهَ الْمَشْرِيقِ
 عِنْدَ كَرَمِيِّكَ **عَلَيْهِ السَّلَامُ**
وَدُعَاؤُهُ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ مَنْزِلُ الْقُرْآنِ وَخَالِقُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَجَاعِلُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ
 خَارِقًا بِرِسْمِكَ تَوَدُّ ذَمًّا وَثَنًا وَتُفَارِقُ الْبَاطِلَ وَيُفَارِقُ الْبَاطِلَ وَيُفَارِقُ الْبَاطِلَ وَيُفَارِقُ الْبَاطِلَ
 مُجْتَبِينَ لِلْبَشَرِ بِالطَّوْلِ وَالْإِيمَانِ وَالْمَبْدِي لِفَضْلِكَ وَالْإِحْسَانِ
 بِحَبِيبِكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ
 وَضَامِنُ الرَّزْقِ فِي كُلِّ لَحْمٍ لِلحَيَاةِ لِلْكَفَامِ وَالْمَعَادِ وَبَيْنَكَ الْعَوَالِمُ
 وَتَضَامِنُ الْعَزْمُ فِي كُلِّ عَمَلٍ مِنْ عَمَلٍ مَا دَرَسْتَ مِنْ دَرْسٍ مَا دَرَسْتَ مِنْ دَرْسٍ مَا دَرَسْتَ مِنْ دَرْسٍ
 وَالْمَنَاعُ وَالْبَلِكُ بِصَعْدِ الْكَلْبِ الطَّبِيبِ وَالْمَلِ الصَّالِحِ وَأَنْتَ الْعَالِمُ
 وَعَطَاكَ وَمَوَدُّتِكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ
 يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ

درد روزگار

عَلَيْهِ وَصَدَقَ وَيَا إِمَامَ الدِّينِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي لَبَسَهُ جِلْدُ
 بَرَادٍ وَصَدَّقَ لَوَدِدْتُ وَأَنَا فِيكَ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكَلْبَاءُ كَرِهْتُ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا مَرَّةً
 وَأَرْتَمَهُمْ فِي جَبِّ الْأَذْيَانِ قَوْلَهُ يَا بِي الدَّعَاؤُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ
 دُعَاؤُ الرَّبِّ عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَأَيْتُهُ فِي رُؤْيَايَ دَرَّةً اِبْدُوعِيَّةً بِلِسَانِ مَنْ عَزَمَ عَلَيْهِ دَعَاؤُ
 فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِنَّ إِلَيْكَ وَفَدَّهِنَّ أَمَامِي بِرَبِّي حَوْلِي قَانَ جَعَلْتَنِي
 بِرُبِّكَ مَشْفُوعًا مِنْهُنَّ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ
 مِنْ كُفَيْتِكَ فِي حُرُوفِ حَرْفِي وَمِنْ كَلَامِكَ تَحْتِ عَرَبِيٍّ وَمِنْ لَوْ عَنَى شُكْرُ الْبَلَاءِ
 إِذْ كُنْتُ تَوَدُّرُهَا عَمَلٌ وَالْإِنْفَاءُ بِالْحَدِّ وَالْمَرْحُومَةُ عَزِيمَةُ حَزْرٍ وَوَدُّدٌ مِنْ النَّوَارِ الْفِي السَّائِغَاتِ
 يَا مُسْتَبِينَهُ بِالْحَرْفِ يَا بَابِيكَ وَنِعَمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 يَا كَرِيمًا يَا ذِي الْقُرْبَىٰ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ يَا بَارِيكَ

فصل

وَأخْرِجِي عِلَاجِي عَوَالِدِي وَعَنْدِي وَلَا تَأْخُذِي بِسُوءِ عَمَلِي وَلَا تَسْأَلِي
عَلَى مَنْ لَا يَجْنِي بِصَلَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَأَمَّا سَاعَتِي وَوَأَدْعِيهِمْ بِمَنْ أَنْتَ مُشْتَدِنُ أَعْمَالِي بِسَائِلُ فَاقْرُبِي إِنْ حَضَرْتِ

وَأَقَامَ عَلَيْكَ سَلَامِي
وَرَدَّ عَنِّي رَحْمَتِي

اللَّهُمَّ خَالِقَ السَّمْعِ الرَّفِيعِ وَالْمَهَادِ الْمَوْضِعِ
وَالْحَادِيَنَا إِلَى مَنَازِلِهِ تَقَبَّلْ مِنِّي كَرَمًا وَبِطَانَةً وَتَمَتُّعًا كَرِيمًا
وَرَوْحًا رَهِيمًا كَمَا كَرِهْتَ لَكَ وَكَلِمَةً كَرِيمًا كَمَا كَرِهْتَ لَكَ
وَلَا تَسْتَفِيعُ اسْتَعْلَاكَ بِاسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا اسْتَعْتَدْتِ
عَلَى طَوَائِفِ الْعِبَرِ عَادَتْ تُبْرَأُ وَإِذَا وَضَعْتَ عَلَيْهَا
كَاسَ هَبَاءٍ مُسْتَوْرًا وَإِذَا رَفَعْتَ إِلَى السَّمَاءِ
نَفْثَهَا لَمَعَانًا وَإِذَا هَطَّطَ إِلَى طَلْقِ الْأَرْضِ
سَوَّاهَا وَرَمَتْهَا فِي الْأَرْضِ رَمَتْهَا فِي الْأَرْضِ رَمَتْهَا فِي الْأَرْضِ
السَّعْتِهَا الْمَضَائِقُ وَإِذَا دُعِيتُ هَالِكِي

مِنَ الْجُودِ وَإِذَا نُودِيَ بِهَا الْمَعْدُومَانِ حَرَّحَتْ إِلَى الْوُجُودِ وَإِذَا ذُكِرَ
عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلَّتْ خُشُوعًا وَإِذَا فُرِعَ الْأَسْمَاعُ فَاصْبِرِي الْعَبْرُونَ دُعَا
اسْتَعْلَاكَ بِمَنْ أَنْتَ مُشْتَدِنُ أَعْمَالِي بِسَائِلُ فَاقْرُبِي إِنْ حَضَرْتِ
وَأَقَامَ عَلَيْكَ سَلَامِي
وَرَدَّ عَنِّي رَحْمَتِي

وَأَقَامَ عَلَيْكَ سَلَامِي
وَرَدَّ عَنِّي رَحْمَتِي

اللَّهُمَّ خَالِقَ السَّمْعِ الرَّفِيعِ وَالْمَهَادِ الْمَوْضِعِ
وَالْحَادِيَنَا إِلَى مَنَازِلِهِ تَقَبَّلْ مِنِّي كَرَمًا وَبِطَانَةً وَتَمَتُّعًا كَرِيمًا
وَرَوْحًا رَهِيمًا كَمَا كَرِهْتَ لَكَ وَكَلِمَةً كَرِيمًا كَمَا كَرِهْتَ لَكَ
وَلَا تَسْتَفِيعُ اسْتَعْلَاكَ بِاسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا اسْتَعْتَدْتِ
عَلَى طَوَائِفِ الْعِبَرِ عَادَتْ تُبْرَأُ وَإِذَا وَضَعْتَ عَلَيْهَا
كَاسَ هَبَاءٍ مُسْتَوْرًا وَإِذَا رَفَعْتَ إِلَى السَّمَاءِ
نَفْثَهَا لَمَعَانًا وَإِذَا هَطَّطَ إِلَى طَلْقِ الْأَرْضِ
سَوَّاهَا وَرَمَتْهَا فِي الْأَرْضِ رَمَتْهَا فِي الْأَرْضِ رَمَتْهَا فِي الْأَرْضِ
السَّعْتِهَا الْمَضَائِقُ وَإِذَا دُعِيتُ هَالِكِي



مضللاً و اسناناً و بعد الحق الى مكانه عمر احمداً و نزج الدين
 فضل در سن چهارم بعد از آنکه تالیف کرد و در کتب معتبره نقل و مکرر در این روز
 علی بن ابی طالب علیه السلام در آن فصلی که از حضرت علی بن ابی طالب نقل شده است
 بر ده روزه که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 همی نیک و قد تمیز همی اما می بیند می خواجه جان تو ز عقی مشکر
 با آن که بود و قدیم در آن ایام از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 نعمتک فی التوفیق لیس فی قیامه و الهدایة الی طاعتیه و تزیین فی قیامه
 بعد از آنکه در توفیق برار شد و در هر ایام که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 فی المسکن بعینه و الاوتیة و سبب الی کون فی دمرته انک صبح
 در جنگ زدن بنام در او و اقتدار اطاعت او و بودن که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 الدعاء بحجتک
 با او حجة البراهین
 در هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام



خطب علی نقیب و اهل و مالی و ولدی من غایب و شاهد با الله الی لا الاله الا الله
 در روز چهارم بعد از آنکه تالیف کرد و در کتب معتبره نقل و مکرر در این روز
 هو عا لک العیب و التهم و الرحمین الی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم
 او را با آنکه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 نا و هو العلی العظیم در روزی که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 از شبی که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 مسلط او را با آنکه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 در ایام در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 از برای آنکه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 اقبال است و چنانچه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 از برای آنکه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 مغرباً تا آنکه مشیت شود ستارهها که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 شیخ طائفه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 ستارهها که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 و چنانچه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 علیه السلام که فرمود که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 هر زمانه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 و عمل کرده اند با آنکه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 از برای آنکه در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام
 که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام بگذشت از هر روز که در آن ایام



حضرت صادق علیه السلام از کسیکه ناخوش کند از امامت بگردد...

اللهم اني استألتك يا أيها الملك والذو الجلال والإكرام...

و اما فاصل کردن میان آنها بکلام بر دشتن بر مذکور است...

الحمد لله الذي جعل لنا آيات ولا يفعل ما يشاء...

بعد از آن بر میخیزد تا قبله و اگر دوست داری طول دادن تعظیم...

علاوه بر این دعاها

در شبهای این دعاها بر کوهت سخن گفتن میان مغرب...

مفید از این دعاها

عشایر و تخفیف که میل کرده است باین شیخ فاد در ذکر...



وَمَا خَذَهُ قَرِيْبًا وَنَفْسِي يُطَلِّبُ مَا لَمْ يُطَلِّبْ رَبِّي فَيَبْرُزُ فَأَنَا أَمَلُ غَيْبِي عَنْ

عَذَابِي وَأَنَا قَبِيْرٌ لَوْ رَحِمْتِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَعَجِدْ عَلَيَّ عَبْدِيكَ هـ

بِفَضْلِكَ أَنْتَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ
بِعِلْمِكَ أَنْتَ مَكْرُومٌ
بِإِسْمِكَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلْوَةً تَبْلُغُنِيهَا رِضْوَانَكَ وَتَجَنِّدُ
وَتُجَنِّبُنِيهَا مِنْ عَذَابِكَ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَعِنِّي عَلَى حَقِّهَا إِنَّ بَيْتَكَ وَأَرْضَكَ فِي الْبَاطِلِ لَا طَائِلَ لِي فِيهَا
وَلَا يَجْعَلُهُ عَلَيَّ مَتَشَاهِيًّا فَالْبَعِ هَوَايَ بَعْدَ هُدَايَ مِنْكَ وَاجْعَلْ هَوَايَ
تُبْعًا لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُذْ لِنَفْسِيكَ رِضْوَانًا مِنْ نَفْسِي وَمَاهِدْ لِي
لِيَا أُخْلِفَ فِيهِ مِنَ الْوَجْهِ بِإِذْنِكَ أَنْتَ هَدَيْتَنِي مِنْ نَسَاءِ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنِي فِيهِمْ هَدْيَ نَبِيِّكَ وَعَافِنِي
رَبِّكَ



وَمَا خَذَهُ قَرِيْبًا وَنَفْسِي يُطَلِّبُ مَا لَمْ يُطَلِّبْ رَبِّي فَيَبْرُزُ فَأَنَا أَمَلُ غَيْبِي عَنْ

عَذَابِي وَأَنَا قَبِيْرٌ لَوْ رَحِمْتِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَعَجِدْ عَلَيَّ عَبْدِيكَ هـ

بِفَضْلِكَ أَنْتَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ
بِعِلْمِكَ أَنْتَ مَكْرُومٌ
بِإِسْمِكَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلْوَةً تَبْلُغُنِيهَا رِضْوَانَكَ وَتَجَنِّدُ
وَتُجَنِّبُنِيهَا مِنْ عَذَابِكَ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَعِنِّي عَلَى حَقِّهَا إِنَّ بَيْتَكَ وَأَرْضَكَ فِي الْبَاطِلِ لَا طَائِلَ لِي فِيهَا
وَلَا يَجْعَلُهُ عَلَيَّ مَتَشَاهِيًّا فَالْبَعِ هَوَايَ بَعْدَ هُدَايَ مِنْكَ وَاجْعَلْ هَوَايَ
تُبْعًا لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُذْ لِنَفْسِيكَ رِضْوَانًا مِنْ نَفْسِي وَمَاهِدْ لِي
لِيَا أُخْلِفَ فِيهِ مِنَ الْوَجْهِ بِإِذْنِكَ أَنْتَ هَدَيْتَنِي مِنْ نَسَاءِ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنِي فِيهِمْ هَدْيَ نَبِيِّكَ وَعَافِنِي
رَبِّكَ



درس اخیر از حدیث...

و اهل و ولدی و خواری و استغنیات ما اهل بیتیم و ما که همصفتی و استغنی
و این حدیث در نزد اهل حق و برادران حق و علمیه است که بشکون و بزم علین دارند و در این حدیث...

خبرتیک من خلیفت الذی اجمع بر مسواک بآئیم المجد لله الذی فضی
بکم بر کرمه و در حق تو که در سنت نبویه از زبان حق تعالی بر سر تو آمد...

عفی صلوته کانت علی المؤمنین... کنا بامقونا
بر حق تو که بر ما است...

بعذاران صلی علیهم و آله
لا انظمت انت است اعظم الرضا الی انک بالحدیث با من لا احلمه غیرک
خداوند تو بهیچ وجه و بهر راه ثابت از سر تو که در کتب معتبره از زبان حق تعالی تو

یا احد با من لا احلمه غیرک با من لا یزید به کثره العطاء الا کما وجو
ار کما ار کما نیکه زنده در روز قیامت که نیکه با من در عطا و بخشش که در روز

با من لا یزید به کثره العطاء الا کما وجو
ار کما ار کما نیکه زنده در روز قیامت که نیکه با من در عطا و بخشش که در روز

صیلت علی محمد و اهل بیتی صل علی محمد و اهل بیتی و فعل بیکد اولک
در حق تو که بر ما است...

۱۵۲

و لا اله الا الله

درس اخیر از حدیث...

قالا لکر نادا المجر و الکریم با سماع کل صوت با محمد رکت کل صوت با محمد العظیم
و این حدیث در نزد اهل حق و برادران حق و علمیه است که بشکون و بزم علین دارند...

و حی و مومنین ما بعد الموت صل علی محمد و آل محمد و اهل بیتهم
و این حدیث در نزد اهل حق و برادران حق و علمیه است که بشکون و بزم علین دارند...

و جاءوا بحر جبابه الجلال... اولی الامر محمد
در حق تو که بر ما است...

بعذاران صلی علیهم و آله
لا انظمت انت است اعظم الرضا الی انک بالحدیث با من لا احلمه غیرک
خداوند تو بهیچ وجه و بهر راه ثابت از سر تو که در کتب معتبره از زبان حق تعالی تو

یا احد با من لا احلمه غیرک با من لا یزید به کثره العطاء الا کما وجو
ار کما ار کما نیکه زنده در روز قیامت که نیکه با من در عطا و بخشش که در روز

با من لا یزید به کثره العطاء الا کما وجو
ار کما ار کما نیکه زنده در روز قیامت که نیکه با من در عطا و بخشش که در روز

صیلت علی محمد و اهل بیتی صل علی محمد و اهل بیتی و فعل بیکد اولک
در حق تو که بر ما است...

۱۵۳

و لا اله الا الله

در بیان احادیث و روایات صحیحین

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ سُوْرَةِ فَلَمْ يَرَهُ (صدقه زید) چنانچه روایت کرده است تقدیر آن
 در کتابی بسند صحیح از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت ابوعبیده الله علیه السلام
 که فرمودند که هر که بخواند فل صا هه آخرا (صدقه زید) هنگامیکه میبرد خوابگاه
 که از مزید شود بر او ایمنی و امان از آن کرده باشد بچهار سال بود و او است کرده است که
 نماز از حضرت علیه السلام که فرموده که هر که بخواند فل صا هه آخرا که هر که بخواند آن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 در خواب نگاه داشته شود و گفته شود و از او است که خواب در هنگامیکه بخوابد بر او
 نازل است بخوابد و او است که در پیش چشمش در غیبه است حسرت از آنکه نرسد که گفت
 که فرموده من حضرت ابو حمزه علیه السلام که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَسْأَلَكَ نَفْسِي الْبَلَدِ
 در ملت رسول خداوند چه مدت بر او دال او چه خداوند نام و رنگ و اندازه او چه در خواب
 وَوَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلْبَيْتِ وَقَضَيْتُ اَمْرِي الْبَيْتِ وَاللَّيْلُ ظَهْرِي الْبَيْتِ وَتَوَكَّلْتُ
 وَكَرِهْتُ اَمْرًا رُوِيَ عَنْهُ لَوْ رُوِيَ وَدَاكِرُ اَمْرًا رُوِيَ وَتَكْرَاهِي اَمْرًا رُوِيَ وَتَوَكَّلْتُ
 عَلَيْكَ وَهَبْتُمْنِكَ وَرَعَيْتُ الْبَيْتَ لَمْ يَخْأُ وَلَا مَلَأْ اَمْنًا الْاَيْتُ الْا
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

در بیان احادیث و روایات صحیحین

تقدیم سخنان الله بر هر کس که در ظاهر و باطن صحیح کرده و در شده است و در باب بیست و پنج
 در احادیث صحیحین از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت ابوعبیده الله علیه السلام
 که فرمودند که هر که بخواند فل صا هه آخرا (صدقه زید) هنگامیکه میبرد خوابگاه
 که از مزید شود بر او ایمنی و امان از آن کرده باشد بچهار سال بود و او است کرده است که
 نماز از حضرت علیه السلام که فرموده که هر که بخواند فل صا هه آخرا که هر که بخواند آن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 در خواب نگاه داشته شود و گفته شود و از او است که خواب در هنگامیکه بخوابد بر او
 نازل است بخوابد و او است که در پیش چشمش در غیبه است حسرت از آنکه نرسد که گفت
 که فرموده من حضرت ابو حمزه علیه السلام که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

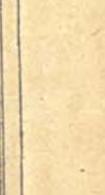
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَسْأَلَكَ نَفْسِي الْبَلَدِ
 در ملت رسول خداوند چه مدت بر او دال او چه خداوند نام و رنگ و اندازه او چه در خواب
 وَوَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلْبَيْتِ وَقَضَيْتُ اَمْرِي الْبَيْتِ وَاللَّيْلُ ظَهْرِي الْبَيْتِ وَتَوَكَّلْتُ
 وَكَرِهْتُ اَمْرًا رُوِيَ عَنْهُ لَوْ رُوِيَ وَدَاكِرُ اَمْرًا رُوِيَ وَتَكْرَاهِي اَمْرًا رُوِيَ وَتَوَكَّلْتُ
 عَلَيْكَ وَهَبْتُمْنِكَ وَرَعَيْتُ الْبَيْتَ لَمْ يَخْأُ وَلَا مَلَأْ اَمْنًا الْاَيْتُ الْا
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 این است که در خواب در خواب بگوید که هر که بخواند در خواب یا است خود پس باید که بگوید



در بیان فضیلت دعا و استعاذه

سپناه شد و خیمها پیش پروردگارش آمد و انان هر دو سطر بر کف من و او که یابم
 نذوب و دیگر است و در سوال کن از احدیست کاری بیه که کفایت کند از ترسب
 و صفی از تو موافق از این عمل چه بر آمد بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 پس باطن من را متحنه شو ای چند چه پس بر مگرد و بر گشت پس از آنکه حضرت
 که دیدمشک او آمده است از برای غلبه پس مناجات نذر ما آمدن و ما دعا
 خود بود چه بر تو بود السلام علیکم پس ما گشتند بهر و مشرم که در سبب
 حال خود چنان فرمود السلام علیکم پس ما گشتند بهر و مشرم که در سبب
 با نغز و سلام علیکم پس بر سیدم که اگر در سلام نگویم بر او بر گورد و حضرت که بر
 چنین سلامه سکه مشربه بر اگر از آن داده میشود داخل میشود و اگر بر می گشت
 بر کف من و کلمات السلام او رسول خدا و داخل شود و داخل شد و نشنیدم
 این را من و فرمود ای ظاهر چه بر حاجت تو بود و در وقت که بر سیدم کن که اگر جواب
 نامم باور که این که بر خیزد بر پیرون او هم من سر خود را و پس گفتم که الله من خبر من
 او رسول الله صی و سبک او اب گشاید پشت نا این که از کورد در سپند او چه که ما ایند
 استیاراتا این که اوله کرد و در ستمهای او و خاوری که در خانه و نا این که عباد او شد خامها او
 و اثن او و خدمت بر بیعت نا این که سپاه شد خیمهای او پس من گفتم تا و که بائی پیش برون
 پس سوال کنی از او نه کاری که کفایت کند از برای تو غضب آنچه تو درانی از انبم
 چه پس فرمود حضرت صلی الله علیه و آله ای ای بر تعلیم نگویم شمار آنچه در حق است از برای
 از حدیث کار هر که را که بدخواه که خود را بر یکدیگر می کشند

سوی و صفا در تیره و سبب بگوید
 سوی و صفا در تیره و سبب بگوید
 سید محمد کسین و محمد کسین
 سید محمد کسین و محمد کسین
 علی السلام سر خود را و کفایت



در بیان فضیلت دعا و استعاذه

شدنم از خدا و رسول او پوشیده نماید که روایت صحیح نیست در تقدیم سبب
 زیرا که او فاعله و منسب نمیکند بلکه نسبت آن معرک از برای مطلق جمع بنا بر مذهب صحیح
 چنانچه بیان شده است در اصول بل ظاهر تقدیم جمع است لفظ افضای آن نمیکند
 و همچنین روایت سابقه صحیح نیست ذکر تقدیم محمد بر سبب زیرا که لفظ تقدیم در اینجا
 از کلام و او است پس باقی نماید در آن نیز مگر ظاهر تقدیم لفظی پس منافات میان
 این دو روایات نیست مگر محبت ظاهر پس نیز او است عمل دویم بر اول بست
 ستان و در وقت نافعین بعضی از روایات ضعیفه چنانچه روایات کرده است ابو بصیر
 از حضرت صادق علیه السلام که فرمود در سبب زهر اعطای سلام اندامی بنیکی می رسد و چنان
 با او پس محمد می رسد با او پس سبب می رسد با او پس روایت صحیح است و در تقدیم
 محمد پس بر این مبدء ظاهر لفظ روایت صحیح است پس هر چه که می شود روایات دیگر
 برخلاف ظاهر آن این که بر طرف شود منافات میان آنها چنانچه گفتیم پس اگر
 کوفی تو که گفتی عمل کردن در ظاهر هر دو روایت با هم مانع عمل کرده شود روایت اول
 بر آنچه کرده میشود بعد از نماز و روایت دویم بر آنچه کرده میشود و نیز خواهد بود
 بر این احتیاج نیست بگردانیدن دویم و ظاهر آن پس چرا عدول کرده قرا از این
 و چگونه قائل می شویم با این محکم من از برای این که من بمانم که با کفایت شده باشد
 غیر از همان سبب زهر اعطای سلام و در این در حال بلکه آنچه ظاهر میشود عدالت تبیح
 این است که هر یک از این دو فرقه که قائل اند بشدیم محمد و اخبار آن چنانند
 با بر ظواهر خواه واقع شود عدالت نماز یا پیش از خواب پس قول بفضیله حدیث
 قدر سیم است و در غالب اجماع مرتب و اما آنچه می گویند که احادیث قول حق منع
 نیست مگر و فضیله لانه ابدان از بر طرف شدن اجماع امت شده باشد بسبب عبث است
 زیرا که ائمان کرده اند اما حکم آن بخلاف آنچه چنان بنا شد مثل قول بعضی که
 بعضی از آنهایی که کاوند بعضی دیگر زیرا که هر یک از اینها موافقت در تقدیم
 چنانچه در اینجا است پس هر یک از این مثل قول بعضی در سخن قائل که



باشد و گشتن مسلمان بوضوحی بعد از آن قول پاره آن است و تقصیر اول و پاره دیگر
بعمران که بر جواب این است که این تفصیل دست نیست مگر بر مذهب سنیان
و اما سایر اخبار بیان کرده اند که امام است که حجت اجماع بیسان است که شفاست
از دخول معصومین بر این تفصیل معقول نیست چه مخالف مقتضی آن است
هر چند موافق باشد خاتل با هر یک از فریقین و در قسمی بود هر یک بر این مثال
فروختن و در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

فصل در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

و مراد است که بوده باشد خوابیدن بر جانب راست بر سر و پیشانی خواب
مؤمنان است چنانچه روایت کرده است از ائمه اسلام که کافی است بسند صحیح
از احمد بن محمد که گفت گفتن حضرت ابی محمد عیسی بن عکرم علیهم السلام که در خواب
فدای تو بدو پیشتر من بخیم که از برای من پیشتر شد بخاطر من و من بخیم که از او بدو
کرده ام که سوال کم بدو گفتا علیهم السلام از آن چنین بنامند از برای من آن که پیشتر بود
انحضرت چه چیز است با احمد که بر گفتن رعایت شده است بر او از بدو آن که علیهم السلام
که در بر پیشتر خواب پیشتر بر قفاها ایشان است که خواب مؤمنان بر جانب راست
ایشان است و خواب منافقان بر جانب چپ ایشان است و خواب شیاطین
بر روی ایشان است بر از خود انحضرت علیهم السلام چنین است این گفتن است
بدو و سینه که من بخیم که بخوابم بر جانب راست خود بخیم که من بخیم که بخوابم
بر جانب چپ بر آن که من بخیم که حضرت سائغی که بعد از آن فرمود که ای احمد از من بخیم
چنین بر زبانت شد که بر فرمود که از آن که در خواب خود بخوابم بر جانب چپ خود
مالک

در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

چپ من و دست چپ خود را بر جانب راست من (در سینه) گفت احمد که این است
بخوابم بر جانب چپ خود از آن وقت که در آن ایام آن انحضرت علیهم السلام بخوابم بر جانب چپ خود

۱۵۹

نزد

نزد خوابیدن است که در او اشک شده است از ائمه اسلام که در کافی بسند صحیح از حضرت
صادق علیهم السلام که فرمود هر که بگوید و غنیکه بر و غنیکه بر و غنیکه بر و غنیکه بر خود

فصل در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

الحق لله الذي علا فخره المهدى الذي بطن خبيرة الحسن الذي صلته ه
محمد خذیر که غنیکه بر است بر غنیکه بر است محمد خذیر که غنیکه بر است محمد خذیر که غنیکه بر است
فقد روي عن النبي الذي يحيى الموتى ويميت الأحياء وهو على كل شيء قدير
و در ۱۰ و محمد خذیر که غنیکه بر است محمد خذیر که غنیکه بر است محمد خذیر که غنیکه بر است

فصل در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

و روایت شده است که کتاب مدنی که از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخیم
این اهدان در
قل انما انا بشر مثكم لولا انما الهكم الله فاحذرن ان يكون الله و الله
کتاب مدنی که از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخیم
این اهدان در

فصل در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة الهة الا الله وحده لا شريك له
برای بود که در هر یک از اینها و در هر یک از اینها و در هر یک از اینها

بلند شود از برای او و در وی که بسوی مسجد حرام رفته میان آن زن و ملائکه باشند که استغفار
کنند از برای او و روایت شده است در کتاب مذکور که در آن حضرت صادق علیهم السلام
که فرمود که در نیست نبیه که بخوابد بر کف و در وقتیکه بخوابد بر کف و در وقتیکه بخوابد
مخوابد بر کف و در وقتیکه بخوابد بر کف و در وقتیکه بخوابد بر کف و در وقتیکه بخوابد
کفها بر کف است که بعضی از اینها که در کف و در کف
بر کفها روایت کرده است و در کتاب مذکور از حضرت باقر علیهم السلام که در کفها بخوابد

من صلوات الله على من دعا له في قبره
فان الله اذا ابتكر شيئا كتبه في كتابه

۱۶۰

مضامیر

و هر دو در
بندار که
الطوفان که در کف
خوابد

اعوذ

در بیان اولاد و خرد و ...

اعوذ بكلمات الله التي لا يجاوز حدهن ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...

اللهم اني اعوذ بك من الاختلام ...
 وروایت شده است در کتاب مذکور که در کتاب ...
 ان الله قبض السموات والارض ان ...
 من عبده اذ كان ...

بسم الله الحار يا هيت اموت ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...

در بیان اولاد و خرد و ...

اللهم اني اعوذ بك من الاختلام ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...

اللهم اني اعوذ بك من الاختلام ...
 وروایت شده است در کتاب مذکور که در کتاب ...
 ان الله قبض السموات والارض ان ...
 من عبده اذ كان ...

بسم الله الحار يا هيت اموت ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...
 وروایت کرده است در کتاب خود که در کتاب ...



در بیان آنچه جای از درون است



در کاف بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که هر گاه بر بد در جیبی که
ناخوش دارد که در خواب خود برسد که از خواب بیدار شود و بگوید
ایما الخوی من الشیطان الخوی من الذین آمنوا ولبس بضایع من سبقتنا
بر سرش که در روز قیامت کف از شیطان ملت ایلم کردن کردن که در روز قیامت در روز قیامت

لا ایاذن الله وعلی الله فلیست کل المؤمنین ه
مرا باذن خدا و بر هر چه بود که در روز قیامت

عذب بما عذبت به قتل الله للمؤمنین وابتیاء المؤمنون و
بنا و در روز قیامت در روز قیامت

عبادة الصالحون من شر ما رأیت و من شر الشیطان الرجیم
در روز قیامت در روز قیامت

و در آنچه که از او می شود و در روز قیامت در روز قیامت

و حدیثی که در روز قیامت در روز قیامت

مخفی که در روز قیامت در روز قیامت

شب و بیان فضیلت آن روایت کرده است که در روز قیامت در روز قیامت

صاف علیه السلام که فرمود که هر که در روز قیامت در روز قیامت

او سنا از مردم و روایت کرده است که در روز قیامت در روز قیامت

سینه ام از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمود که هر که در روز قیامت در روز قیامت

و در روز قیامت در روز قیامت

در بیان آنچه جای از درون است



ز فرمودند که هر که در روز قیامت در روز قیامت
در روز قیامت در روز قیامت
که در روز قیامت در روز قیامت
که در روز قیامت در روز قیامت
که در روز قیامت در روز قیامت

اننا نشتد الله شد
در روز قیامت در روز قیامت

و طوا و قوم و قدا
در روز قیامت در روز قیامت

و در روز قیامت در روز قیامت

که در روز قیامت در روز قیامت

که در روز قیامت در روز قیامت



در بیان صفات طهارت
در بیان اخلاص او درین مقام

شکریه ای که در بیان است

هرگاه بیدار شدی در خواب
بگردان آنرا بر سر او را است بر او بگو که ان اینست
که میبوی که از برای خداست
و الهی که بیدار شدی در خواب خود
بگو که بیدار شدی در خواب خود

باید از سر بر آید از آن
الحمد لله الذی هدانا لهذا
بگو که الحمد لله الذی هدانا لهذا
بگو که الحمد لله الذی هدانا لهذا

لا اله الا الله
لا اله الا الله

ارض فان من هاد ولاطمان
بعضها فوق بعض ولايجر
بعضها فوق بعض ولايجر
بعضها فوق بعض ولايجر

بدي اللدیع من خلیفک
تعلیم خاشع الاعین
تعلیم خاشع الاعین
تعلیم خاشع الاعین

غاری الخیر و نامت العیون
وانت للی الصیوم
وانت للی الصیوم
وانت للی الصیوم

سبحان الله رب العالمین
والله رب العالمین
والله رب العالمین
والله رب العالمین

۱۶۵

۱۶۵

در بیان صفات طهارت
در بیان اخلاص او درین مقام

ان فی خلق السموات والارض
واخلاص المبل والنهار
لا یاب الا ولی
ان فی خلق السموات والارض
واخلاص المبل والنهار
لا یاب الا ولی

فخلق السموات والارض
تینا ما خلقت هذا باطلا
سبحانک فینا عبدک
فخلق السموات والارض
تینا ما خلقت هذا باطلا
سبحانک فینا عبدک

النار ربنا انک من نخل النار
فعدت احر تبسوما للظالمین
من انصار
النار ربنا انک من نخل النار
فعدت احر تبسوما للظالمین
من انصار

ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
للایمان ان امنوا بربکم
فامتنوا ربنا فاعف
ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
للایمان ان امنوا بربکم
فامتنوا ربنا فاعف

لناذوننا و کفرنا سبنا
لناذوننا و کفرنا سبنا
لناذوننا و کفرنا سبنا
لناذوننا و کفرنا سبنا

علا و سلک ولا یخزنا
تویم القیم انک لا تخلف
للبعاد فالتخیر
علا و سلک ولا یخزنا
تویم القیم انک لا تخلف
للبعاد فالتخیر

بعضها فوق بعض ولا یجر
بعضها فوق بعض ولا یجر
بعضها فوق بعض ولا یجر
بعضها فوق بعض ولا یجر

بدي اللدیع من خلیفک
تعلیم خاشع الاعین
تعلیم خاشع الاعین
تعلیم خاشع الاعین

غاری الخیر و نامت العیون
وانت للی الصیوم
وانت للی الصیوم
وانت للی الصیوم

سبحان الله رب العالمین
والله رب العالمین
والله رب العالمین
والله رب العالمین

۱۶۵

۱۶۵

در بیان احکام و وظایف روزی و نماز

و نماز شب اطلاق میشود و در احادیث کماهی بر پشت رکعت کماهی بر پاره و کماهی
 باضا کردن و کماهی شفع و کماهی کف و کماهی بر سینه و کماهی باضا فرموده و کماهی
 نماز صبح و این نماز شب از ستم امی و کماهی است و روایت کرده است شیخ طائف
 در هند پس بجنبه صحیح آن حضرت صادق علیه السلام که بود در وصیعت رسول خدا
 صلوات الله علیه و الله جعل علیها السلام که با علی وصیعت میکنم تا او را ناره نضر خود بنجد
 خصلت که بر حفظ کن اخبار او بعد از آن فرمودند خداوند را در بیان آن اولی که ذکر کرده اند
 جمله آن خصلت که ما آن بکر فرمودند **وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ** و عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ

و عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ

و عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ و عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ و عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ
 و ظاهر این است که در راه آن حضرت صلوات الله علیه است که در بیان شب که در آن وقت نماز
 نزال هشت رکعت است که ظاهر نزال است بوده چنانکه گفته اند بعضی از علما و بعضی
 خواهی مؤثر شوی بسوی عبادت و بوده باشد ترا حاجی بقیل بی با نبل که بان اول
 بر هر کماهی که داخل بقیل است شوی بی با نبل که بوده باشد در نظر آنکه مؤثر است
 هر یک که باشد تا آن که احتیاطی داشته باشد پس داخل کن از این است و همچنین تربیت
 و مهر تربیت اگر در یکشنبه باشد یا شبی بعد از آن بکند و پای چپ را در اول داخل شدن
 اگر بوده باشد سفید بشود شده و اگر فضای خلجت بکنی و در فضای مثل حمران
 و مانند آن پس پیش بکند و نام چپ را در موضع که پیشینی در آن و یکی

بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ
 الرَّسَامِ حَلِيبٍ وَبِأَمْرِ رَحْمَةِ اللَّهِ مَبْرُورٍ كَمَا أَرَادَ اللَّهُ
 الْيَسْنَ اللَّيْلِيَّةِ الْحَيْثُ الشَّيْطَانُ الْجَبِيمِ
 بِحَسْبِ لِي وَبِحَسْبِ لِي وَبِحَسْبِ لِي الشَّيْطَانُ رَدَهُ اللَّهُ

و اگر فضای خلجت بکنی در وقت باقی چپ را بپوشان کن موضع چپ که دیده شود در آن شخص
 و با یکد بوده باشد اعتماد و سنگینی تو در وقت خلجت بر پای چپ تو و در آن است که

در بیان احکام و وظایف روزی و نماز

نامی دانسته و طول مدته نشستن را در هر حرف مذکور مکرر و این حاجتی که خوف روز است
 باشی و با خواندن این ایه المکرسی **بِسْمِ اللَّهِ الْقَدِيمِ الْعَالَمِينَ** چنانکه احکام اذان باد که خدا بنعلی
 و بعد از آنکه فارغ شوی بر خیز و کفش دست راست خود را بر شکم خود و بر چپ
بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي جَاءَ بِطَائِفَتِي الْأَذَى وَهَذَا فِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَغَائِقَانِي مِنَ الْبَلَاءِ
 حمد خدا را که هر که در دنیا بر من بود و کوه که در این دنیا بود در پیش او و غایت دعا را از دست

و استیلا بر من با یکدیگر می کشد و کفش میبازد و بعد از آن اصل الت رجولت و رجولت
 خود ستره دفعه بعد از آن بکند و علامت میبازد بر اصل الت رجولت خود و انگشت شصت
 با ایمن و میبازد این تا سه دفعه ستره سینه بعد از آن سه دفعه بر ستره سینه نشاند
 ستره سینه و همچنین بکن در کمال استیلا و هرگاه خواهی که استیلا کنی بر کسی

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُرًا وَكَرَّمَهُ جَعَلَهُ خَيْشًا
 و حمد خدا را که هر که در دنیا بر من بود و کوه که در این دنیا بود در پیش او

و استیلا کن بر کسی که خواهی که استیلا کنی و خواه بکلج و فاسدان و اگر در دست
 باشد انگشت که بکن آن از کشتن و این در نوزم نباشد پس هر دو نباید در آن و باید
 شستن و معقد با کشتن بر سر یعنی انگشت که جل سینه و در نوزم
 راست و چپ فرود و احتیاطی که در نوزم معقدی از غایت است یعنی آنچه با طهارت
 معقد سینه باشد از او بکلج تا بگذرد و جمع ضوین میبازد و کلج بهتر است
 در معقدی و غیر آن و بیشتر خرج غایت است تا آنکه احساس کنی بصلای آن

و در سجده که در سجده است **اللَّهُمَّ حِصْنِي وَوَجْهِي وَاعْتَمِدْ عَلَيَّ**
 و خداوند باز در فرج من و در جبهه من و اعتماد کن بر من
وَعُوذُ فِي وَجْهِ عَمَلِ الْمَسَارِ
 و برون صورت من در امر کار من و در امر کار من
 و در وقت در شستن خرج غایت است

بعد از این دعا هر چه سزاوارتر بود بر ما بخورد و شاکت کند و میفرمودند
است شاکت الریح والريح عند
از زبان به کهنه ترا روح در جهت سزود
الموت والعقوبت الفات

و میگذاردند بشارت نماز شب و دو رکعت که میخوانند و دو رکعت اول آن

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحْسَدُ

فَلْيَا لَيْلًا

بیکدان بلند بگویند و دستهای مبارکش بر دوش بگیرد و غما بگوید و نوید

بگذارد و این دو رکعت را پس خوب است که بخوانی این دعا را کرد و است کرده است

در پیش محمد بن همدانی کتاب اما فی اوقات او در این شبها در حضرت امیرالمؤمنین که میخوانند

الهی که من موبق خلقت عن مغابلتها اعقبتک و کرم

خداوند چه بیدار من هستی که گمراه بودم در راه حق و در راه حق با من بودی

جوی که گمراهی من کشته ای بگویم که الهی ان مال و عیضا

و در راه حق گمراه بودم و در راه حق گمراه بودم و در راه حق گمراه بودم

ا ذکر العظیم من اخذت قد عظم علی بیتی اهان کران فی الضیف سبت

اما ناسیهما و انت محصمها فنقول خلدوا فاله من خون لا یخدر عشره

و لا تنفعه قبیلته (امیر بنای) نضیر الابد و الکلی

و نفع هم اولاد و بند و از آنکه در آنجا که در راه حق گمراه بودم

(امیر بنای) تو اعز للشوی (امیر بنای)

در راه حق گمراه بودم و در راه حق گمراه بودم و در راه حق گمراه بودم

(من لسان) در راه حق گمراه بودم و در راه حق گمراه بودم

بسی که برین بعد از این دعا و بکن هر غای که خواهی بعد از آن چیزهای نماز شب

تخلیق که اطلاع کرده اند علمای را بر این که در آن وقت آن نصف شب است و این که هر چند

نزدیک شود به صبح صادق خواهد بود و ما فضل پس اگر طلوع کند آن و گزاردن است

چهار رکعت تمام کند تا پیراسته کند نماز شب و در بعضی اوقات و مشهور است

بسی است بعد از آن بر نصف شب همان اول که شب که در نماز شب باشد و میگویند

نصایر این افضل است از نفلیم هر گاه خواهی شروع کنی در نماز شب پس تلاوت کن

اللهم انی ارجو الیک تبتک ابی الرحیق الیه

خداوند من را به تو امیدوارم و من را به تو امیدوارم و من را به تو امیدوارم

در بیان اشکالی از رویه خداوند

همی دانوی غیمه ولا تحرمی غیمه و فیض فی حوائج الدنیا و الآخرة انک
علم کل شیء فدر کل شیء علی علم
مقدان بدان که اول کعبه است
ناسر و علمای آنها و فضل آن است

که بخوانی بعد از هر سوره قل هو الله احدی غیره و در کعبه دوم قلب آنها است
و در شش رکعت باقی سوره های بلقی مثل سوره اخاف و کعبه (و اینها) و در
دو رکعت اول سوره های بلقی مثل سوره اخاف و کعبه (و اینها) و در
دو رکعت اول سوره های بلقی مثل سوره اخاف و کعبه (و اینها) و در
دو رکعت اول سوره های بلقی مثل سوره اخاف و کعبه (و اینها) و در
دو رکعت اول سوره های بلقی مثل سوره اخاف و کعبه (و اینها) و در

علت برین کافی است در غیبت
است که در این کلمات است
اللهم اغفر لنا و اغفرنا و
و عافنا و اعف عتای الدنیا
و الآخرة انک
و اعف عتای الدنیا و الآخرة انک



در بیان اشکالی از رویه خداوند

چنانچه دعایت کرده است انوار کافین از حضرت علی السلام بسند حسن و خود
شده است کافی بود که در هر روز در وقت نماز و در وقت استسنا و در وقت
هر چند در نوافل روز و اشک و
سزاوار است طول آن است
خصوصا در نماز شب زیاده که
وقت در آن وسعتی است

و تحقیق کدورت کرده است و پس بعد از آن در قطب نماز به غیر از آن علی السلام که فرمود
که هرگز از شام تا صبح نماند که در نماز و در نماز نماند که در نماز و در نماز
قیامت است و تحقیق کرده است که در نماز است و در نماز است و در نماز
مهم است و تحقیق کرده است که در نماز است و در نماز است و در نماز
علیه السلام است و در نماز است و در نماز است و در نماز
در نوافل از روی کتاب و ما ننماند که در نماز است و در نماز است و در نماز

که لایق است خواندن اشک در روز
نوافل و فراغ از آن است که در روز
شده از حضرت صادق علیه السلام
الحی کیف ادعوتک و قد عصبتک و کیف لا ادعولک و قد عصبتک
خداوند ما را که از تو استغاثیم و تو ما را که از تو استغاثیم
حسب فی قلبی ان کنک عاصبا مددک الیک بدایة النوب مخلوقه و
عصبا یا ربنا و محمد و آلنا مولاینا انت العظیم العظیم و انا اسیر
الاکسر و انا الاسیر بدایة النوب بحسب فی قلبی ان کنک عاصبا مددک الیک بدایة النوب مخلوقه و
عصبا یا ربنا و محمد و آلنا مولاینا انت العظیم العظیم و انا اسیر الاکسر و انا الاسیر



و امر
کسی لذت و
مخصوصا در نماز
خود را یا خداوند
هر چند در وقت
آن نماز است
خواندن مناسطه
انجلیت در دعای
جزوه و امثال
تفصیل آن
در کتاب
در روز



چنانچه

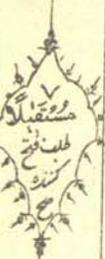
در بیان آنکه چگونه از عیبها بگریزد

بگرم و گدازد به لب بینی محرمی لا اله الا انت سبحانك و لئن امرت بالمعصية
 لافترت عنها لولا انك انت الله الخ
 لا تخبرن اعلمها اني كنت اول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم
 ان الطاعة لشرك والمعصية لا تضرک ولا ينفعک واعوذ بك من
 ان يضرك بما ارحم الراحمين
 اللهم ان الرجاء لسعة رحمتك انطق به مستغفرك والامل لا نالک
 ورفعت شجعتي على طلب امانک وعفوتک ولى بارک ذنوب قد احسنتها
 اذ حسنا لانتقام وخطاياك لا حظها عين الاصلح والاسئو حبت
 خطاياك اذ عذبتهم وخطاياك لا حظها عين الاصلح والاسئو حبت
 خطاياك اذ عذبتهم وخطاياك لا حظها عين الاصلح والاسئو حبت



در بیان آنکه چگونه از عیبها بگریزد

و قطعها لا سباب رغبتی من اجل ما انقضت ظهري من ثقلها و بهطنت
 من الاستقلال و در امر بسبب بر دشمنی که بر سر او رجوع کردم هر دو کار من بود و در هر دو از خطای من
 و عفوتک عن المذنبين و در حجتک للعاصبين فاقبلت بشغبي
 منوکل عینک طارحاً فبغيتي من بدایک شاکیاً بقی البک سائللاً
 ما لا استوجب من بقرع الهم وما لا استخف من لمقبس القهر
 اياک و ايقام مولاى بک اللهم فاقمن عی بالفرج و کطول علی
 بسوءکة الفرج و اذ لکنی برأفتک علی اسمی اللهم و ان لفتی بعد ریتک
 عن القربى الاخرج و خالصتی من سجن الكرب بافانک و اطلو اسیر
 برحمتک و کل علی برضوانک و جد علی باحسانک و اقلنی عشتی و
 فرج کربی و ارحم عذرتی و لا تحب دعوتی و اسئد ذی الایة الا ان
 و ارحم عذرتی و لا تحب دعوتی و اسئد ذی الایة الا ان
 و ارحم عذرتی و لا تحب دعوتی و اسئد ذی الایة الا ان



انك جواد كريم ووف رحيم
وحياتك مثام يور كعبت
اذ هنت كعت ان دعاء

اللهم اني استنك وكنك انك مثلك انت موضع مسأل السالين
خد انذا بر سبكه بر اول منك ترا سوال کرده نشانت كس مشرف في موضع سوال السالين
و منهي عن عيبه الراغبين ادعوك و لم يدع مثلك و ادعيت البك و لم
دستها رشتت عنت كندكان بخوانم ترا و خوانده نشانت كس مشرف و دعيت بكن سوارف
بر عبت لا مثلك و انت محب و محبة المضطربن و ارحم الراغبين
رغبت كره نشانت كس مشرف و خوانده نشانت كس مشرف و ارحم الراغبين
استنك بافضل المسائل و اججها و اعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم
سوال منك ترا ان عنت بر سوالها و بر اسما تر منها و بزرگ تر منها ازها از عنت كس مشرف
و باسما تلك الحسنى و امثالك العلبا و عمت الكي لا تحصى و باكرم اسما
دستها بر سوارف و مثلها بر بندو و دستها بر سوارف و دستها بر سوارف
عكبت و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
بر سوارف و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
منزل و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
جا و منزل و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
لكون الاكبر الاغر الاجل الاعظم الاكرم الذي محبة و هواه
كرده نشانت كس مشرف و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
او تر حصى بر عنت كس مشرف
و استجبت لدعاءه و حق عليك ان لا ترد مسالتك و بكل اسم
و اجبت كره بر سوال و دعاء او دعوت و اجبت بر سوال و دعاء او دعوت



هو لك في التوريب و الاجيل و
الذي نور و الفان العظيم و بكل
الذي نور و الفان العظيم و بكل

اسود عاك بجملة عرشك و ملائكتك و انبيائك و رسالتك و اهل
ما بيك خزانة ترا بر اول منك ترا سوال کرده نشانت كس مشرف في موضع سوال السالين
طاعتك و طاعتك لئلا تصلة على محمد و آل محمد و ان تجعل فرج و بلك و
طاعتك لئلا تصلة على محمد و آل محمد و ان تجعل فرج و بلك و
و بلك و تجعل فرج و بلك و ان تجعل فرج و بلك و
بر سوارف و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
بمك انان تسبب يمكن تسبب حصة و هذا على ما و اججها البك و اقرها منك
بمك انان تسبب يمكن تسبب حصة و هذا على ما و اججها البك و اقرها منك
الحضرة اما من زين العابدين عنت كس مشرف
الي و عزتك و جلالك و عظمتك لئلا اقي مند بك عنت و في من اول لك
ارضا بر سوارف و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
عندك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
كعبت و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
لا بد محمد الخلاق و شكره و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
روك كس مشرف و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
حسني نعمت من نعمت على و لوانى كس مشرف معان حد بك لئلا يا نبيا
بهان عنت كس مشرف و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
و حشيت اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك
و زادت كره بود زين بها بر سوارف و اججها البك و اقرها منك و سبلة و اشرها عندك



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين



179



والارضين وما وصد بها كان ذلك قلبا وفي كثر ما يجب من حطك
عليه ولو ان بالي عندي بلي بعد ذلك بعد ذلك لا في اجتمعين وعظمه للناس
خالق وحيم وملائك طيبات جهنم حتى لا يكون في النار معدن غير
ولا يكون جهنم حطب سوى كان ذلك بعد ذلك على قلبا في كثر ما استوى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين
والارضين وما وصد بها كان ذلك قلبا وفي كثر ما يجب من حطك
عليه ولو ان بالي عندي بلي بعد ذلك بعد ذلك لا في اجتمعين وعظمه للناس

اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم المالح الرازق المبدئ المعيد
الحي القيوم المبدئ المعيد الخالق المبدئ المعيد الخالق المبدئ المعيد
الحي القيوم المبدئ المعيد الخالق المبدئ المعيد الخالق المبدئ المعيد



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين



اللهم اني اسئلك بحجبتك من غائبك وعلى التي تركت واسئلك بفضلك
والعظمة بحجبتك ولا يفتن الايات باجنال العظاما با مطلق الاماري يا
سبحي نفس من جوده وقها اذ عوك وايعبا واهبا خفا وطعا واليا
والخافا ونصر عا ولفنا فاما و فاعدا وراكعا وساجدا وراكبا وما يشا
وذا هبا و جاشبا وفي كل حال الا ان اسئلك ان تصلي علي حين والحمد وان فصل
والله يسكن حاجت خوزا بعد ان يسجد يسكني ويصلي شكروا في راتها الخ

اللهم اني اسئلك بحجبتك من غائبك وعلى التي تركت واسئلك بفضلك
والعظمة بحجبتك ولا يفتن الايات باجنال العظاما با مطلق الاماري يا
سبحي نفس من جوده وقها اذ عوك وايعبا واهبا خفا وطعا واليا
والخافا ونصر عا ولفنا فاما و فاعدا وراكعا وساجدا وراكبا وما يشا
وذا هبا و جاشبا وفي كل حال الا ان اسئلك ان تصلي علي حين والحمد وان فصل
والله يسكن حاجت خوزا بعد ان يسجد يسكني ويصلي شكروا في راتها الخ

كُنْتُ تَمَّازِ شَبَّ وَسُدْرُ كَهْتٍ وَتَرْقٍ ۝ وَدُرِّ كَهْتٍ فَرُوغًا زَبِجٌ وَدُرِّ كَهْتٍ كَالْحَرِيِّ ۝
وَجَنَابِ رَوَاتِكِ مَعَاكُتِ ۝ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا
اِنْ حَضَرَتْ اَوْ عَمِدًا ۝ اللهُ عَلَيَّ السَّلَامُ ۝ كَرِهْتُ مَوَدَّةَ بَالِي بَنِي سَيْدِي اِنْ كُنْتُ بَدَاؤُكَ مَرْدُودًا
اِنْ وَتَرَدَّ ۝ بَعْدَ اَنْ اَنْ بَرُوهُ ۝ وَبِلَادِهِ وَخَاجِدِ خُرُودًا ۝ اِنْ اَزْمُرُكَ وَدَسِيبِ كَبْدَانِ
بِكُرْكُفٍ وَجَمِيْنِ عَيْبِ اِيْهَا اَخَاوِيْثِ بَسِيَاوَسِكُ ۝ اَمَّا اَخْلَاقُ وَتَرْقِ كَهْتِ سَوَمِ شَهْمَا
۝ بَرُوهُ وَاخَاوِيْثِ بَسِيَاوَسِكُ ۝ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا
عَلَمَا فَاقَتْ اِنَّهُ اَنْطَلَحُ ۝ وَاَمَّا اَخْلَاقُ بَرُوهُ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا
جَنَابِ رَوَاتِكِ مَعَاكُتِ ۝ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا
اِنْ حَضَرَتْ اَوْ عَمِدًا ۝ اللهُ عَلَيَّ السَّلَامُ ۝ كَرِهْتُ مَوَدَّةَ بَالِي بَنِي سَيْدِي اِنْ كُنْتُ بَدَاؤُكَ مَرْدُودًا
اِنْ وَتَرَدَّ ۝ بَعْدَ اَنْ اَنْ بَرُوهُ ۝ وَبِلَادِهِ وَخَاجِدِ خُرُودًا ۝ اِنْ اَزْمُرُكَ وَدَسِيبِ كَبْدَانِ
بِكُرْكُفٍ وَجَمِيْنِ عَيْبِ اِيْهَا اَخَاوِيْثِ بَسِيَاوَسِكُ ۝ اَمَّا اَخْلَاقُ وَتَرْقِ كَهْتِ سَوَمِ شَهْمَا
۝ بَرُوهُ وَاخَاوِيْثِ بَسِيَاوَسِكُ ۝ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا
عَلَمَا فَاقَتْ اِنَّهُ اَنْطَلَحُ ۝ وَاَمَّا اَخْلَاقُ بَرُوهُ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سورة التين
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لولا انك اذعيتنا لولم نعلم انك انت ربنا انما كنا نعبد ما كنا نعرف ولولا انك اذعيتنا لولم نعلم انك انت ربنا انما كنا نعبد ما كنا نعرف
وَأَمَلْ فَضْلَكَ وَمَعْرِفَتَكَ الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ نَجَاتٌ
وَأَمِيرٌ وَرَبُّ فَضْلِكَ وَأَوْجَانٌ تَرَامُ طَلِبُكُمْ كَانُوا ۝ هُوَ رِزْقُكُمْ وَرَبُّكُمْ وَرَبُّكُمْ
وَجَوَائِزٌ وَعَطَايَا وَقَوَائِبُ مَنْ لَهَا عِلْمٌ مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَمَنْعَهَا
وَمَا تَشَاءُ وَعَطَايَا وَرَبُّكُمْ كَانُوا ۝ هُوَ رِزْقُكُمْ وَرَبُّكُمْ وَرَبُّكُمْ



لَهُ الْعِزَّةُ وَمِنْكَ وَهِيَ أَمَّا نَاعِيْدُكَ الْغَفِيْرَةَ الْبَيْتَ الْمَوْمِنَةَ وَضَلَّتْ وَمَعْرِفَتُكَ
اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا
اِنْ حَضَرَتْ اَوْ عَمِدًا ۝ اللهُ عَلَيَّ السَّلَامُ ۝ كَرِهْتُ مَوَدَّةَ بَالِي بَنِي سَيْدِي اِنْ كُنْتُ بَدَاؤُكَ مَرْدُودًا
اِنْ وَتَرَدَّ ۝ بَعْدَ اَنْ اَنْ بَرُوهُ ۝ وَبِلَادِهِ وَخَاجِدِ خُرُودًا ۝ اِنْ اَزْمُرُكَ وَدَسِيبِ كَبْدَانِ
بِكُرْكُفٍ وَجَمِيْنِ عَيْبِ اِيْهَا اَخَاوِيْثِ بَسِيَاوَسِكُ ۝ اَمَّا اَخْلَاقُ وَتَرْقِ كَهْتِ سَوَمِ شَهْمَا
۝ بَرُوهُ وَاخَاوِيْثِ بَسِيَاوَسِكُ ۝ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا
عَلَمَا فَاقَتْ اِنَّهُ اَنْطَلَحُ ۝ وَاَمَّا اَخْلَاقُ بَرُوهُ اِنْ اَرَيْتَ مِنْ عَدُوِّكَ مَن يَسْتَدِينُ فَحُضِّبْ مِنْ سَائِرِ كَهْتِ كُنْتُ سَمِيكًا

بَعْدَ اِنْ مَكَو

رَبِّ اسَااتٍ وَظَلَمْتَ بَقِيَّتِي بَعْضَ مَا صَنَعْتَ وَهَلْ يَكْفِيكَ حَبْرُ اَوْ
بِرْدُ كَالِمْ يَجْرَهُ امْ دَسْمُ كَرَاهِ امْ مَفْرَحُ اَوْ دَوْدُ امْ جَمْعُ مَهْمَا كَرِهْتُمْ وَاِيَّاهُ رَسْمًا رَحْمَةً اَوْ رَسْمًا
بِمَا كَسَبْتَ وَهَذِهِ رَقِيَّتِي خَاضِعَةً لِمَا اَلَيْتُ وَهَلَا اَنَا ذَابِبٌ بِمَا لَيْتُ خُذْ
بِئْتِ كَسْبُ رَاهِمٍ وَاِيَّاهُ مَسْكُونٍ مَوْجُودٍ كَسْبُ رَاهِمٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
لِيَقْبَلْتَنِي مِنْ بَقِيَّتِي الرِّضَاخِي تَرْضَى لَكَ الْعَبْنِي لَا اَعُوذُ
بِرَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

بَعْدَ اِنْ مَكَو

رَبِّ اَرْشَقِي فِي حَاوِجِي وَيَسِّرْ لِي اَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ
اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
وَسَيِّئَتُ اسْتِطْوَالِ اِدَاوَنِ قَنُوبٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
دَوْهَشْتِ رَكْعَتِ بِيْرَاكَ وَسَعْتِ مَا شَبَّ بَايْتِي وَفَتِ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
حَضْرَتِ سَيِّدِ الْغَالِبِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
سَيِّدِي سَيِّدِي هَذِهِ بَدَايُ قَدَمِكَ وَتَمَّامُ الْبَيْتِ بِاللَّذِي تُوْبُ مَلُوءَةٌ
اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
وَعَبْنَا فِي الرَّجَاءِ مَعْدُوْدَةٌ وَحَقِّي لِيْنِ دَعَاكَ بِاللَّذِي تُوْبُ مَلُوءَةٌ
اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

بِالْحَرَمِ نَفَقَاتِ سَيِّدِي مِنْ اَهْلِ الشَّقَاءِ حَلَقْتَنِي فَاَصِلْ بِكَ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

اَهْلِ الشَّقَاءِ حَلَقْتَنِي فَاَبْتِرْ دَجَائِي سَيِّدِي اَمْ لِيضْرِبِ الطَّمَّاحِ

اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

حَلَقْتَنِي

وَجَمْعُ
اِذَا فَرَغْتَ
فَرَدَّهَا
وَجَمْعُ
اِذَا فَرَغْتَ
فَرَدَّهَا
وَجَمْعُ
اِذَا فَرَغْتَ
فَرَدَّهَا

بَعْدَ اِنْ مَكَو

اَعْضَائِي اَمْ لِيضْرِبِ اَلْحَمْلُ خَلْفَ اَعْضَائِي سَيِّدِي لَوْ اَنْ عَدَا اسْتَطَاعَ اَلْحَرْبُ
اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ اَوَّلَ الْخَارِبِيْنَ مِنْكَ لِكُنِّي اَعْلَمُ لَا اَوْ تَبْتَ سَيِّدِي
اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
لَوْ اَنْ عَدَابِي تَمَّازِي بِيْ فَيُفِي مَلِكِي لَسَا اَلْنَتُ الصَّبْرُ عَلَيْهِ غَيْرَ اَنْ اَعْلَمُ
اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ
اَنْتَ لَا يَرِيْدِي فِي مَلِكِي طَاعَةَ الْمُطِيعِيْنَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةَ الْعَبْدِ
اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

سَيِّدِي مَا اَنَا خَطِيْبٌ هَبْ لِي بِفَضْلِكَ وَتَجَلَّنِي بِسَيِّدِكَ وَاَعْفُ عَنِّي

اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

عَنْ قَوْمِي بِكْرَمٍ وَجَمَلِ اَلْحَيِّ وَسَيِّدِي اِرْحَمْنِي مَطْرَعًا اَلْمَعْسُورِ اَلْبَسِي

اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

صَالِحِي حَبِيْبِي وَارْحَمْنِي مَجْمُوْلًا مَدَنِيًّا لَوْلَا اَلْاِقْبَاءُ اَطْرَافِ جَنَاتِي وَارْحَمْ

اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

فِي مَلِكِي الْبَيْتِ الْمَطْمُوْرِي وَحَبِيْبِي وَوَعْدِي

اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

اَللَّهُمَّ اِنْ كَثُرَ اللَّذْوِيْبُ كَثَفْتُ اَبْدِي بِسَائِعِي اِنِّي اَلْجَاهِلُ الْبَيْتِ اَلتَّوَالِي وَ

اَوْ رَاهِمٍ مَوْجُودٍ اَوْ مَسْكُونٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ اَوْ رَاهِمٍ اَوْ اِيَّاهُ مَسْكُونٍ

لَلَّذِي اَوْعَدَ عَلَ الْمَعَاصِيْ مَغْنَمَاتِ الْعَرْشِ وَالْاَبْيَالِ وَالرَّجَاءِ جَدْنًا عَلَ سَيِّدِي

وَجَمْعُ
اِذَا فَرَغْتَ
فَرَدَّهَا

وَجَمْعُ
اِذَا فَرَغْتَ
فَرَدَّهَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا يَأْتِي الْغُيُوبَ إِلَّا بِمَا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْأُمُورُ أَنْ يَقْبَلَ إِلَيْكُمْ وَإِنَّ أُمَّتَكُمْ أُمَّتُكُمْ أُمَّتًا وَبَارَكُ اللَّهُ فِي الْأُمُورِ لَكُمُ الْيَوْمَ يَكْفِي مَا كُنتُمْ تَارِكِينَ

بِالْحَمْدِ وَالْإِكْرَامِ فَإِنَّ لَكَ تَعْلُفَ الشَّدِيدِ عَلَى عَبْدِكَ مِمَّنْ بَنَى السُّوَالِ فَلَا تَرَى
أَصْحَابَ بَرَكَةٍ بِنَشْرِ بَرَكَةِ الْكَمَلِ لَقَدْ تَقَاتُوا حَمْلَ بَرَكَةِ الْكَمَلِ عَلَى الْبَرَكَةِ
أَلْقِنَا الْمَشْرِعَةَ إِلَيْكَ الْإِبْلُوحُ الْأَمَالُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ
كَلَّمَ الْأَمَلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْأَمَلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْأَمَلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَاللَّسْلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
وَرَسُولِهِمْ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الْمَدِينَةِ الْقُدْسِ وَالْمَدِينَةِ الْحَقِيقَةِ
بِرَبِّكَ يَا فَارُغِ شَدِيدِ الْقُوَّةِ بِنُورِ كَرَمِي فِي بَعْدَ الْأَمْرِ بِرَأْسِ الْأَمْرِ
هَذَا مَطَامٍ مِنْ حَسَنَاتِهِ تَبِعْتُمْ بِمَنْكَ وَسَيَأْتِي بِعَلْمِهِ وَدَنَ شَدِيدِ عَظَمِ وَشُكْرِهِ
بِأَمْرِ مَعَهُ كَمَا سَيَكُونُ أَوْ تَقِينُ لَمْ يَزَلْ فِي الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ
قَلْبِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ
أَلْعَلِّكَ وَمَذَاهِبِ الْعُقُولِ فَلَمْ يَمَسَّ إِلَّا الْبَلَدُ وَالْبَلَدُ وَالْبَلَدُ وَالْبَلَدُ
الْمَلْحِيحَاتِ الْكُرْمِ مَقْصُودِي وَإِنْ جُودَ مَسْتَمُولُ هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِتَقِي مَا جَاءَ الْمَاهِرِينَ
بِأَشْقَالِ الدُّنْيَا جَاهِلًا عَلَى ظَهْرِ عَمِي وَمَا أَجِدُ فِي الْبَلَدِ شَأْفِعًا سَوْعِ
بَانِكَ أَقْرَبُ مِنْ رَحْمَةِ الطَّالِبُونَ وَجَاءَ الْبُرُوقِ الْمَضْطْرُونَ وَأَمَلُ مَا لَدَيْهِ
الْأَعْيُنُ وَالْمَنْ فَنِي الْعُقُولِ بِمَعْرِفَةِ وَأَطَقَ الْإِنْسُ جَدِيدٌ وَجَعَلَ
مَا أَصْنَى بِرَبِّ عِبَادِهِ كَفَاءً لِنَا بِرَبِّهِ حَصْرَ صِلَ عَلَى عَمِي وَآلِهِ وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْأَمَلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْأَمَلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا يَأْتِي الْغُيُوبَ إِلَّا بِمَا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْأُمُورُ أَنْ يَقْبَلَ إِلَيْكُمْ وَإِنَّ أُمَّتَكُمْ أُمَّتُكُمْ أُمَّتًا وَبَارَكُ اللَّهُ فِي الْأُمُورِ لَكُمُ الْيَوْمَ يَكْفِي مَا كُنتُمْ تَارِكِينَ

لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى قُلُوبِهِمْ سَبِيلًا وَلَا يُلْقِي أَلْفًا عَلَى الْبُرُوقِ بَارَكَ
بَعْدَ أَنْ لَمْ يَكُنْ مَسْجُودًا مَسْجُودًا مَسْجُودًا مَسْجُودًا مَسْجُودًا مَسْجُودًا
حَضْرَتِ زَهْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ بَرَزَ مِنْ بَابِ الْمَدِينَةِ الْحَقِيقَةِ
أَجَلِكُمْ بِأَمْ جُودِي فِي كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّتْ لِقَائِي فَكَلَّمَني فَكَلَّمَني فَكَلَّمَني
وَقُلْ حَيَاتِي مَوْلَايَ بِأَمْ مَوْلَايَ أَيْ الْأَهْوَالِ أَتَدْرِكُونَ أَيُّهَا الشُّعْرَاءُ
وَلَمْ يَكُنْ حَيَاتِي مَوْلَايَ بِأَمْ مَوْلَايَ أَيْ الْأَهْوَالِ أَتَدْرِكُونَ أَيُّهَا الشُّعْرَاءُ
الْأَمْ مَوْلَايَ كَفَى كَيْفٌ وَمَا بَعْدَ الْمَوْلَى أَحْظَمُ وَأَدْمَى مَوْلَايَ بِأَمْ مَوْلَايَ
حَسْبِي وَمَنْ إِلَى مَنْ أَقُولُ لَكَ الْعُسْبِي مِمَّنْ بَعْدَ آخِرِي ثُمَّ لَا أَحْجِدُ
عِنْدِي حَيْدًا وَلَا وَفَاءً فَبِأَعْوَابِهِ ثُمَّ وَأَعْوَابِهِ بِكَ يَا اللَّهُ مَنْ هُوَ
أَمَّا يَا بِالسُّوءِ الْإِمَارَةِ حَمْدِي وَمَوْلَايَ بِأَمْ مَوْلَايَ أَنْ كُنْتُ حَسْبِي
مِثْلًا فَارْحَمْنِي وَإِنْ كُنْتُ فَبِكَ مِثْلًا فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ السُّوءِ أَقْبَلْنِي
يَا مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْرِفَ مِنْهُ الْحُسْنَى فَهُوَ بَعْدَ نَبِيِّي يَا لَيْتَ صَبَاحًا وَمَسَاءً
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْأَمَلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْأَمَلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ



118
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا يَأْتِي الْغُيُوبَ إِلَّا بِمَا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْأُمُورُ أَنْ يَقْبَلَ إِلَيْكُمْ وَإِنَّ أُمَّتَكُمْ أُمَّتُكُمْ أُمَّتًا وَبَارَكُ اللَّهُ فِي الْأُمُورِ لَكُمُ الْيَوْمَ يَكْفِي مَا كُنتُمْ تَارِكِينَ

حَسْبِيَ اللهُ وَبِعِزَّةِ الرَّكْبِ
خَاجِبِي وَبِعِزَّةِ السُّيْتِ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
خَاجِلِ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالنَّجْمِ وَالْقَمَرِ حَبَانًا
وَمِنْ خَلْقِي يُؤَدِّعُنِي وَيُؤَدِّعُنِي فَوْقِي

بَعْدُ

أَمَّا الرَّسُولُ وَمَعُونَتُهُ
وَأَنْ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلِفَتْ
لَا يُخَالِفُ الْمُبَغَّانِ بَعْدُ
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي (5)

سُبْحَانَ رَبِّكَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي (5)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي

بَعْدُ

أَمَّا الرَّسُولُ وَمَعُونَتُهُ
وَأَنْ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلِفَتْ
لَا يُخَالِفُ الْمُبَغَّانِ بَعْدُ
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي (5)

سُبْحَانَ رَبِّكَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
بَعْدُ أَنْ يَكُونُ صَدْرِي (5)



Handwritten marginal notes in Persian script, including the number 192 and various religious phrases.

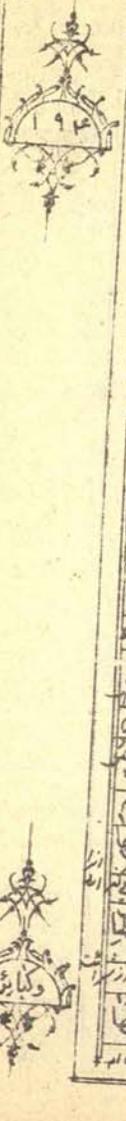
بِرَمْنِ ذَلِكَ أَقْضَى نَفْسَ التَّاعِنِينَ صَلَّتْ فِيكَ الصَّفَاتِ وَتَمَّتْ رُؤْيَاكَ
 بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ وَصَفِ رُؤْيَاكَ كَمَا كُنْتَ فِي رُؤْيَاكَ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 التَّعْوُتُ وَجَارَتْ فِي كِبَرِ بَائِكَ كَمَا قَامُوا لِأَوْلِيَانِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْإِلَهُ الْوَاحِدُ
 مَا تَعْبَهُ وَدَرَجَتِ لَنَا دَرَجَتُكَ وَكَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 فِي أَوْلِيَانِكَ وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ
 وَرَأْسُ عَزْمِي بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 عَمَّا لَجِسْتُمْ أَمَا لَعَزَّجْتُ مِنْ بَدِي سَبَابِ الْوَصْلَانَا لِأَمَّا وَصَلْتُ رَحْمَتَكَ
 وَرَحْمَتُكَ وَرَأْسُ عَزْمِي بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 وَتَقَطَّعْتُ عَنِّي عَيْشِي الْإِمَالِ الْإِعْتَصَمُ مَا أَنَا بِمِنْ عَفْوِكَ قَلَّ عِنْدِي
 مَا أَعْتَدْتُ بِمِنْ مَالِعِيكَ وَكَرَّمْنَا أَوْجُهَ بِيضٍ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يَضِيحَ عِلْمُكَ
 إِذْ يَكُونُ دَرَجَتُكَ وَرَأْسُ عَزْمِي بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 عَفْوُكَ عَنِّي عَيْشِي وَإِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفْتَ عَلَى خَلْقِي
 كَرَمْتَنِي أَرْزُقْنِي خُودَ وَرَأْسُ عَزْمِي بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 الْأَعْمَالِ عَمَلِكَ وَأَنْتَ كُلُّ مَسْئُورٍ دُونَ خَيْرِكَ وَلَا تَنْطَوِي
 عَنكَ وَفَائِقِ الْأُمُورِ وَلَا تَعْرُبْ عَنكَ غِيَابَاتِ السَّرَائِرِ وَقَدْ
 عَلَّمَكَ الَّذِي سَمَّنْتَكَ لِعَوَائِي فَأَنْظُرْ نَدِي وَأَسْتَهْمَلِكَ
 إِلَيَّ يَوْمَ الدِّينِ لِأَصِلَ إِلَى قَامَتِكَ فَأَوْقَعِي فَقَدَرْتِ الْبَيْتَ
 مِنْ صَغِيرَاتِ دُنْيَاكَ



بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ وَصَفِ رُؤْيَاكَ كَمَا كُنْتَ فِي رُؤْيَاكَ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ

مُؤَيِّدِي وَكِبَارِ عَمَالِي مُؤَيِّدِي حَتَّى إِذَا قَارَفْتَ مَعِي كَيْتَكَ وَاسْتَوَجَبْتَ
 بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 لِيَوْمِ سَعْيِي سَخَّكَ فَتَلَّ عَيْنِي عِدَارَ فَنَدِيهِ وَالْقَانِي بِكَلِمَةِ الْكُفْرِ وَتَوَلَّى
 الْبِرَاءَةَ قَوْمِي وَأَذَى مَوْلِيَا عَيْنِي فَأَحْضِرْ لِي عَضِيدَكَ فَرِيدًا وَأَخْرَجْنِي إِلَى
 فَنَاءِ وَنَضْمِكَ طَرِيدًا لِأَسْفَعُ بِشَفْعِ لِي الْبَيْتِ وَالْأَحْقَبُ بِرُؤْيَا عَيْنِي
 رَأْسُ عَزْمِي بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ
 وَلَا أَحْضُرُ عَجَبِي عَنكَ وَلَا أَمْلَأُ لِحَاكِمِ الْبَيْتِ مِنْكَ هَذَا هَامُ الْعَالَمِيَّةِ
 وَجَمَلُ الْمَعْرِفِ وَنَلِكُ فَلَا يَضِيحُ عَيْنِي فَضْلَكَ وَلَا يَضِيحُ دُونَ عَفْوِكَ
 وَلَا أَلْكَنُ أَحْسَبُ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ وَلَا أَلْفُظُ قَوْلِكَ الْأَمْلِينَ وَاعْفُ عَنِّي
 يَا خَيْرَ الْخَائِرِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمْرِي فَتَرَكْتُ وَهَيْبَتِي فَتَرَكْتُ وَسُؤْلِي
 لِي لِحَاكِمِ الْبَيْتِ فَفَرَّقْتُ وَلَا أَسْتَهْمَلُ عَلَى صِبَاغِي نَهَارًا وَلَا لَيْلًا
 هَلَاكَ وَكُنْتُ أَوْسَلُ الْبَيْتِ بِفَضْلِكَ فَكَيْفَ مَا اعْفَلْتُ مِنْ قَوْلِكَ
 فَرُؤْيَاكَ وَفَعْدَتِكَ عَنْ مَقَامَاتِ خُدُوكِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَّرَ

بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ كَوْنَهُمْ وَصَفِ رُؤْيَاكَ كَمَا كُنْتَ فِي رُؤْيَاكَ بِرَمْنِ ابْنِ مَرْيَمَ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٥

كثير ذنوبا جتر حيا كانت خافيتك لي من فضائك ما سترنا وهذا مقام
 دكان بزرگيگن ساسا با بود عايت تو من در روزها با برده و ان مقام
 من استحقاق النسيب منك وتخل عليها ورضي عنك فلما كنت تنفض
 كراي من منزه است بر لطف خود را زوق و خوش و در روزها با برده و ان مقام
 ورفيخه خاضعة وظم من لظننا وافتابن الوعبة اليك واليه
 وكون خضع كنزه و بنت كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 منك و انت اولي من وجاه و احق من خشية و اتقاء فاعطني يا رب
 از تو و تو به من بزرگيگن امير با و در روزها با برده و ان مقام
 ما دحوت و احبني فاخذت و عد علي بعائتك و رحمتك انت الهم
 انما از تو دارم و به من كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 الكهنة و ادستوني بعقولك و نعمتني بفضلك في دار الفناء و حفرة
 خزانة و چون بون بندار معن خود و ذوق من بوضار خود در سراسر

الاكفاء فاجز في من فضيل دار البطاء
 امثال بر سینه ده ممل از رسوا بهار سراسر
 عند موافق الامتهاد من اللذكري المبرين
 نزديك دكان حهران از فلكان معقول
 والرسول الكرمين والشهداء والصلحين
 در مودان كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 من خارج كنت اكايمه مستبان ومن نعيم
 از مودان كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 كنت احبته منه في سربلي لما ان في
 كه بودم كه سرور استم لدا و در كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 ديت في السربلي و وثقت بك و وثقت
 از مودان كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٦

لي و انت اولي من وثق به و اعطيت من رغب الكبر و اوقفت من استرح
 را و عز بزرگيگن ساسا با بود عايت تو من در روزها با برده و ان مقام
 فاوحيني الهممة و انت حدتني ماء صينا من صلب متضائق العا
 بر دم من خود او را در روزها با برده و ان مقام
 حرج المسالك الي حرج صبيحة سترها الي حرج صبيحة في خالاج حال
 و حرج را در روزها با برده و ان مقام
 حتى انه هبت في لي تمام الطوبى و آنت في الجراح كلف في كمال
 و حرج را در روزها با برده و ان مقام
 سقطت من علقته ستره مضعفة ستره عظما كسوت العظام لحمات
 او را در روزها با برده و ان مقام
 انك اني خلفا احرمك اشئت اذا احببت الي دنك و كمر استغين
 او را در روزها با برده و ان مقام

عن غياث فضلك جعلت لي قوتاه
 از فراز در صف اول كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 من فضل طعام و شراب اجنبة الاله
 از فراز در صف اول كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 التي استكنني حوتها و اودعني
 در كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 قوار و حرها و لو تكلي ياديت في تلك
 در كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 الحالات الي حوفي او نصيطني
 در كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر
 الي حوفي لكان للوكل حني معتزلا
 در كراي را در كمان و بنده بنت كراي و در سر

در بیان فضیلت اطاعت
و در بیان حکایات و ذممه مانع



و لکاتب العروة متى بهتة فغذوتني بفضلك غلب البر اللصق
 در این بود که در هر روز شکر بر سر خدا در هر وقت که در عبادت او بود
 نفع ذلك في تطول اعلى الى غايته هذه لا اعدم برك ولا يطغ
 بیکر اینها بود که در هر روز شکر بر سر خدا در هر وقت که در عبادت او بود
 في حن صبوعك ولا تانا كذمت صبوعك ولا تانا كذمت صبوعك
 بیکر اینها بود که در هر روز شکر بر سر خدا در هر وقت که در عبادت او بود
 فاتفق باها و اخطي عندك فذمك الشيطان عناني في سورة
 بیکر اینها بود که در هر روز شکر بر سر خدا در هر وقت که در عبادت او بود
 و صغيف اليقين ذاك الشكوة و مجا و ذمك و طاعة نصي كذا و صغيف
 و صغيف اليقين ذاك الشكوة و مجا و ذمك و طاعة نصي كذا و صغيف
 من ملكية و انصرع اليه اني في ان ذمك في سبيلك فلك الحمد على
 از شکر او در هر روز شکر بر سر خدا در هر وقت که در عبادت او بود

ابتدائك بالتمع للسام
 ابتدا کردن تو بتمتع بزرگ
 و الايقام فصل على محمد
 و اقام بر صحت بر صحت بر صحت
 نطقني بقدر برك لي
 نطق کردن با اندازه بزرگی بزرگی
 لي و ان تحمل ما ذهب
 بر او و آنچه در آنکه بر او در آنکه بر او
 طاعتك انك خير الابرار
 طاعت تو بر من شکر تو بر من شکر تو بر من شکر
 تعاطت بها علم من صفا
 تعاطف کردن با او در هر وقت که در عبادت او بود



در بیان فضیلت اطاعت
و در بیان حکایات و ذممه مانع



عن رضاك ومن نار نور
 از رضا تو و از نور تو که نور تو
 و بعيدها قريب و من نار
 دور آن نزدیک و از نور تو که نور تو
 بعضها على بعض من نار
 بعضی از آن بر بعضی از آن نور تو که نور تو
 اهلهما جميعا و من نار
 هر دو را با هم و از نور تو که نور تو
 ترحم من اسعظمها
 رحم کن بر من بزرگترین رحمت تو که بزرگترین
 عن خشعها و استسلم
 از خشوع تو و من تسلیم تو که تسلیم تو
 لدنيا من ألم التكال
 دنیا را از درد تو که درد تو که درد تو

يك من عطارها الفاعر و افرها و حثانها الضالقة بانبيائها و
 یکی از عطرهای تو که بازرگانه است و افرها و حثانها الضالقة بانبيائها و
 شرابها الذي يقطع امعاء و افعدة سكاها و ينزع قلوبهم و
 شرابها الذي يقطع امعاء و افعدة سكاها و ينزع قلوبهم و
 استمدت بك لما بعد منها و اخر عنها اللهم صل محمد على محمد
 استمدت بک لما بعد منها و اخر عنها اللهم صل محمد على محمد
 و الله اجر في منها الفضل و حثانك و اذلتني عشر اني بحسن اقبالك
 و الله اجر في منها الفضل و حثانك و اذلتني عشر اني بحسن اقبالك
 و اتخذني يا خير المحبين انك تهي الكريمة و تعطي المسكين
 و اتخذني يا خير المحبين انك تهي الكريمة و تعطي المسكين
 و جعلت في اني يا خير المحبين انك تهي الكريمة و تعطي المسكين
 و جعلت في اني يا خير المحبين انك تهي الكريمة و تعطي المسكين



وَنَفَعًا مَّا زِدْنَاكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مَّا دَرَأْتَ مِنَ اللَّهِ صَلَّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَالرَّادِ إِذْ كَرِهَ اللَّهُ
وَصَلَّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَالرَّادِ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلَاةً لَا يَنْقُطُ مَدَدُهَا
وَلَا يَحْصُرُ عِدَّتُهَا صَلَاةً لِيُخْرِجَ الْهَوَاكِمَ وَيَقْدِرَ الْأَوْصَالَ وَالسَّمَاءَ صَلَّ اللَّهُ
عَلَيْهِمَا لِيُخْرِجَ رِيحِي وَيُصَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَالرَّبُّ الْعَلِيمُ الرَّحِيمُ صَلَاةً لَا يَحْصُرُ
بِرَادِ الْوَالِدِ أَوْ مَاتَ الْوَالِدُ وَرَحْمَتُ اللَّهِ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ وَرَحْمَتُهُ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاتمه

سزاوار است که از برای نماز که او را مشاهده و مشاهده
ذکرهای نماز و دعاها من و آنچه بخواند میسر
در آن و تعقیبها من و آنچه بخواند باشد
او و دعاها من و آنچه بخواند در آن
زبان و مشاهده و دعاها من و آنچه بخواند
ان آنها پس برین باشد حال او مثل حال دیگر
کلام فایده ای ندارد
انرا از آنچه میگویند
و در وقت نماز

و بعد از آن
همساز معانی
تمام آنچه میگوید
تا نماز که بخواند
سکون و تقوی
عقاید
اعضا و جوارح
بجای آورده است
که اگر چه میگوید
نزدیک
که خداوند در حد
تخصیص آن
نماند

حَالٍ أَوْ مِثْلَ حَالِ سَابِحٍ بِأَمْرٍ وَعُرُوهَا كَمَا يَكُونُ جَيْبِي فِي أَنْكَرِ بَدَنٍ رَكِ
مَعْرَاوِي كَمَا طَرَاوِي وَكَأَنَّهُ فِي تَنْبِيهِ نَمَانٍ كَمَا رَنَدَهُ وَتَحْرِيصِهِ رَدِّ حُرْمَتِهِ إِذْ يُكْرَهُ رَدُّهَا
بِأَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ
بِعِلْمِهَا عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنْكُمْ مَنْ يَدْعُو إِلَىٰ تَقْرُبِهَا وَيُقَرِّبُهَا إِلَيْكُمْ فَاصْبِرُوا إِنَّهَا
وَقَعَائِدُ كَرِهَ اللَّهُ
مَنْزِلًا وَرَكْعَتًا وَنَبِيٍّ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الْأَيْمَنِ وَالشِّمَالِ كَرِهَ اللَّهُ
كُنَاهُ مَكْرًا لِيَكُنْ أَمْرٌ بِهِ إِشْرَافٌ بِأَشْرَافِ النَّاسِ أَوْ وَطَائِفِيهِمْ خَلْقًا يُعَالِي
بِمَانٍ كَرِهَ اللَّهُ
أَذْ ذِكْرُهَا فِي نَمَانٍ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بک بدان

از تعقیبات و تعقیب که ختم کرد سپهر کتاب را
بمعنی فایده ای که از برای امتداد میگویند خاتمه
و برای اینکه بوده باشد و جمیع آنها یک کلمه
میشود در نماز و پیش از آن و بعد از آن
افزاید که در کتب ما از این کتاب تعقیب
کرده شد شرح کرده شده است اسان فراوان
ان بر بندگان دین و دست
و بخواند و در کتاب
نار میگویند

و این چیز است
اخبار و تعقیبات
خود الله بر
انها تعقیب
من انقضای
خداوند قبول صفت
از بعد از برهن
انها در آن
شماره

حاله

الحمد لله رب العالمين
 ما نال كذا في كتاب
 شريف مفتاح الفلاح
 باحوال مختصره مفيدة كذا من حوزة آقا
 بران نوشندند هرگاه که کافه خلایق بمانا از این طرف
 در هر شبانه روز یک نیت و چهار ناعناست عمل
 نمایند امید هست که از ماسوی الله بگردند و از جمله
 بنندگان مقربین حضرت واجبا وجود گردند و بحسب
 ابدیه و نعمت دائمیه خود را برسانند انشاء الله
 و هر که طالب این نیت است که بنویسد که
 بوده باشد در هر روز در سجده
 در دهان
 این عمل را نیت خوانند



